

# مناسک حج

احکام، آداب، اسرار



مطابق فتاوی

حضرت آیت الله حاج سید محمد امین «دامت برکاته»

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: مناسک حج  
مؤلف: آیت الله العظمی سید محمد امین  
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ صفحه  
ناشر: دفتر نشر طیب  
شمارگان: ۳۰۰۰  
چاپ اول: ۱۳۸۸ ه. ش  
چاپخانه: علمیه - قم  
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه دوم، نشر طیب  
تهران: تهرانپارس، خیابان ۱۳۴، دفتر مسجد خاتم الانبیا (ص)

تلفن: ۷۷۸۶۵۵۶۴-۰۲۱ همراه: ۰۹۱۲۳۵۱۹۴۲۷

# فهرست مطالب

مقدمه ..... ۹

## حج واجب

شرایط وجوب حج	۱۱
(۱) عقل	۱۲
(۲) بلوغ	۱۲
(۳) استطاعت	۱۴
حج بذلی	۱۷
نیابت در حج	۲۲
حج استحبابی	۲۵
اقسام عمره	۲۶
اقسام حج	۲۷
حج افراد و عمره مفرده	۲۸

## اعمال عمره تمتع

احرام در میقات	۲۹
احکام میقات	۳۰
واجبات احرام	۳۵
(۱) نیت	۳۵
(۲) لباس احرام	۳۶
(۳) تلبیه	۳۸

## محرمات احرام

۴۳	موارد مشترک
۴۳	(۱) شکار
۴۴	(۲) آمیزش جنسی
۴۶	(۳) عقد کردن
۴۷	(۴) استمناء
۴۷	(۵) استعمال عطریات
۴۸	(۶) سر مه کشیدن
۴۹	(۷) نگاه در آینه
۴۹	(۸) فسوق
۴۹	(۹) جدال
۵۱	(۱۰) کشتن حشرات
۵۱	(۱۱) انگشتری زینتی
۵۱	(۱۲) روغن مالی
۵۲	(۱۳) ازاله مو
۵۳	(۱۴) خون آوردن
۵۳	(۱۵) ناخن گرفتن
۵۴	(۱۶) دندان کشیدن
۵۴	(۱۷) گیاه حرم
۵۵	(۱۸) حمل سلاح
	<b>محرمات ویژه بانوان</b>
۵۵	(۱۹) پوشاندن صورت
۵۶	(۲۰) پوشیدن زیور

### محرمات ویژه مردان

- ۵۶ ..... (۲۱) استظلال
- ۵۸ ..... (۲) پوشیدن لباس دوخته
- ۵۸ ..... (۲۳) پوشاندن سر
- ۶۰ ..... (۲۴) پوشاندن روی پا

### طواف

- ۶۱ ..... (۲) طواف
- ۶۲ ..... شرایط طواف
- ۶۳ ..... (۱) نیت
- ۶۳ ..... (۲) طهارت از حدث
- ۶۷ ..... (۳) طهارت بدن و لباس
- ۶۹ ..... (۴) ختنه
- ۷۰ ..... (۵) ستر عورت

### واجبات طواف

- ۷۱ ..... (۱) شروع و ختم
- ۷۲ ..... (۲) جهت حرکت
- ۷۳ ..... (۳) بیرون بودن از حجر اسماعیل
- ۷۳ ..... (۴) رعایت فاصله تا مقام
- ۷۴ ..... (۵) خروج از خانه
- ۷۴ ..... (۶) تعداد اشواط
- ۷۷ ..... (۷) موالات

۷۹	شک در اشواط
۸۱	نماز طواف
۸۴	سعی
۸۸	تقصیر
۸۹	تبدل حج تمتع به افراد

## اعمال حج تمتع

۹۲	احرام
۹۴	وقوف در عرفات
۹۶	وقوف به مشعر الحرام
۹۹	اعمال منی
۹۹	رمی جمره عقبه
۱۰۲	قربانی
۱۰۶	روزه بدل قربانی
۱۰۸	حلق یا تقصیر
۱۱۱	بیتوته به منی
۱۱۳	رمی جمرات
۱۱۸	اعمال مکه: طواف، نماز، سعی
۱۲۱	طواف نساء و نماز آن
۱۲۳	احکام محصور و مصدود
۱۲۶	چند مسأله مورد ابتلا

## آداب عمره

۱۳۳	.....	آداب حضور در میقات
۱۳۴	.....	تلبیه مستحب
۱۳۵	.....	آداب ورود به حرم
۱۳۵	.....	آداب ورود به مسجد الحرام
۱۳۹	.....	آداب طواف
۱۴۲	.....	آداب نماز طواف
۱۴۳	.....	آداب سعی

## آداب حج

۱۴۶	.....	احرام حج
۱۴۷	.....	آداب وقوف به عرفات
۱۵۳	.....	آداب وقوف به مشعرالحرام
۱۵۴	.....	آداب رمی جمرات
۱۵۵	.....	آداب قربانی
۱۵۶	.....	آداب حلق
۱۵۶	.....	آداب طواف و سعی

## اسرار و حکم آداب و اعمال حج

۱۵۸	.....	اسرار اعمال حج
۱۵۹	.....	احرام
۱۶۰	.....	اسرار احرام

۱۶۳	.....	حکمت تعویض لباس
۱۶۶	.....	اسرار تلبیه
۱۶۸	.....	حکمت کلی محرمات احرام
۱۷۰	.....	اسرار طواف
۱۷۳	.....	اسرار نماز طواف
۱۷۶	.....	اسرار سعی
۱۷۸	.....	اسرار تقصیر
۱۷۹	.....	حج تمتع
۱۸۰	.....	اسرار عرفات
۱۸۲	.....	اسرار مشعر
۱۸۴	.....	اسرار رمی
۱۸۷	.....	اسرار قربانی
۱۸۸	.....	اسرار حلق
۱۹۰	.....	اسرار بیتوته



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

کعبه نخستین خانه‌ای است که در سرزمین مکه به فرمان خدا ساخته شده است تا مایه برکت و هدایت جهانیان باشد. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> حضرت ابراهیم خلیل از جانب پروردگار مأموریت یافت تا مردم را برای انجام مناسک به سوی کعبه فرا خواند: «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ». افراد با ایمان دعوت ابراهیم را که همان دعوت الهی است اجابت کردند. آنان با حضور خویش در میقات و گفتن لبیک به دعوت حق، پاسخ مثبت می‌دهند و مراتب اطاعت خویش را ابراز می‌دارند. از این رو کسانی که توفیق تشریف پیدا می‌کنند باید احکام این عبادت بزرگ را فرا بگیرند تا بتوانند طبق وظیفه عمل نمایند.

۱- قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۹۶.

پیامبر گرامی (ص) فرمود:

«الْحَجَّةُ ثَوَابُهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ»

ثواب حج دخول در بهشت و ثواب عمره آمرزش گناهان است.<sup>۱</sup>

حج بر هر مکلف مستطیع - به دلیل قرآن و سنت و اجماع مسلمین - واجب است. حج یکی از ارکان و ضروریات دین است. ترک حج با اقرار به وجوب یکی از گناهان کبیره و با انکار آن موجب کفر است.

خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>

از حضرت امام صادق (ع)<sup>۳</sup> به طریق معتبر روایت شده است: هرکس از دنیا برود و حجة الاسلام به جا نیاورد و عذری مانند بیماری سخت یا منع حکومت نداشته باشد، چنین کسی یهودی یا نصرانی از دنیا رفته است.

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲- قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۹۷.

## حج واجب

۱- حج بر شخص واجد شرائط در تمام عمر تنها یک بار واجب است.

۲- وجوب حج بر مکلف مستطیع فوری است و باید در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست.

۳- اگر درک حج پس از حصول استطاعت، متوقف بر انجام مقدمات و تهیه اسباب سفر باشد، باید فوراً اقدام نماید. هر چند به صورت نام نویسی باشد. اگر کوتاهی کند و در آن سال به حج نرسد حج بر او مستقر می شود، و در سال های بعد باید به هر نحو ممکن حج به جا آورد، اگرچه استطاعتش از بین برود.

## شرایط وجوب حج

۴- وجوب حج سه شرط دارد: بلوغ، عقل و استطاعت. اگر یکی از این ها نباشد حج واجب نیست.

## (۱) عقل

۵ - حج بر دیوانه واجب نیست. ولی اگر پیش از وقوف به مشعر عاقل شود، در صورت وجود شرط بلوغ و استطاعت، حج او صحیح و حجة الاسلام محسوب می شود.

۶ - اگر پس از احرام دیوانه شود، احرام او باطل است و استنابه لازم نیست. اگر پس از انجام عمره تمتع دیوانه شود، احرام برای حج لازم نیست. ولی او نیز نسبت به عمره و حج او وظیفه ای ندارد.

## (۲) بلوغ

۷ - حج بر کودک واجب نیست. ولی اگر غیربالغ حج به جا آورد صحیح است. هرچند کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

۸ - اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و هنگام درک مشعرالحرام بالغ شود و مستطیع نیز باشد، کفایت از حجة الاسلام می کند. بنابر احتیاط در صورت امکان، با درک وقوف اضطراری عرفات، خود را به مشعرالحرام برساند.

۹ - اگر کسی که گمان داشت بالغ نیست، قصد حج استحبابی کند، بعد معلوم شود بالغ بوده، در صورتی که قصد وظیفه فعلیه کرده باشد کفایت از حجة الاسلام می کند.

۱۰ - انجام حج برای بچه ممیز با اذن ولی مستحب و

صحیح است. ولی پس از بلوغ در صورت حصول استطاعت باید حج به جا آورد و حج زمان کودکی کافی نیست.

۱۱ - احرام و احجاج طفل غیر ممیز توسط ولی او مستحب است. به این ترتیب که لباس احرام بر او بپوشاند، و نیت کند که او را برای حج یا عمره محرم می‌کند؛ اگر می‌تواند تلبیه را به او تلقین کند، و گر نه خودش به نیت او بگوید.

۱۲ - مراد از ولی در این مورد کسی است که کفالت و حضانت طفل را بر عهده دارد. هر چند ولی شرعی او نباشد. مگر مستلزم تصرف در مال طفل باشد که اذن ولی شرعی لازم است.

۱۳ - پس از احرام طفل، ولی باید طفل را از محرّمات احرام باز دارد. اگر ممیز نیست، او را از محرّمات احرام حفظ کند.

۱۴ - اگر طفل با وجود منع و مراقبت ولی، یکی از محرّمات احرام را به جا آورد، کفّاره بر طفل یا ولی واجب نیست مگر در خصوص صید که کفّاره بر عهده ولی طفل است.

۱۵ - هزینه سفر طفل و قربانی او بر عهده ولی طفل است. اگر ولی، مالی برای خرید قربانی ندارد، می‌تواند از مال طفل هزینه کند. اگر او هم ندارد، سه روز روزه بگیرد.

۱۶- ولی باید طفل را وادارد تمامی اعمال حج و عمره را انجام بدهد. هر عملی را نتواند انجام دهد، به نیابت از او به جا آورد. در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً باید طفل را وضو بدهد.

۱۷- اگر طفل نابالغ قبل از محرم شدن در میقات، بالغ شود، چنانچه از همان جا مستطیع باشد، حج او حجة الاسلام است.

### ۳) استطاعت

۱۸- شرط سوم وجوب حج استطاعت است که چهار جنبه مالی، بدنی، طریقی و زمانی دارد.

۱۹- تحقق استطاعت مالی به سه چیز است:  
 ۱) داشتن هزینه رفت و برگشت و مقدمات آن از قبیل تهیه گذرنامه و خروجی.

۲) دارا بودن لوازم زندگی مطابق شأن.

۳) رجوع به کفایت

۲۰- کسی که لوازم مناسب ندارد، چنانچه پول کافی برای تهیه آنها داشته باشد، کافی است. ولی اگر پول آنها را صرف حج نماید، کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

۲۱- کسی که اگر ازدواج نکند دچار مرض یا ضرر، مشقت یا معصیت می شود، در صورتی مستطیع است که علاوه بر

مخارج حج، هزینه ازدواج را نیز داشته باشد. در صورت تراحم، ازدواج بر حج مقدم است.

۲۲ - بستانکار اگر وقت طلب آن رسیده، و بتواند بدون مشقت، آن را وصول نماید، باید مطالبه کند و به حج برود. همچنین اگر وقت طلب آن نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد، لازم است قبول کند و صرف حج نماید.

۲۳ - لازم نیست غیرمستطیع هزینه حج را قرض نماید، هرچند بتواند به سهولت آن را در موعد مقرر بپردازد، ولی چنانچه قرض کند و ادای آن مشقت نداشته باشد و حج به جا آورد، از حجة الاسلام کفایت می کند.

۲۴ - کسی که وام دارد و مطمئن است در وقت مقرر می تواند بدهی خود را بپردازد، چنانچه هزینه حج را داشته باشد مستطیع است و بدهی داشتن مانع وجوب حج در این صورت نخواهد بود.

۲۵ - کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر تمکن از پرداخت آن ها هزینه حج را نیز داشته باشد.

۲۶ - کسی که از جهت مالی مستطیع است، ولی استطاعت جسمی و طریقی ندارد، می تواند در مال تصرف کند و خود

را از استطاعت خارج کند. ولی اگر از هر سه جهت استطاعت دارد و موسم حج فرا نرسیده، نمی‌تواند با تصرف در مال، خود را از استطاعت خارج سازد. در این صورت حج بر او مستقر شده و باید به هر نحو ممکن به حج برود.

۲۷ - بالا رفتن هزینه سفر، گرانی مواد غذایی و افزایش عوارض دولتی در سال استطاعت هر چند بیش از حد متعارف باشد، موجب سقوط حج نمی‌شود. تأخیر حج از سال استطاعت جایز نیست مگر عسر و حرج داشته باشد.

۲۸ - اگر کسی ملک یا اشیاء غیرمورد نیاز دارد که قیمت آن برای حج کافی است، باید آن را بفروشد و به حج برود.

۲۹ - اگر کسی شک در استطاعت دارد بنابر احتیاط واجب باید بررسی کند. فرقی نیست که منشأ شک مقدار موجودی یا مقدار هزینه حج باشد.

۳۰ - اگر مستطیع نذر کند روز عرفه کربلا باشد، نذرش صحیح است. ولی نذرش موجب سقوط حج نمی‌شود و باید به حج برود. انجام حج موجب سقوط كفاره تخلف نذراست. اگر به حج نرفت حج بر او مستقر می‌شود، و باید به نذر عمل کند. اگر به نذر هم عمل نکرد، باید كفاره نذر را بدهد.

۳۱ - اگر کسی نذر کند هر سال روز عرفه به زیارت امام



حسین<sup>(ع)</sup> برود، و بعد مستطیع شود، حج بر او وجوب پیدا می‌کند و عمل به نذر در سال استطاعت لازم نخواهد بود.

۳۲ - اگر انجام حج مستلزم ترک واجب یا فعل حرام باشد باید آنچه بیشتر اهمیت دارد رعایت نماید. اگر حج اهمیت کمتری داشته باشد، با این وجود به حج برود و حرامی به‌جا آورد یا واجبی را ترک کرد، معصیت کرده، ولی حج او صحیح است.

۳۳ - اگر مستطیع به خیال عدم استطاعت قصد حج استحبابی کند یا غیرمستطیع به تصور حصول استطاعت قصد حج واجب نماید و بعد خلاف آن معلوم شود، در هر دو صورت کفایت از حجة الاسلام می‌کند خصوصاً در موردی که قصد وظیفه فعلیه کرده باشد.

### حج بذلی

۳۴ - اگر شخصی هزینه حج را به کسی هبه کند یا مخارج حج او را برعهده بگیرد چنانچه قبول کند و به حج برود، کفایت از حج واجب می‌کند.

۳۵ - اگر باذل در بین راه از بذل خویش برگردد، باید نفقه برگشت او را بدهد. اگر پس از احرام رجوع کند باید هزینه تمام حج و برگشت را بپردازد.

۳۶ - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است. ولی کفارات برعهده خود او است.

۳۷ - اگر کسی در راه حج برای خدمت اجیر شود و اجرت به مقدار استطاعت باشد، حج بر او واجب می‌شود. اگرچه اجیر شدن بر او واجب نبوده است.

۳۸ - اگر نایب با دریافت اجرت مستطیع شود، چنانچه استیجار برای سال اول باشد، باید حج نیابی انجام دهد. اگر استطاعت او تا سال بعد باقی بماند در سال بعد برای خودش حج به جا آورد.

۳۹ - مستطیع باید تا هنگام برگشت از حج مخارج افراد تحت تکفل خود را داشته باشد، اگرچه واجب النفقہ او نباشند. ۴۰ - در استطاعت رجوع به کفایت لازم است. یعنی پس از

برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک داشته باشد که هزینه زندگی او بدون مشقت تأمین شود.

۴۱ - در وجوب حج علاوه بر استطاعت مالی، باید استطاعت بدنی، استطاعت طریقی و استطاعت زمانی نیز داشته باشد. کسی که به علت بیماری یا کهولت توان کافی برای رفتن مکه را ندارد حج بر او واجب نیست. همچنین کسی که راه برایش باز یا امن نیست، یا وقت تنگ است و به حج نمی‌رسد، حج بر او واجب نیست.

۴۲ - اگر کسی با وجود استطاعت من جميع الجهات حج را ترک کند، حج بر او مستقر می‌شود. و باید در سال بعد به هر نحو ممکن به حج برود.

۴۳ - مستطیع باید خودش به حج برود و استنابه کافی نیست، مگر در مورد مریض یا سالمند که امیدی به بهبودی و توانمندی خود ندارد.

۴۴ - کسی که حج بر او مستقر شده است و توان انجام آن را دارد جایز نیست حج نیابتی استیجاری یا تبرعی انجام دهد. لکن چنانچه انجام داد صحیح است.

۴۵ - کسی که حج بر او واجب شده است چنانچه حج به جا نیاورد تا از دنیا برود، باید ورثه از ترکه او برای او در همان سال فوت حج انجام بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند. اگر در آن سال استیجار و لو بلدی ممکن نباشد باید به مقدار لازم از اصل ترکه هزینه حج را کنار بگذارند و در اولین فرصت کسی را برای انجام حج اجیر نمایند.

۴۶ - کسی که خودش استطاعت مالی ندارد، اگر ارثی به او برسد که وافی به هزینه حج باشد چنانچه از جهات دیگر مانند: قدرت جسمی و کفایت در مؤونه استطاعت دارد، حج بر او واجب است. در غیر این صورت واجب نیست.

۴۷ - زنی که مهریه‌اش برای هزینه حج کافی است چنانچه شوهر تمکن دارد و مطالبه مفسده ندارد، می‌تواند مطالبه کند و به حج برود. ولی اگر تمکن ندارد یا مطالبه برای زن مفسده دارد و احتمال بدهد مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود مستطیع نیست و مطالبه جایز نیست.

۴۸ - اگر کسی منزل بزرگ گران قیمتی دارد که در صورت تبدیل به منزل کوچک‌تر و ارزان‌تر می‌تواند با تفاوت قیمت به حج برود، چنانچه زائد بر شئون او نباشد تبدیل لازم نیست. ولی اگر زائد بر شئون باشد، باید تبدیل کند و حج انجام دهد.

۴۹ - برای نیابت از میت حج میقاتی کافی است. ولی برای حی معذور بنابر احتیاط استیجار حج بلدی بشود.

۵۰ - اگر به حج بلدی وصیت شده باشد بر ورثه واجب است کسی را برای حج بلدی اجیر کنند. اگر هزینه بلدی بیش از هزینه میقاتی باشد مازاد باید از ثلث حساب شود.

۵۱ - داشتن خانه ملکی مسکونی شرط استطاعت مالی نیست مگر این‌که سکونت در خانه استیجاری یا سازمانی از نظر عرف خلاف شأن او باشد یا برایش مشقت داشته باشد.

۵۲ - کسی که حج بر او مستقر شده، و در حال حاضر نتواند به حج برود، چنانچه امید دارد در آینده قدرت پیدا کند

نمی‌تواند نایب بگیرد، و باید خودش در وقت تمکن به حج برود. ولی اگر امید به بهبودی و رفع عذر ندارد باید برای خود نایب بگیرد. اگر از دنیا برود، ورثه باید از ترکه برایش نایب بگیرند.

۵۳ - اگر ترکه برای حج میقاتی کافی نباشد، می‌توان فردی را که مقیم مکه است و اجرت کمتری می‌گیرد، برای نیابت از میت اجیر کرد.

۵۴ - هرگاه زنی درآمد داشته باشد و هزینه حج را خود برعهده بگیرد، چنانچه برایش عسر و حرج نباشد، مستطیع است و باید به حج برود، هرچند موجب مشقت شوهر بشود.

۵۵ - کسی که در محل سکونت خودش استطاعت مالی ندارد، حج بر او واجب نیست. هرچند بتواند حج میقاتی به‌جا آورد. ولی اگر به هر ترتیب به میقات رفت و آن‌جا از همه جهت استطاعت پیدا کرد و حج انجام داد، کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

۵۶ - اگر کسی برای حج نیابتی اجیر و پس از آن در همان سال مستطیع شود چنانچه حج نیابتی در همان سال استطاعت باشد، باید حج نیابتی را به‌جا آورد. در صورت بقاء استطاعت حج خودش را در سال بعد انجام بدهد.

۵۷- اگر مستطیع بدون حج از دنیا برود، ورثه باید در همان سال فوت او، کسی را برای انجام حج نیابتی اجیر کنند. تأخیر انداختن به سال بعد جایز نیست.

۵۸- عوامل خدماتی چنانچه در میقات جامع شرایط استطاعت باشند، باید ضمن انجام مأموریت حجة الاسلام به جا آورند.

### نیابت در حج

۵۹- نیابت از مرده و زنده در حج واجب و مستحب صحیح است.

۶۰- نایب باید بالغ، عاقل، شیعه، مورد وثوق و غیر معذور باشد.

۶۱- کسی که نمی تواند نمازش را صحیح بخواند چنانچه بتواند تا وقت عمل نماز و قرائت خود را تصحیح کند، نیابت و اسیتجار او مانعی ندارد. ولی اگر قادر بر تصحیح نیست، نیابت او باطل است.

۶۲- در فرض مذکور چنانچه نمی دانسته و محرم شده باشد، احرامش صحیح است و باید به نیت خود حج یا عمره بجا آورد و عمل او مجزی از حج منوب عنه نیست.

۶۳- مردی که از وقوف اختیاری عرفات یا مشعر معذور

است نیابت او صحیح نیست ولی چنانچه پس از احرام عذری عارض شود، عمل نایب صحیح و مجزی است.

۶۴ - منوب عنه باید مسلمان باشد. پس حج از کافر صحیح نیست مگر به صورت اهداء ثواب باشد.

۶۵ - در صورت زنده بودن منوب عنه در حج واجب باید حج بر او مستقر شده باشد، و خودش به سبب ضعف ناشی از پیری یا بیماری که امید بهبودی ندارد قادر بر انجام حج نباشد.

۶۶ - مماثلت بین نایب و منوب عنه شرط نیست. بنابراین مرد از زن و زن از مرد می تواند نیابت کند.

۶۷ - کسی که تاکنون حج نرفته، چنانچه مستطیع نباشد و بتواند اعمال را به طور صحیح هرچند با راهنمایی دیگری انجام دهد می تواند نایب شود.

۶۸ - نایب باید در حین عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را ولو به صورت اجمال در نیت تعیین کند.

۶۹ - نایب باید اعمال حج را مطابق فتاوی مرجع تقلید خود به جا آورده چنانچه کیفیت خاص در انجام اعمال از ناحیه منوب عنه شرط شده باشد نایب موظف است آن را نیز رعایت نماید.

۷۰ - هرگاه نایب اعمال حج را به طور صحیح انجام دهد

ذمه منوب عنه فارغ می‌شود. اگر نائب پس از احرام و دخول حرم از دنیا برود، از حج منوب عنه کفایت می‌کند.

۷۱ - هزینه لباس احرام و قربانی در حج نیابتی برعهده اجیر است. مگر شرط شده باشد که اجیر کننده بدهد. همچنین کفاره ارتکاب محرمات احرام برعهده خود او است.

۷۲ - انجام طواف نساء بر نائب واجب است، و در صورت ترک آن، زن بر او حلال نمی‌شود. ولی بر منوب عنه چیزی نیست.

۷۳ - کسی را که وقت کافی برای انجام حج تمتع ندارد و وظیفه‌اش عدول به افراد است، نمی‌توان برای کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است اجیر نمود. ولی اگر در سعه وقت او را اجیر کند و بعد وقت ضیق شود، باید عدول کند، و مجزی از حج منوب عنه است.

۷۴ - در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست. ولی در حج استحبابی مانع ندارد.

۷۵ - اگر مستطیع به حج نرود، و بعد به واسطه عذری مانند بیماری یا پیری یا عسر و حرج نتواند به مکه برود و امیدی به رفع عذر نداشته باشد، واجب است نائب بگیرد. پس از انجام حج توسط نائب، حج از معذور ساقط می‌شود. هر چند پس از آن عذرش برطرف شود.



۷۶ - کسی که حج واجب برعهده دارد نمی تواند نایب شود. چنانچه مخالفت کند و حج نیایی انجام دهد صحیح است.

۷۷ - اگر نایب پس از احرام و ورود به حرم از دنیا برود از حجة الاسلام منوب عنه کفایت می کند و استحقاق تمام اجرت را دارد. ولی اگر پیش از احرام یا پس از آن قبل از ورود به حرم بمیرد کافی نیست و باید به دیگری نیابت بدهد. در این صورت استحقاق اجرت به مقدار انجام مقدمات خواهد داشت.

۷۸ - نایب پس از اتمام حج منوب عنه بنا بر احتیاط مستحب خودش عمره مفرده به جا آورد.

۷۹ - اجیر شدن نایب برای انجام طواف یا ذبح برای دیگری یا عمره مفرده پس از اتمام حج جایز است.

### حج استحبایی

۸۰ - کسی که حج واجب خود را انجام داده، تکرار حج بر او در سالهای بعد مستحب است. ترک حج در پنج سال متوالی مکروه است.

۸۱ - انجام حج تبرعی از طرف خویشان و دوستان، زنده یا مرده، نیز مستحب است.

۸۲ - هزینه حج باید از مال حلال باشد. صرف مال مشتبّه که علم به حرمت آن ندارد، برای حج اشکال ندارد، هرچند احوط مصالحه با مجتهد است.

۸۳ - انسان می‌تواند پس از انجام حج استحبایی، ثواب آن را به دیگری هدیه کند. چنان‌که در وقت شروع می‌تواند فرد مورد نظر را نیت کند.

۸۴ - کسی که استطاعت مالی ندارد، مستحب است به هر طریق ممکن ولو به عنوان نایب یا عامل به حج برود.

### اقسام عمره

۸۵ - عمره نیز مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود. وجوب آن مانند حج فوری است. اگر برای عمره مستطیع باشد باید عمره به‌جا آورد، هرچند برای حج مستطیع نباشد. اگر برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد، باید حج به‌جا آورد.

۸۶ - کسانی که از مکه دور هستند، وظیفه آن‌ها حج تمتع است، هیچگاه استطاعت حج و عمره از یکدیگر جدا نیست. زیرا اعمال عمره و حج تمتع مستقل از هم نیست.

۸۷ - پس از اتمام اعمال حج تمتع، مستحب است عمره مفرده به جا آورد.

۸۸ - برای ورود به مکه، احرام واجب است و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد. اگر موسم حج نیست عمره مفرده انجام دهد. مگر کسانی که به مقتضای شغل زیاد به مکه تردد دارند.

۸۹ - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است. لکن باید هر عمره در یک ماه قمری واقع شود، اگرچه یک ماه بین آن‌ها فاصله نشود. مثلاً می‌تواند در روز آخر ماه رجب یک عمره و در روز اول ماه شعبان نیز عمره مفرده دیگری انجام دهد.

۹۰ - دو عمره مفرده در یک ماه قمری جایز نیست. ولی اگر عمره دوم به عنوان نیابت باشد اشکال ندارد. هر چند بهتر است قصد رجا کند.

### اقسام حج

۹۱ - حج سه قسم است: تمتع، قران و افراد.

۹۲ - حج تمتع وظیفه کسانی است که در فاصله چهل و هشت میل (شانزده فرسخ) از مکه یا بیشتر زندگی می‌کنند.

۹۳ - کسی که مقیم مکه است یا در محدوده ۴۸ مایلی از مکه سکونت دارد، وظیفه‌اش حج افراد یا قران است.

## حج افراد و عمره مفرده

۹۴ - اعمال حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می شود، همان اعمال حج تمتع است با این تفاوت که در حج افراد قربانی مستحب و در حج تمتع واجب است.

۹۵ - عمره مفرده با عمره تمتع از چند جهت فرق دارد.  
 (۱) در عمره تمتع باید تقصیر کند و حلق جایز نیست. اما در عمره مفرده بین حلق و تقصیر مخیر است.

(۲) عمره تمتع پیش از حج تمتع و عمره مفرده پس از حج افراد است.

(۳) عمره تمتع طواف نساء ندارد، عمره مفرده دارد.

(۴) میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه و میقات عمره مفرده ادنی الحل (جعرانه، حدیبیه، تنعیم) است. هرچند احرام از مواقیت پنجگانه برای عمره مفرده نیز جایز است.

۹۶ - کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه مانند حج تمتع است و در احکام مشترک هستند، و کیفیت اعمال عمره تمتع نیز مانند عمره مفرده است.

۹۷ - عمره تمتع کفایت از عمره مفرده می کند.

۹۸ - کسی مانند نائب که وظیفه اش حج تمتع است، اگر استطاعت برای عمره پیدا کند، ولی برای حج استطاعت نداشته باشد عمره مفرده بر او واجب نیست.

۹۹ - محرمات احرام در تمام اقسام حج و عمره مشترک است. پس از تقصیر یا حلق همه چیز حلال می‌شود مگر زن که بعد از انجام طواف نساء حلال می‌شود.

۱۰۰ - طواف نساء در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا حلق انجام شود.

۱۰۱ - اگر کسی به احرام عمره مفرده در ماه‌های حج وارد مکه شود، می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و حج تمتع به‌جا آورد.

۱۰۲ - حج تمتع شامل دو بخش است. عمره تمتع و حج تمتع. عمره تمتع مشتمل بر پنج عمل و حج تمتع مشتمل بر ده عمل واجب می‌باشد که شرح هر کدام به تفصیل خواهد آمد.

### اعمال عمره تمتع

۱۰۳ - عمره تمتع پنج جزء دارد:

(۱) احرام در میقات (۲) طواف کعبه (۳) نماز طواف

(۴) سعی بین دو کوه صفا و مروه

(۵) تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن

### (۱) احرام در میقات

۱۰۴ - اولین عمل واجب عمره تمتع محرم شدن در میقات است.

۱۰۵ - کسی که می‌خواهد به مکه برود بر او واجب است در یکی از مواقیت محرم شود. اگر در ماه‌های شوال و ذیقعده و ذیحجه باشد و بخواهد حج انجام دهد باید به قصد عمره تمتع محرم شود. اگر در ماه‌های دیگر باشد یا نخواهد حج به جا آورد باید به قصد عمره مفرده محرم شود.

۱۰۶ - کسی که واجب الحج نیست اگر بدون احرام از میقات بگذرد و داخل مکه شود معصیت کرده است. ولی تکلیفی نسبت به انجام عمره یا حج ندارد.

۱۰۷ - کسانی که شرعاً مکلف نیستند مانند کودکان و مجانین و بیهوش، برای ورود به مکه احرام بر آنان واجب نیست.

### احکام میقات

۱۰۸ - مکانی را که شارع مقدس برای محرم شدن به اختلاف راه‌های حجاج به طرف مکه تعیین کرده، میقات گویند. و آن پنج محل است:

(۱) ذوالحلیفه و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

(۲) وادی عقیق میقات اهل عراق و نجف است. اوائل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می‌گویند.

(۳) قرن المنازل، میقات اهل طائف.

۴) یلملم، میقات اهل یمن.

۵) جحفه، میقات اهل شام و مصر و مغرب.

۱۰۹ - در صورت ضرورت مانند ضعف و مرض جایز است

احرام را از ذوالحلیفه تا جحفه تأخیر بیاندازد.

۱۱۰ - حائض یا جنب می تواند بیرون از مسجد شجره

محرم شود.

۱۱۱ - شناسایی میقات از سه راه می باشد.

اول - خود انسان میقات را بشناسد.

دوم - دو شاهد عادل گواهی دهد.

سوم - خبر اهل اطلاع که موجب اطمینان باشد.

۱۱۲ - هرگاه از راهی برود که از هیچ میقاتی نگذرد باید

از محاذات محرم شود. اگر مسیر طوری باشد که با دو میقات

محاذات پیدا کند، باید از محاذی میقات اول احرام ببندد.

۱۱۳ - اگر مستطیع از روی علم و عمد احرام را از میقات

تأخیر اندازد و نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری هم در

پیش نداشته باشد، چنانچه خارج از حرم محرم شود، احرام و

حج او صحیح است، هر چند احتیاط اعاده در سال بعد است.

۱۱۴ - شخصی که می خواهد از محاذی میقات محرم شود،

اگر محاذات را نداند، باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد. اگر

نتواند شناسایی کند پیش از آن به نذر محرم شود.

۱۱۵ - کسانی که از جده به مکه می‌روند اگر برایشان احراز شود که جده محاذی با یکی از میقات‌ها است می‌توانند از آن‌جا محرم شوند. اگر احراز نشود باید برای احرام به جحفه بروند و اگر نتوانند، جایز است از جده به نذر محرم شوند.

۱۱۶ - مراد از محاذات آن است که اگر به طرف مکه بایستند میقات در طرف راست یا چپ او قرار بگیرد.

۱۱۷ - در صورتی که ثابت نباشد رابع محاذی جحفه است، احرام از آن‌جا جایز نیست.

۱۱۸ - کسی که به واسطه فراموشی یا بیهوشی یا ندانستن مسأله بدون احرام از میقات عبور کرده است چنانچه بتواند باید به میقات برگردد و از میقات محرم شود. اگر ممکن نیست و هنوز داخل حرم نشده، از همان‌جا محرم شود. اگر داخل حرم شده، در صورت امکان باید از حرم خارج شود و محرم گردد. اگر ممکن نیست از همان‌جا محرم شود.

۱۱۹ - احرام پیش از میقات صحیح نیست. ولی اگر نذر کند از محلی پیش از میقات محرم شود، جایز است.

۱۲۰ - تأخیر احرام از میقات اختیاراً جایز نیست. بلکه از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری جلوتر باشد.

۱۲۱ - اگر بدون احرام از میقات عبور کرد، واجب است در



صورت امکان برگردد و از میقات محرم شود. ولی اگر میقات مانند جحفه در پیش باشد و از آنجا محرم شود، کافی است، هر چند معصیت کرده است.

۱۲۲ - اگر زن در میقات حائض باشد و بدانند نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خودش انجام دهد، باید به قصد مافی‌الذمه محرم شود.

۱۲۳ - اگر پیش از انقضاء وقت عمره پاک شد، عمره به جا آورد. اگر پاک نشد با همان احرام، حج افراد به جا آورد.

۱۲۴ - اگر از اول به قصد افراد محرم شود و برخلاف عادت زودتر پاک شود، به طوری که وقت کافی برای عمره داشته باشد احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

۱۲۵ - کسی که عمره مفرده به جا آورد و در مکه بماند تا شوال فرا رسد، اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود. احرام از ادنی‌الحل مانند تنعیم برای عمره تمتع صحیح نیست.

۱۲۶ - کسی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شود نمی‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد و در صورت تجاوز باید به میقات برگردد و از آنجا محرم شود و چنانچه برگشتن برایش ممکن نباشد یا از میقات یا محاذی آن عبور ننماید

می تواند از ادنی الحل محرم شود.

۱۲۷ - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد، لازم است از محدوده حرم بیرون رود و از آن جا محرم شود، هر چند احرام از ادنی الحل نیز کافی است.

۱۲۸ - میقات شاغلین در جده برای عمره تمتع همان مواقیت معروفه است و نمی تواند از جده یا ادنی الحل محرم شوند. اگر به خاطر ندانستن مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آن ها صحیح نیست.

۱۲۹ - کارگزاران حج و خدمه کاروان ها که می دانند پس از ورود به مکه باید برای انجام کارها از مکه خارج شوند بنابر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند. بلکه برای ورود به مکه باید در صورت عبور از میقات، از میقات، و در صورت عدم عبور از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شوند. پس از انجام مفرده هر چند بار در همان ماه از مکه بیرون بروند، برای بازگشت به مکه نیاز به احرام و عمره نیست. مگر در ماه جدید مراجعت نمایند. در این صورت در آخرین نوبت که به مکه برمی گردند باید به یکی از مواقیت معروفه مثل مسجد شجره یا جحفه بروند و از آن جا برای عمره تمتع محرم شوند.

## واجبات احرام

۱۳۰ - واجبات احرام سه چیز است: نیت، پوشیدن لباس احرام، تلبیه.

### (۱) نیت

۱۳۱ - وقتی انسان می‌خواهد محرم شود، باید قصد کند احرام او برای عمره یا حج تمتع است.

۱۳۲ - عمره و حج و تمام اجزاء آن از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند متعال به‌جا آورده شود.

۱۳۳ - اگر عمره را به ریاء یا غیر آن باطل کند، و زمان کافی برای اعاده نباشد، احتیاط واجب آن است که حج افراد به‌جا آورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

۱۳۴ - اگر حج را به ریاء باطل کند باید سال بعد عمره و حج را اعاده نماید.

۱۳۵ - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به قصد ریاء به جا آورد و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره موجب بطلان عمره و در حج موجب بطلان حج می‌شود. ولی اگر جبران کند عملش صحیح می‌شود. اگر چه گناهکار است.

۱۳۶ - اگر به واسطه ندانستن مسأله به جای عمره تمتع، حج تمتع را قصد نماید، چنانچه قصدش این باشد که همین عملی را که همه به جا می‌آورند او هم به جا آورد، و در تطبیق اسم اشتباه کرده باشد اشکال ندارد و احرام عمره تمتع صحیح است.

۱۳۷ - اگر به گمان تقدم حج تمتع بر عمره این طور نیت کرده باشد، که پس از احرام به عرفات و مشعر برود و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد احرام او باطل است. و باید در میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است، باید در صورت امکان برگردد و در میقات محرم شود.

## (۲) لباس احرام

۱۳۸ - مرد باید لباس متعارف را از تن درآورد و دو جامه مخصوص احرام بپوشد که به آن رداء و ازار می‌گویند.

۱۳۹ - پوشیدن لباس احرام به نحو متعارف کافی است. ولی مستحب است لنگ بالای ناف و پایین زانو را بپوشاند.

- ۱۴۰ - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست. هر کدام را اول بپوشد صحیح است.
- ۱۴۱ - بنابر احتیاط واجب در حال اختیار باید دو جامه جدا باشند. یک قطعه بلند کافی نیست و بستن دو جامه به همدیگر جایز نیست.
- ۱۴۲ - در پوشیدن جامه احرام بنابر احتیاط واجب قصد اطاعت و قربت کند.
- ۱۴۳ - جامه احرام مرد یا زن نباید حریر، متنجس و بدن نما باشد.
- ۱۴۴ - هرگاه جامه احرام نجس شود بنابر احتیاط واجب تطهیر یا تعویض یا تقطیع نماید. اما تطهیر بدن هنگام محرم شدن و پس از احرام لازم نیست. ولی مستحب است. اگر اقدام به تطهیر لباس احرام یا بدن نکند، احرام صحیح است و کفاره ندارد.
- ۱۴۵ - در صورت تبدیل جامه احرام مستحب است برای طواف همان لباس را که در آن محرم شده بود بپوشد.
- ۱۴۶ - اگر محرم به خاطر سرما یا جهت دیگر به پوشیدن لباس دوخته اضطرار پیدا کند می تواند آن را پائین و بالا یا پشت و رو کند و به دوش بیاندازد.

۱۴۷ - بیرون آوردن لباس احرام برای شستن یا استحمام یا هر مورد دیگر جایز است.

۱۴۸ - محرم در صورت نیاز می‌تواند بیش از دو جامه احرام بپوشد. ولی باید همه آنها شرایط لباس احرام را داشته باشند.

۱۴۹ - اگر لباس احرام را عمداً نپوشد، یا لباس دوخته در حال احرام بپوشد، معصیت کرده و باید کفاره بدهد. ولی احرامش صحیح است.

۱۵۰ - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد. ولی احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

### ۳) تلبیه

۱۵۱ - پس از پوشیدن لباس احرام باید به قصد احرام عمره یا تمتع چهار لَبِیک به این ترتیب بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

احتیاطاً این عبارت را نیز بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

احوط آن است که به جای صورت اولی بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ،

لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

۱۵۲ - صحیح گفتن مقدار واجب تلبیه برای احرام مانند تکبیره الاحرام در نماز واجب است.

۱۵۳ - اگر تلبیه واجب را نداند، باید آن را یاد بگیرد، یا کسی او را در وقت گفتن تلقین نماید، یعنی کسی بگوید و او تکرار کند.

۱۵۴ - فرد لال تلبیه را بنویسد و با انگشت به آن اشاره نماید و زبانش را به هر نحو می تواند حرکت دهد. نائب گرفتن لازم و کافی نیست.

۱۵۵ - اگر نتواند تلبیه را یاد بگیرد یا وقت یادگیری نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، به هر نحو می تواند بگوید، و بهتر است ترجمه آن را بگوید.

۱۵۶ - اگر کسی به خاطر فراموشی یا ندانستن حکم، تلبیه را نگوید، در صورت امکان واجب است به میقات برگردد و لبیک بگوید. اگر نتواند برگردد، چنانچه داخل حرم نشده است همان جا لبیک بگوید. اگر داخل حرم شده، باید برای احرام و تلبیه از حرم بیرون رود. اگر ممکن نیست همان جا محرم شود و لبیک بگوید. اگر پس از اتمام عمره یادش آمد باید اعاده کند. اگر فرصت اعاده نیست، حج افراد به جا آورد.

۱۵۷ - اگر کسی لبیک واجب را نگوید محرم نیست و

محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود. همچنین است اگر لبیک را به ریاء باطل کند.

۱۵۸ - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده، و عمره او صحیح است. همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم در مکه فراموش کند که نیت حج کرده یا عمره، بنا بگذارد که نیت حج تمتع کرده، و حج او صحیح است.

۱۵۹ - تأخیر لبیک واجب از میقات جایز نیست. حکم تأخیر لبیک مانند حکم عبور از میقات بدون احرام است.

۱۶۰ - یک بار لبیک گفتن برای محرم شدن کافی است. ولی تکرار آن مستحب است. هفتاد مرتبه ثواب بسیار دارد. برای تکرار، گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» کافی است.

۱۶۱ - محرم برای عمره تمتع به محض مشاهده خانه‌های مکه باید گفتن لبیک را قطع کند. محرم برای حج باید لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید. محرم برای عمره مفرده هنگام دخول حرم و چنانچه از ادنی الحل محرم شده باشد با مشاهده کعبه باید لبیک گفتن را قطع نماید.

۱۶۲ - طهارت از حدث اصغر و اکبر در احرام لازم نیست. احرام در حال جنابت و حیض و نفاس صحیح است.



۱۶۳ - اگر پس از محرم شدن پیراهن بپوشد لازم است پیراهن را شکاف دهد و از پائین بیرون آورد. ولی اگر در پیراهن محرم شود شکافتن لازم نیست. بیرون آوردن از پائین و پوشیدن لباس احرام کافی است و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

۱۶۴ - اگر احرام را فراموش کند و بعد از انجام اعمال عمره تمتع یادش بیاید و نتواند جبران کند، عمره او باطل است و باید برای حج افراد محرم شود و پس از آن عمره مفرده به جا آورد. ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و بعد یادش آمد عملش صحیح است.

۱۶۵ - چند چیز در احرام مستحب است:

(۱) پیش از احرام ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را بتراشد.

(۲) از اول ماه ذی القعدة موی سر و ریش را رها کند.

(۳) غسل احرام، تقدیم آن قبل از حضور در میقات جایز است. غسل در روز تا آخر شب و غسل در شب تا آخر روز بعد کافی است.

(۴) دو جامه احرام از پنبه و سفید باشد.

(۵) پس از فریضه ظهر یا عصر یا بعد از شش رکعت نماز

باشد. در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند.

۶) از میقات تا هنگام مشاهده خانه‌های مکه، به ویژه هنگام سوار شدن و پیاده شدن، سر بالائی و سرازیری جاده، بیدار شدن از خواب، وقت سحر و پس از نماز تلبیه را تکرار کند.

۱۶۶ - چند چیز در احرام مکروه است:

- ۱) احرام در جامه سیاه یا رنگین، یا راه‌راه و چرک.
- ۲) خوابیدن بر رختخواب و بالش زرد رنگ.
- ۳) استعمال حنا پیش از احرام.
- ۴) حمام رفتن و کیسه کشیدن.
- ۵) لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را ندا دهد.

## محرمات احرام

۱۶۷ - پس از تلبیه ۲۴ چیز بر محرم حرام می‌شود که از آن‌ها به محرمات احرام تعبیر می‌شود.

۱۶۸ - چهار مورد از محرمات احرام: زیر سایه رفتن، پوشیدن لباس دوخته، پوشاندن سر و روی پا اختصاص به مردان دارد و دو مورد پوشاندن صورت و زینت کردن به زنان اختصاص دارد و هیچ‌کدام مورد دیگر مشترک بین زن و مرد است.

## موارد مشترک

### (۱) شکار

۱۶۹ - شکار کردن حیوان وحشی صحرائی بر محرم حرام است.

۱۷۰ - خوردن گوشت و تخم و جوجه شکار بر محرم حرام است، هر چند خودش شکار نکرده باشد.

- ۱۷۱ - نشان دادن شکار به شکارچی و کمک کردن به او در امر شکار بر محرم حرام است.
- ۱۷۲ - صید برای محرم در خارج حرم و صید در حرم برای محل جایز نیست. حیوانی که با پرتاب تیر یا شلیک گلوله توسط محرم شکار شود حکم مردار دارد، هر چند آن را ذبح کند.
- ۱۷۳ - صید حیوان دریایی برای محرم مانعی ندارد. مراد از دریایی حیوانی است که بتواند در آب زندگی کند.
- ۱۷۴ - پرندگان، ملخ و زنبور حیوان صحرائی به شمار می آیند.
- ۱۷۵ - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی، گاو، گوسفند و شتر مانع ندارد.
- ۱۷۶ - نگهداری صید نیز حرام است و باید آن را رها کند هر چند مالک آن باشد.

## (۲) آمیزش جنسی

- ۱۷۷ - آمیزش و هرگونه استمتاع از قبیل لمس کردن و نگاه شهوت آمیز زن و شوهر به یکدیگر حرام است.
- ۱۷۸ - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و

عمد آمیزش کند، چنانچه پس از سعی باشد عمره‌اش باطل نمی‌شود، ولی باید یک شتر کفاره بدهد. چنانچه پیش از سعی باشد عمره باطل می‌شود، باید به همان میقات اول یا یکی از مواقیت معروفه برگردد و مجدداً برای عمره تمتع محرم شود و عمل را تمام کند و یک شتر کفاره بدهد. هر چند احوط اتمام و اعاده است. در صورت ضیق وقت، حج افراد انجام بدهد و پس از آن عمره مفرده به‌جا آورد.

۱۷۹ - آمیزش در احرام حج از روی علم و عمد قبل از وقوف به عرفات و مشعر موجب بطلان حج و کفاره شتر است. در این صورت باید اعمال حج را تمام کند تا از احرام خارج شود و سال بعد آن را اعاده نماید. در صورت جهل حج او صحیح است و کفاره نیز ندارد.

۱۸۰ - آمیزش بعد از وقوف به عرفات و مشعر موجب بطلان حج نیست. ولی اگر پیش از اتمام نصف طواف نساء باشد باید کفاره بدهد.

۱۸۱ - اگر بوسیدن یا نگاه کردن یا لمس همسر از روی شهوت موجب خروج منی بشود کفاره‌اش یک شتر، و بدون انزال یک گوسفند است. اگر بدون شهوت باشد و منی خارج نشود، کفاره ندارد.

۱۸۲ - اگر آمیزش مرد و زن محرم از روی اجبار باشد، مرد باید علاوه بر کفاره خود، کفاره زن را نیز بدهد. اگر زن راضی شود، کفاره بر خود او است.

۱۸۳ - هرگونه استمتاع اعم از بوسیدن، نگاه کردن، لمس از روی جهل یا غفلت یا فراموشی باشد، موجب بطلان عمره و حج نمی‌شود و کفاره ندارد.

### ۳) عقد کردن

۱۸۴ - عقد زن برای خود یا دیگری هر چند محرم نباشد، همچنین شاهد عقد بودن جایز نیست. ولی خواستگاری، رجوع به زن، گواهی دادن به عقد اشکال ندارد.

۱۸۵ - اگر مرد محرم زنی را برای خود عقد کند در صورت علم به مسئله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود. در صورت جهل به حکم عقد او باطل است. اگر دخول واقع نشده، حرام ابدی نمی‌شود. در این جهت فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

۱۸۶ - اگر زن محرم به عقد مرد محل درآید عقد باطل است. در صورت علم زن به حکم برای همیشه به یکدیگر حرام می‌شوند.

۱۸۷ - اگر کسی محرم یا محل زنی محرم یا محل را برای

مرد محرم عقد کند، در صورت دخول هرکس عالم به حکم و موضوع باشد باید یک شتر کفاره بدهد. در صورت عدم دخول بر هیچکدام کفاره واجب نیست. این حکم در موردی که زن فقط محرم باشد جاری نیست.

#### ۴) استمناء

۱۸۸ - استمناء یعنی طلب خروج منی از طریق ملاحظه و غیر آن حرام است. در صورت خروج منی بنابر احتیاط موجب بطلان حج است و یک شتر کفاره دارد.

#### ۵) استعمال عطریات

۱۸۹ - محرم باید از استشمام و استعمال انواع عطریات و هر نوع ماده خوشبو کننده و بنابر احتیاط هر چیز خوشبو مانند مشک و زعفران و عنبر، ریحان، گل خوشبو، حتی کافور اجتناب کند.

۱۹۰ - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست. همچنین پوشیدن لباسی که قبلاً به آن عطر مالیده شده و بوی عطر آن باقی باشد.

۱۹۱ - خوردن چیزی که بوی خوش می دهد مثل زعفران و

ریحان، دارچین و زنجبیل جایز نیست. ولی بوئیدن و خوردن سیب و به اشکالی ندارد.

۱۹۲ - اگر ناگزیر شود لباس معطر بپوشد یا غذای خوشبو بخورد، احتیاطاً از استشمام آن خودداری نماید.

۱۹۳ - محرم نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد، لکن فرار از آن به تند رفتن مانع ندارد.

۱۹۴ - خرید و فروش عطریات برای محرم اشکال ندارد. ولی استشمام و استعمال برای امتحان جایز نیست.

۱۹۵ - بوئیدن خلوق کعبه حرام نیست و آن یک نوع فرآورده روغنی معطری است که برای ضدعفونی و خوشبو کردن به دیوار کعبه می‌مالند.

۱۹۶ - کفاره استعمال مکرر بوی خوش در وقت واحد یا مجلس واحد، یک گوسفند است. در صورت تعدد وقت یا تعدد مجلس کفاره نیز متعدد می‌شود، هر چند در بین کفاره نداده باشد.

## ۶) سرمه کشیدن

۱۹۷ - سرمه کشیدن به هر رنگی باشد، چنانچه زینت حساب شود، حرام است، ولی کفاره ندارد و در صورت اضطرار مانند معالجه اشکال ندارد.



## ۷) نگاه در آینه

۱۹۸ - نگاه کردن در آینه برای دیدن خود و به قصد تزیین حرام است. ولی اگر به قصد تزیین نباشد یا برای دیدن اشیاء و افراد دیگر باشد اشکال ندارد.

۱۹۹ - نگاه کردن به آب و اجسام صیقلی که عکس در آن پیدا است، همچنین عکس گرفتن و فیلم برداری اشکال ندارد.

۲۰۰ - عینک زدن اگر جنبه زینت نداشته باشد و به قصد زینت هم نباشد اشکال ندارد. ولی اگر زینت محسوب شود و یا به قصد زینت باشد جایز نیست.

۲۰۱ - نگاه کردن به آینه کفاره ندارد. ولی مستحب است پس از آن لبیک بگوید.

## ۸) فسوق

۲۰۲ - دروغ گفتن، فحش دادن و فخرفروشی که مستلزم اهانت به انسان با ایمان باشد در همه حال حرام است و در حال احرام حرمت آن مؤکد است و کفاره آن استغفار است.

## ۹) جدال

۲۰۳ - سوگند خوردن برای اثبات یا نفی مطلب اگر به لفظ (الله) یا اسماء مختص به خدا مانند رحمان و رحیم و خالق

السموات والارض باشد، حرام است. ولی سوگند به قرآن و پیامبر و کعبه و امام جدال نیست.

۲۰۴ - سوگند یاد کردن به لفظ جلاله در مقام ضرورت برای احقاق حق یا ابطال باطل جایز است.

۲۰۵ - در جدال اگر سوگند راست باشد، در مرتبه سوم باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۲۰۶ - اگر سوگند دروغ باشد باید در مرتبه اول یک گوسفند، در مرتبه دوم یک گاو، در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد.

۲۰۷ - اگر کسی بیش از سه مرتبه سوگند راست بخورد، کفاره آن یک گوسفند است و اگر بیش از سه بار سوگند دروغ یاد کند کفاره آن یک شتر است. مگر آن که پس از مرتبه سوم کفاره داده باشد.

۲۰۸ - اگر در جدال به دروغ در دفعه اول یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کرد. چنانچه پس از آن دوباره جدال به دروغ کند، باید یک گوسفند دیگر به عنوان کفاره ذبح کند.

۲۰۹ - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کند و یک گاو کفاره بدهد، سپس یک مرتبه دیگر جدال به دروغ کند یک گوسفند کفاره آن است. اگر دو مرتبه دیگر جدال به دروغ کند یک گاو کفاره آن است.

## ۱۰) کشتن حشرات

- ۲۱۰ - کشتن حشرات ریز مانند شپش، کک و کنه که در بدن انسان یا حیوان لانه می کنند، جایز نیست.
- ۲۱۱ - انداختن و انتقال به جایی که در معرض سقوط است جایز نیست، هرچند کفاره ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که یک مشت طعام خرما صدقه بدهد.

## ۱۱) انگشتری زینتی

- ۲۱۲ - انگشتر به دست کردن برای زینت حرام است. ولی برای استحباب یا خاصیت و نگهداری اشکال ندارد.
- ۲۱۳ - حنا بستن و لاک زدن برای زینت جایز نیست. ولی اگر پیش از احرام باشد، هرچند اثرش تا زمان احرام بماند مانع ندارد مگر قصد زینت در حال احرام را داشته باشد.
- ۲۱۴ - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

## ۱۲) روغن مالی

- ۲۱۵ - استفاده از هرگونه پماد و کرم و مالیدن روغن به صورت و بدن و موی سر برای زینت یا لطافت پوست یا حفاظت از تابش آفتاب در حال احرام جایز نیست. ولی در موارد اضطرار و برای درمان اشکال ندارد.

۲۱۶ - کفارهٔ روغن مالی از روی علم و عمد یک گوسفند است. هرچند بوی خوش نداشته باشد.

### (۱۳) ازالهٔ مو

۲۱۷ - تراشیدن مو از بدن خود یا دیگری، محرم یا محل، با هر وسیله، کم یا زیاد، حتی ازالهٔ یک مو بلکه جزئی از آن حرام است، مگر ضروری باشد. مانند موی چشم که موجب مشقت باشد.

۲۱۸ - کنده شدن مو هنگام غسل یا وضو بدون قصد اشکال ندارد. اگر در غیر حال وضو و غسل به واسطه دست کشیدن به سر و صورت کنده شود احتیاطاً یک مشت طعام صدقه بدهد.

۲۱۹ - اگر محرم سر خود را بتراشد، چنانچه ضروری نباشد باید گوسفندی قربانی کند و در صورت ضرورت، باید سه روز روزه بگیرد یا به شش مسکین به هر کدام دو نوبت غذا صدقه بدهد. اطعام ده مسکین کفایت می‌کند.

۲۲۰ - کفاره ازالهٔ مو از زیر هر دو بغل یک گوسفند است. ازاله موی زیر یک بغل نیز بنا بر احتیاط یک گوسفند است. هرچند بعید نیست اطعام سه مسکین کافی باشد.

۲۲۱ - تراشیدن سر دیگری ولو محرم باشد کفاره ندارد.

## ۱۴) خون آوردن

۲۲۲ - بیرون آوردن خون از بدن خود در غیر مورد ضرورت بر محرم حرام است. بنابراین در حال احرام نمی‌توان خون داد یا حجامت کرد. ولی خون گرفتن از بدن دیگری، همچنین تزریق آمپول مانع ندارد.

۲۲۳ - خراشیدن پوست و مسواک زدن در صورتی که سبب بیرون آمدن خون از بدن بشود جایز نیست.

۲۲۴ - بیرون آوردن خون از بدن كفاره ندارد، هر چند بدون عذر باشد.

## ۱۵) ناخن گرفتن

۲۲۵ - گرفتن ناخن دست یا پا با هر وسیله‌ای بر محرم حرام است. مگر موجب آزار باشد.

۲۲۶ - كفاره گرفتن هر ناخن از دست یا پا یک مد طعام است. ولی اگر تمام ناخن‌های دست‌ها و پاها را بگیرد، چنانچه در مجلس واحد باشد كفاره آن یک گوسفند است. اگر در مجلس متعدد باشد باید دو گوسفند كفاره بدهد. یکی برای گرفتن ناخن‌های دست و دیگری برای ناخن‌های پا.

۲۲۷ - اگر محرم ناخن‌های یک دست و ناخن‌های یک پا

را به طور کامل یا ناخن‌های هر دو دست و هر دو پا را به طور ناقص بگیرد، برای هر کدام باید یک مد طعام کفاره بدهد و یک فقیر را سیر کند.

۲۲۸ - اگر کسی بیش از ده ناخن داشته باشد چنانچه تمام ناخن‌های اصلی و زائد را بگیرد باید یک گوسفند قربانی کند و برای هر ناخن زائد نیز یک وعده غذا به عنوان کفاره به فقیر بدهد.

۲۲۹ - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن‌ها را بگیرد، باید یک گوسفند ذبح کند.

۲۳۰ - اگر گرفتن ناخن از باب ضرورت باشد، تصدق به یک مشت خرما برای هر ناخن کافی است.

### ۱۶) دندان کشیدن

۲۳۱ - کندن دندان چنانچه خون بیاید، حرام است، ولی کفاره ندارد. در صورت ضرورت و بدون خونریزی منعی ندارد.

۲۳۲ - کشیدن دندان دیگری اشکال ندارد، هرچند خون بیاید.

### ۱۷) گیاه حرم

۲۳۳ - کندن یا بریدن و شکستن درخت یا گیاه حرم بر شخص محرم و محل حرام است.

۲۳۴ - اگر گیاهی یا درختی در منزل و محل سکونت محرم روئیده شده باشد یا خود او آن را کاشته باشد هر چند در ملک یا منزل او نباشد کندن آن جایز است.

۲۳۵ - کفاره کندن درخت حرم اگر بزرگ باشد یک گاو، و اگر کوچک باشد یک گوسفند است. اگر قسمتی از درخت را قطع کند قیمت آن را کفاره بدهد.

۲۳۶ - قطع گیاهان کفاره‌ای جز استغفار ندارد.

### ۱۸) حمل سلاح

۲۳۷ - حمل سلاح گرم و سرد در حال احرام حرام است مگر ضروری باشد. کفاره آن یک گوسفند است. ولی همراه داشتن ابزار دفاعی مانند زره و سپر و کلاه خود اشکال ندارد.

## محرمات ویژه بانوان

### ۱۹) پوشاندن صورت

۲۳۸ - پوشاندن صورت با هر چیز متعارف ولو به طور جزئی برای زن جایز نیست.

۲۳۹ - گذاشتن دست روی صورت، گذاشتن صورت روی بالش برای خوابیدن و خشک کردن تدریجی صورت با حوله اشکال ندارد.

۲۴۰ - پائین انداختن چادر یا آنچه بر سر دارد به طوری که صورت را بپوشاند برای رعایت حجاب در مقابل نامحرم جایز است. ولی احتیاط آن است که آن را طوری نگه دارد که به صورت نچسبد.

۲۴۱ - پوشاندن صورت به هر نحو باشد کفاره ندارد.

### ۲۰ پوشیدن زیور

۲۴۲ - استعمال زیورآلات غیر متعارف و مخصوص مجالس خاص برای زن حرام است. آنچه برای زنان متعارف است اشکال ندارد. ولی بهتر است آن‌ها را بپوشاند و به مرد حتی به شوهر خود نشان ندهد.

۲۴۳ - پوشیدن زیور حرام است، ولی کفاره ندارد.

## محرمات ویژه مردان

### ۲۱ استظلال

۲۴۴ - سایه قرار دادن بالای سر برای مردان در حال سیر پیاده و سواره جایز نیست. ولی در منزل مانند مکه و منی و برای زنان و کودکان اشکال ندارد. همچنین تظلیل افراد پیر و ناتوان و بیمار جایز است.



۲۴۵ - زیر سایه ثابت قرار گرفتن مانند ساختمان، خیمه، پل، تونل و دیوار اشکال ندارد. ولی زیر سایه متحرک رفتن مانند ماشین و هواپیما و کشتی و هودج جایز نیست. چتر و مانند آن را بالای سر گرفتن برای پیاده ولو در حال حرکت در منزل بلامانع است.

۲۴۶ - سوار شدن به ماشین مسقف برای کسی که در مسجد الحرام برای حج محرم شده و می‌خواهد مستقیم به عرفات برود تا از مکه خارج نشده اشکال ندارد.

۲۴۷ - اگر کسی نذر کند از وطن خود محرم شود، اگر بداند ناگزیر باید با هواپیما یا ماشین مسقف به مکه برود، نذر او صحیح نیست.

۲۴۸ - استظلال در شب نیست. بنابراین نشستن در وسیله نقلیه مسقف در حال سیر در شب جایز است.

۲۴۹ - استظلال در وقت طی منزل به خاطر گرما یا سرما یا باران شدید جایز است، لکن باید كفاره بدهد.

۲۵۰ - كفاره استظلال در احرام عمره یا حج، در حال اختیار یا اضطرار، یک گوسفند است. هرچند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد.

## (۲) پوشیدن لباس دوخته

۲۵۱ - پوشیدن هر نوع لباس دوخته، بافتنی و نمدی، آستین‌دار یا دکمه‌دار بر مرد محرم حرام است.

۲۵۲ - استفاده از همیان، کمربند، فتق بند، کفش و دمپایی، بندساعت، کیف موبایل و پتوی دوخته اشکال ندارد. همچنین به دوش انداختن یا به گردن آویختن کیف و ساک دوخته مانعی ندارد.

۲۵۳ - وصل کردن دو طرف لباس احرام به وسیله گره زدن یا سوزن یا کش یا بست اشکال ندارد. ولی بنابر احتیاط واجب لنگ را به گردن گره نزنند.

۲۵۴ - پوشیدن لباس دوخته هر چند از روی اضطرار باشد، کفاره دارد و کفاره آن یک گوسفند است.

۲۵۵ - اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد یک کفاره کافی است، اگرچه در چند نوبت بپوشد. ولی اگر لباس دوخته را از تن بیرون آورد و دوباره بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

## (۲۳) پوشاندن سر

۲۵۶ - پوشاندن سر و لو جزیبی برای مرد محرم به هر

وسیله، همچنین حمل بار بر روی سر جایز نیست. بنابراین احتیاط دست روی سر نگذارد.

۲۵۷- فرو بردن تمام سر زیر آب یا مایع دیگر جایز نیست. ولی قسمتی از سر اشکال ندارد.

۲۵۸- پوشاندن گوش‌ها نیز جایز نیست. ولی پوشاندن صورت، گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن، دستمال بستن به سر به خاطر سردرد داشتن، خوابیدن داخل پشه بند، زیر دوش رفتن حمام و خشک کردن تدریجی سر با حوله یا دستمال اشکال ندارد.

۲۵۹- اگر کسی از روی فراموشی یا ناخودآگاه سر خود را بپوشاند، باید فوراً سر را باز کند و احتیاطاً تلبیه بگوید.

۲۶۰- اگر محرم از روی علم و عمد سر را بپوشاند کفاره آن یک گوسفند است. ولی در صورت جهل و سهو کفاره ندارد.

۲۶۱- پوشاندن مکرر سر بنابر احتیاط مستحب موجب تعدد کفاره است. در صورتی که پس از ادای کفاره دوباره سر را بپوشاند، احتیاط واجب تکرار کفاره است.

۲۶۲- پوشاندن سر با چیز دوخته چنانچه صدق لبس بکند مانند کلاه، موجب دو کفاره می‌شود. ولی اگر دستمال به سر ببندد یک کفاره کافی است.

## ۲۴) پوشاندن روی پا

۲۶۳ - پوشیدن کفش و جوراب و هر چیزی که تمام روی پا را بپوشاند برای مرد جایز نیست.

۲۶۴ - اگر مرد ناچار شود چیزی که روی پا را می‌گیرد، بپوشد، اولی آن است که روی آن را شکاف دهد.

۲۶۵ - اگر محرم چیزی بپوشد که روی پا را می‌گیرد، بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد.

\* \* \*

## ۲) طواف

۲۶۶ - دومین عمل واجب عمره تمتع پس از احرام، طواف کعبه است و باید هفت مرتبه دور خانه خدا بچرخد. هر دور را شوط می‌گویند.

۲۶۷ - طواف از ارکان عمره است. اگر عمدی ترک شود تا وقت آن بگذرد، عمره او باطل است، هر چند جاهل به مسأله باشد. او باید حج افراد به‌جا آورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و حج تمتع خود را در سال بعد اعاده کند.

۲۶۸ - وقت فوت طواف زمانی است که اگر بخواهد اعمال عمره را به‌جا آورد نتواند وقوف اختیاری عرفات را درک نماید.

۲۶۹ - اگر طواف سهواً ترک شود باید هر وقت متوجه شد به‌جا آورد. اگر پس از مراجعت به وطن به یاد آورد، چنانچه نتواند به مکه برگردد یا برگشتن مشقت داشته باشد، باید به

شخص مورد اطمینان نیابت بدهد تا از طرف او طواف کند.  
 ۲۷۰ - اگر کسی سعی را جهلاً یا سهواً پیش از طواف به جا آورد، احتیاط واجب آن است که پس از طواف و نماز سعی را اعاده کند، مگر پس از وقوف به عرفات متوجه شود که در این صورت اعاده طواف و نماز آن کافی است.

۲۷۱ - اگر محرم به واسطه بیماری و پیری نتواند خودش طواف کند تا وقت تنگ شود، در صورت امکان باید خود او را با ویلچر طواف دهند، و در صورت عدم امکان برایش نائب بگیرند.

۲۷۲ - انجام ۵۲ طواف در مدت اقامت در مکه مستحب است. بلکه انجام ده طواف در هر شبانه‌روز استحباب دارد. دو طواف پس از نماز صبح، دو طواف بعد از ظهر، سه طواف پس از نماز مغرب، سه طواف در آخر شب.

۲۷۳ - طواف مستحبی در حال احرام عمره و حج و پس از مراجعت از منی و پیش از انجام اعمال واجب مکه بنا بر احتیاط ترک شود.

### شرایط طواف

۲۷۴ - طواف پنج شرط دارد: نیت، طهارت از حدث، طهارت از خبث، ختان، ستر عورت.

## (۱) نیت

۲۷۵ - طواف مانند هر عبادتی باید با قصد قربت و اطاعت امر الهی انجام شود. ریا درحین عمل ولو در یکی از اشواط بلکه جزء آن موجب بطلان طواف است، ولی پس از اتمام طواف مبطل نیست.

۲۷۶ - به زبان آوردن نیت یا خطور دادن به قلب لازم نیست. بلکه همین اندازه که قصد انجام طواف داشته باشد کافی است.

۲۷۷ - نوع طواف برای انسان باید معین باشد و بداند طواف عمره یا حج، مفرده یا تمتع، واجب یا مستحب است.

۲۷۸ - قصد طواف هر چند به طور ارتکازی باید تا آخر عمل باقی باشد. اگر بین طواف به کلی غافل شود یا اگر او را طواف می دهند، خواب برود، طواف صحیح نیست.

## (۲) طهارت از حدث

۲۷۹ - طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض، و از حدث اصغر در طواف واجب شرط است و طواف بدون طهارت باطل است. اگرچه از روی جهل یا فراموشی باشد.

۲۸۰ - انجام طواف پس از اعمال واجب، مستحب است. طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست.

۲۸۱ - ورود جنب و حائض به مسجدالحرام جایز نیست. ولی اگر جهلاً یا غفلتاً یا نسیاناً وارد شد و طواف مستحبی به جا آورد صحیح است.

۲۸۲ - اگر خانمی در غیر ایام عادت لک ببیند و به اعتقاد پاکی طواف و نماز را انجام دهد، بعد خون با شرایط حیض ببیند، چنانچه بداند بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده، از همان ابتدا حیض بوده است و طواف و نمازش را باید اعاده کند. در صورت شک، حیض نبوده است و چنانچه به وظیفه مستحاضه عمل کرده باشد اعمالش صحیح است.

۲۸۳ - اگر در بین طواف حدث اصغر یا اکبر عارض شود، چنانچه پیش از  $\frac{۳}{۵}$  شوط باشد طواف باطل است. اگر پس از آن و پیش از اتمام دور چهارم باشد، بنابر احتیاط واجب پس از تحصیل طهارت طواف را اتمام و اعاده کند. اگر پس از اتمام شوط چهارم باشد، باید طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت از همان جا ادامه دهد تا هفت شوط کامل شود.

۲۸۴ - اگر زنی در اثناء طواف عمره تمتع حائض شود و تا روز عرفه پاک نشود، چنانچه پیش از  $\frac{۳}{۵}$  شوط باشد، طوافش باطل است و باید به حج افراد عدول کند.

۲۸۵ - اگر عروض حیض پس از اتمام شوط چهارم باشد،



طوافش صحیح است باید سعی و تقصیر کند و برای حج تمتع محرم شود و پس از اعمال منی چند شوط باقیمانده از طواف عمره تمتع و نماز آن را به جا آورد. سپس طواف و نماز و سعی حج را انجام دهد.

۲۸۶ - اگر پس از ۳/۵ شوط و پیش از اتمام شوط چهارم حیض شود، بین عدول به افراد و اتمام عمره به نحو مذکور منخیر است.

۲۸۷ - اگر به گمان پاک شدن غسل کند و طواف و نماز به جا آورد و در اثنای سعی متوجه شود، هنوز پاک نشده است، باید سعی را رها کند و پس از پاک شدن طواف و نماز و سعی را اعاده کند. چنانچه پس از اتمام سعی متوجه شود، اعاده طواف و نماز کافی است و اعاده سعی لازم نیست.

۲۸۸ - مستحاضه قلیله و متوسطه باید برای طواف و نماز آن به طور جداگانه وضو بگیرد و محل را تطهیر و نوار بهداشتی را تعویض نماید.

۲۸۹ - مستحاضه کثیره چنانچه غسل موظف را انجام داده باشد و بخواهد طواف کند، اگر در این فاصله خون نبیند، غسل برای طواف لازم نیست. ولی اگر خون ببیند یک غسل برای طواف و نماز کافی است.

۲۹۰ - کسی که از وضو یا غسل معذور است باید تیمم کند. اگر پس از تیمم بدل از غسل حدث اصغر عارض شود، وضو یا تیمم بدل از آن کافی است.

۲۹۱ - فاقد طهورین باید برای طواف و نماز نایب بگیرد. در مورد غیر جنب و حائض خودش نیز به جا آورد.

۲۹۲ - اگر در عروض حدث شک کند، چنانچه قبلاً طهارت داشته بنابر طهارت بگذارد و وضو یا غسل لازم نیست. ولی اگر قبلاً محدث بوده، تحصیل طهارت (وضو یا غسل) لازم است.

۲۹۳ - اگر پس از اتمام طواف شک کند که آیا در حین طواف طهارت داشته یا نه، طواف او صحیح است. ولی تحصیل طهارت برای نماز طواف لازم است.

۲۹۴ - اگر در اثنای طواف شک کند وضو داشته یا نه، باید طوافش را قطع کند و وضو بگیرد. چنانچه پس از انجام شوط چهارم باشد اتمام کند و اگر پیش از آن باشد اعاده نماید.

۲۹۵ - اگر کسی پس از تقصیر عمره تمتع متوجه شود بدون وضو طواف کرده و نماز خوانده، باید طواف و نماز آن و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده نماید.

۲۹۶ - اگر کسی در اثناء طواف در انجام غسل جنابت یا حیض شک کند، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، و پس

از غسل برگردد و طواف را اعاده کند. در این حکم فرقی بین عروض شک قبل و بعد از شوط چهارم نیست.

۲۹۷ - کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خوداری کند، چنانچه در وقت خاص قابل کنترل باشد یا قطع شودف باید طوافش را در آن وقت خاص به جا آورد. ولی اگر همه زمان‌ها برایش یکسان است باید پس از تطهیر بدن، وضو بگیرد و طواف کند. بنابر احتیاط برای نماز نیز مجدداً تطهیر کند و وضو بگیرد. و احوط آن است که در بین طواف نیز در صورتی که برایش مشقت ندارد. پس از اتمام شوط چهارم تجدید وضو کند و سه شوط دیگر را انجام دهد. چنانچه مشقت دارد یا فاصله زیاد می‌شود به یک وضو برای طواف و نماز اکتفا نماید.

### ۳) طهارت بدن و لباس

۲۹۸ - بدن و لباس در حال طواف باید از هر نجاستی پاک باشد.

۲۹۹ - از خون معفو در نماز بنابر احتیاط واجب در طواف باید اجتناب نمود. ولی محمول متنجس هر چند به صورت لباس باشد، چنانچه به اندازه ساتر عورت نباشد مانند عرق‌چین و جوراب اشکال ندارد.

۳۰۰ - خون زخم و جراحت را در صورت امکان بنابر احتیاط واجب باید تطهیر نمود و اگر لباس نجس شده عوض کرد. ولی اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد، لازم نیست.

۳۰۱ - اگر تطهیر بدن و لباس از خون قرح و جرح با تأخیر طواف میسور باشد بنابر احتیاط طواف را تأخیر بیندازد.

۳۰۲ - اگر پس از تمام شدن طواف علم به نجاست در حال طواف پیدا کند، طوافش صحیح است.

۳۰۳ - طواف در صورتی که شک دارد لباس یا بدنش نجس است، صحیح است. اگر بداند پیشتر نجس شده و نداند تطهیر شده، باید برای طواف تطهیر کند.

۳۰۴ - اگر در اثناء طواف بدن یا لباس نجس شود، باید طواف را قطع کند و پس از تطهیر، طواف را از همان جا ادامه بدهد و تمام کند.

۳۰۵ - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در حین طواف نجس شده، باید مانند مسأله قبل عمل کند.

۳۰۶ - اگر کسی در بین طواف علم پیدا کند بدن یا لباس او پیش از طواف نجس بوده، طواف را رها کند و پس از تطهیر از همان جا بقیه طواف را ادامه دهد. اگر تطهیر زیاد طول بکشد و حصول علم پیش از شوط چهارم باشد، یک طواف کامل به جا آورد.

۳۰۷ - اگر نجاست را فراموش کند و پس از طواف متذکر شود طوافش صحیح است. اگر در بین طواف یادش بیاید پس از تطهیر از همان جا طوافش را ادامه دهد و تمام کند و نماز بخواند.

۳۰۸ - فرد وسواسی و کثیرالشک نباید به ظن و تردید خود ترتیب اثر بدهد. بلکه باید به نحو متعارف عمل نماید و بنابر صحت و طهارت بگذارد.

۳۰۹ - مسلوس و مبطون که نمی‌تواند از خروج ادرار و مدفوع خود جلوگیری کند، و نجاست به بدن و لباس او سرایت می‌کند، چنانچه حضور او در مسجدالحرام موجب تنجیس و تلویث مسجد باشد نباید وارد مسجد بشود و برای طواف و نماز آن باید نایب بگیرد.

#### (۴) ختنه

۳۱۰ - یکی از شرایط صحت طواف مختون بودن مرد و بچه ممیز است. بنابر احتیاط واجب در مورد غیرممیز نیز مراعات شود.

۳۱۱ - اگر کودک غیر مختون محرم شود یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است، ولی طواف او صحیح نیست، اگر طواف را خودش پس از ختنه شدن یا از طریق نیابت تدارک

نکنند، حکم کسی را دارد که عمداً طواف را ترک کرده است.  
 ۳۱۲ - در فرض مذکور طواف نساء او باطل است و زن بر او حلال نمی‌شود. مگر آن‌که او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن‌که نایب بگیرند. ضمن این‌که خودش نیز باید با همان حال طواف کند.

۳۱۳ - اگر فرد بالغ غیر مختون مستطیع شود، در صورت امکان باید به حج برود و پیش از احرام ختنه کند. اگر نتواند همان سال ختنه کند، تأخیر حج به سال بعد جایز است. و اگر ختنه برایش ضرر دارد یا حرجی باشد، باید به مکه برود و خودش طواف به‌جا آورد و احتیاطاً برای طواف نایب بگیرد.  
 ۳۱۴ - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

## (۵) ستر عورت

۳۱۵ - طواف بدون ساتر عورت، همچنین با لباس غصبی اعم از ساتر و غیر ساتر باطل است.  
 ۳۱۶ - زن باید تمام بدن خود به غیر از صورت و کف دست حتی روی پا را بپوشاند. چنانچه موی سر یا جایی از بدن او به طور عمدی یا به حسب عادت ظاهر باشد، طواف باطل است مگر جاهل قاصر باشد.

## واجبات طواف

۳۱۷ - رعایت هفت چیز در تحقق طواف به لحاظ نقطه شروع و پایان، جهت حرکت، محدوده مطاف، تعداد اشواط و موالات لازم است.

### (۱) شروع و ختم

۳۱۸ - طواف باید از حجرالاسود شروع و به آن ختم شود. اگر بنا بگذارد طواف خود را از محاذی حجرالاسود شروع و به همان جا ختم کند کافی است.

۳۱۹ - لازم نیست تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجرالاسود عبور کند. ملاک آن است که در نظر عرف طواف از حجرالاسود شروع و به آن ختم شود و طواف باید به نحو معمول همه مسلمانان بدون توجه به وسوسه افراد وسواسی انجام شود.

۳۲۰ - اگر طواف را از هر نقطه دیگری مانند رکن یمانی

یا حجر اسماعیل شروع کند، باطل است. ولی اگر قصدش آن بوده که از حجرالاسود شروع کند و در تشخیص اشتباه کرده باشد با تدارک نقصان صحیح است.

## (۲) جهت حرکت

۳۲۱ - طواف باید به نحو متعارف انجام شود به طوری که در تمام حالات طواف، کعبه در سمت چپ قرار بگیرد. ولی اگر هنگام عبور از کنار دیوار حجر اسماعیل و زوایای کعبه اندکی متمایل شود، اشکال ندارد.

۳۲۲ - نگاه کردن به چپ و راست، بلکه برگرداندن سر به راست و چپ در حال طواف اشکال ندارد.

۳۲۳ - اگر به واسطه ازدحام جمعیت مقداری از طواف خلاف متعارف انجام شود مثل آن که رو به کعبه یا پشت به کعبه یا عقب عقب حرکت کند باید آن مقدار را جبران کند.

۳۲۴ - اگر فشار جمعیت انسان را بی اختیار جلو ببرد کفایت نمی‌کند و باید آن مقدار را تدارک نماید یا آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه طرف چپ او واقع شده باشد.

۳۲۵ - رعایت اعتدال در حرکت برای طواف مطلوب است. هر چند آهسته یا تند رفتن یا دویدن یا سواره بودن جایز است.



### ۳) بیرون بودن از حجر اسماعیل

۳۲۶ - طواف از داخل حجر اسماعیل باطل است و حجر اسماعیل باید داخل در طواف قرار بگیرد. اگر کسی عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد.

۳۲۷ - اگر در بعضی از اشواط از داخل حجر اسماعیل عبور کند، باید آن دور را اعاده کند. بالا رفتن بر دیوار حجر در حکم داخل شدن در حجر است.

۳۲۸ - اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید چند شوط از طواف عمره یا حج را از داخل حجر اسماعیل رفته است، حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند.

### ۴) رعایت فاصله تا مقام

۳۲۹ - طواف در صورت امکان بنا بر احتیاط باید بین کعبه و مقام ابراهیم واقع شود که حدود سیزده متر است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد.

۳۳۰ - طواف از پشت مقام ابراهیم و دورتر از این فاصله در صورت ازدحام و مشقت صحیح و مجزی است. بلکه صحت طواف پشت مقام تا هر جا مردم به طور فشرده مشغول طواف هستند بعید نیست.

۳۳۱- اگر کسی بخواهد احتیاط را رعایت کند بنا بر احتیاط باید در طرف حجر اسماعیل در فاصله ۳ متری دیوار حجر طواف کند، هر چند اگر در بیشتر از آن طواف کند صحیح است.

۳۳۲- طواف از طبقه فوقانی برای کسی که امکان طواف از طبقه همکف را ندارد صحیح است و نایب گرفتن لازم نیست.

## ۵) خروج از خانه

۳۳۳- شاذروان اطراف دیوار کعبه باید داخل طواف قرار بگیرد.

۳۳۴- اگر کسی به سبب فشار جمعیت بالای شاذروان برود و دور بزند، باید آن مقدار را اعاده کند.

۳۳۵- دست بر دیوار حجر اسماعیل یا دیوار کعبه گذاشتن حتی در طرف شاذروان در حال طواف، همچنین بوسیدن کعبه در حال توقف اشکال ندارد.

## ۶) تعداد اشواط

۳۳۶- در طواف باید هفت دور کامل بدون کم و زیاد گرد کعبه بچرخد.

۳۳۷ - اگر طواف کننده قصد کمتر یا بیشتر داشته باشد طوافش باطل است، اگرچه به هفت دور تمام کند. ولی در صورت جهل و سهو صحیح است.

۳۳۸ - اگر در اثناء طواف تصمیم بگیرد کمتر یا بیشتر به جا آورد، طواف باطل است و باید اعاده کند.

۳۳۹ - اگر کسی قصد کند هشت دور بزند، هفت دور آن واجب و یک دور هم به عنوان استحباب یا تبرک باشد، طواف او صحیح است.

۳۴۰ - اگر کسی عمداً یک دور یا کمتر یا بیشتر از طواف واجب کم کند، واجب است آن را تمام کند. چنانچه موالات به هم نخورد، طواف صحیح است. اگر تمام نکند حکم ترک عمدی را دارد. و چنانچه موالات به هم بخورد، حکم قطع طواف را دارد.

۳۴۱ - اگر سهواً از طواف کم کند چند صورت دارد:  
الف. از نصف گذشته و فعل کثیر انجام نداده است، باید طواف را ادامه و تمام کند.

ب. از نصف گذشته و فعل کثیر انجام داده، بنابر احتیاط واجب اتمام و اعاده نماید. هر چند انجام یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام کافی است.

ج. اگر به نصف نرسیده باشد طواف را اعاده نماید.  
 ۳۴۲ - اگر پس از مراجعت به وطن متوجه شود طواف را ناقص انجام داده است باید برای طواف نائِب بگیرد و نماز را خودش بخواند.

۳۴۳ - قران در طواف واجب جایز نیست. بنابراین اگر دو طواف پشت سر هم بدون فاصله به نماز انجام شود باطل است.

۳۴۴ - اگر کسی قصد کند یک شوط یا کمتر یا بیشتر زائد بر طواف به جا آورد و بخواهد آن را جزء طواف دیگر قرار دهد، سپس طواف دوم را انجام دهد حکم قران دارد و حرام است.

۳۴۵ - اگر کسی از ابتدا یا در اثناء طواف قصد قران کرده باشد، بنابر احتیاط واجب باید طواف اول را اعاده کند. اگر بعد از تمام شدن طواف، قصد کند و انجام دهد طواف اول صحیح است. هر چند احوط اعاده بعد از نماز است.

۳۴۶ - اگر سهواً در طواف زیاد کند، پس اگر تعداد زائد کمتر از یک شوط باشد آن را رها کند و طوافش صحیح است. اگر یک شوط یا بیشتر باشد، آن را به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب ادامه بدهد تا طواف دوم کامل شود. سپس

دو رکعت نماز قبل از سعی، پشت مقام برای طواف فریضه به جا آورد و احتیاطاً دو رکعت دیگر بعد از سعی برای طواف مستحب بخواند.

## ۷) موالات

۳۴۷ - اگر موالات در اشواط طواف به هم بخورد، طواف باطل است.

۳۴۸ - مراعات موالات عرفی در طواف بنابر احتیاط واجب لازم است. یعنی بین اشواط آن قدر فاصله نیندازد که از صورت طواف واحد خارج شود.

۳۴۹ - قطع طواف مستحب بدون عذر جایز و قطع طواف واجب بدون عذر مکروه است. چنانچه قطع موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود، بنابر احتیاط قطع نکند.

۳۵۰ - قطع با قصد محقق نمی شود. بلکه باید موالات را بر هم بزند و مدتی طولانی از مطاف خارج شود.

۳۵۱ - اگر بدون عذر طواف را قطع کند سه صورت دارد: الف. چنانچه قبل از نصف باشد طواف را اعاده نماید.

ب. اگر بعد از چهار شوط باشد و موالات به هم نخورد، طوافش را تمام کند و صحیح است.

ج. اگر بعد از نصف و قبل از تکمیل شوط چهارم باشد و موالات به هم نخورد، احتیاط اتمام و اعاده است.

۳۵۲ - اگر کسی می‌تواند چند شوط از طواف را خودش انجام بدهد، باید به مقدار ممکن خودش طواف کند و در بقیه اشواط او را طواف بدهند. اگر ممکن نیست به کسی نیابت بدهند تا یک طواف کامل برایش انجام دهد. نیابت در بعضی اشواط صحیح نیست.

۳۵۳ - اگر در بین طواف عذری مانند مرض یا حیض یا حدث بی‌اختیار پیدا شود، چنانچه بعد از اتمام شوط چهارم باشد پس از رفع عذر از همانجا ادامه دهد و تمام کند. اگر پیش از نصف باشد، باید طواف را اعاده کند. اگر بعد از نصف و قبل از اتمام شوط چهارم باشد، احتیاط اتمام و اعاده است.

۳۵۴ - اگر شخصی به خاطر بیماری طواف را قطع کند، بعد هم نتواند آن را به‌جا آورد تا وقت تنگ شود، در صورت امکان باید او را طواف دهند، اگر ممکن نیست نایب بگیرند.

۳۵۵ - اگر در بین طواف نماز جماعت اقامه شود یا متوجه ضیق وقت نماز واجب بشود باید طواف را رها کند و نماز بخواند. سپس بلافاصله طواف را از همان‌جا که رها کرده، ادامه دهد و تمام کند.

۳۵۶ - قطع طواف برای استراحت و رفع خستگی جایز است منوط به این که موالات به هم نخورد. و الا باید طوافش را اعاده کند.

### شک در اشواط

۳۵۷ - اگر پس از تمام شدن طواف و انصراف از آن، در کم و زیاد شدن اشواط شک کند، اعتنا نکند. هر چند در مورد اول احتیاط مستحب آن است که مقدار نقیصه را جبران نماید. مگر وارد نماز طواف شده باشد که قابل اعتنا نیست.

۳۵۸ - اگر کسی پس از اتمام طواف و احراز هفت شوط کامل در صحت آن شک کند که مثلاً وضو داشته یا نه، از حجر گذشته یا نه؟ اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

۳۵۹ - اگر کسی در مقابل حجرالاسود بین هفت شوط و بیشتر شک کند، نباید اعتنا کند و طوافش صحیح است. ولی اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود چنین شکی پیش آید طوافش باطل است.

۳۶۰ - اگر در آخر دور یا اثناء آن بین هفت و شش یا کمتر شک کند، طواف باطل است.

۳۶۱ - اگر در طواف مستحب در تعداد اشواط شک کند،

بنابر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

۳۶۲ - در تعداد اشواط طواف علم معتبر است، ظن کافی نیست و حکم شک را دارد.

۳۶۳ - اگر در حال سعی یادش آمد طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و پس از تکمیل طواف بقیه سعی را به جا آورد و طواف و سعی صحیح است. هر چند احتیاط آن است که در کمتر از چهار شوط طواف را اتمام و اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، اتمام و اعاده کند.

۳۶۴ - اگر شخصی سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو یا با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد طوافش باطل است.

۳۶۵ - کسی که مریض یا طفلی را طواف می دهد، می تواند برای خودش نیز قصد طواف کند و طواف هر دو صحیح است.

۳۶۶ - اگر طواف کننده در تعداد اشواط انجام گرفته تردید دارد، چنانچه از گفته همراهان اطمینان پیدا کند که شوط چندم است، می تواند طبق گفته همراه خود عمل نماید.

۳۶۷ - کثیرالشک به شک خود نباید اعتنا کند، بلکه باید بنا



را بر طرف صحیح بگذارد. بهتر است تعداد اشواط را توسط همراه خود یا هر وسیله ممکن حفظ نماید.

۳۶۸ - در حال طواف حرف زدن، خنده کردن و شعر خواندن کراهت دارد. مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

۳۶۹ - همراه داشتن پول غیر مخمس یا اشیاء متعلق خمس در حال طواف موجب بطلان طواف نیست.

\* \* \*

## نماز طواف

۳۷۰ - سومین عمل واجب در عمره تمتع نماز طواف است و باید دو رکعت نماز مانند نماز صبح به قصد نماز طواف پس از طواف پشت مقام ابراهیم به جا آورد.

۳۷۱ - خواندن سوره توحید در رکعت اول و سوره کافرون در رکعت دوم نماز طواف مستحب است.

۳۷۲ - انسان مخیر است نماز طواف را بلند یا آهسته بخواند.

۳۷۳ - شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان است. در مورد ظن در رکعات و افعال احتیاط کند.

۳۷۴ - اگر نتواند نماز طواف را پشت مقام به جا آورد، جایز است عقب‌تر با رعایت الاقرب فالاقرب بایستد. به طوری که برای طواف کنندگان مزاحمتی نباشد. در صورت ممانعت یا مشقت در هر قسمت صحن مسجدالحرام حد فاصل رکن حجرالاسود و رکن اول حجر اسماعیل بخواند کافی است.

۳۷۵ - بعد از طواف باید مبادرت به نماز کند و بیش از حد متعارف به حسب حال افراد فاصله نیندازد.

۳۷۶ - اگر کسی به گمان این که حجر اسماعیل، مقام ابراهیم است، نماز طوافش را داخل حجر بخواند، باطل است و باید اعاده کند، هرچند بعد از تقصیر متوجه شود.

۳۷۷ - نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام جایز است به جا آورد. بلکه ترک آن نیز منعی ندارد.

۳۷۸ - کسی که به خاطر جهل به وجوب، نماز طواف را ترک کند، هرگاه علم به حکم پیدا کند، باید نمازش را به جا آورد.

۳۷۹ - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد.

۳۸۰ - اگر در حین سعی یادش بیاید، باید سعی را رها کند و برگردد نماز طواف را در مقام بخواند، سپس سعی را ادامه دهد.

۳۸۱ - اگر پس از تمام شدن سعی یا تقصیر متوجه شود،

اتیان نماز طواف کافی است و اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.  
 ۳۸۲- اگر پس از مراجعت به وطن یا در بین راه یادش آمد،  
 در صورتی که برگشت به مکه برایش ممکن نباشد همانجا  
 نماز طواف فراموش شده را به جا آورد.

۳۸۲- اگر کسی نماز طواف را به جا نیاورد و از دنیا برود،  
 بر پسر بزرگ واجب است آن را قضا کند.

۳۸۴- یاد گرفتن افعال نماز و تصحیح قرائت و اذکار  
 آن بر هر مکلفی واجب است. بنابراین کسی که می تواند یاد  
 بگیرد چنانچه کوتاهی کند و نمازش صحیح نباشد، به منزله  
 ترک عمدی نماز طواف است و موجب بطلان حج و عمره او  
 خواهد بود و زن و مرد بر هم حلال نمی شوند.

۳۸۵- اگر شخصی نمی تواند قرائت یا ذکر واجب را یاد  
 بگیرد باید خودش به هر ترتیبی می تواند نمازش را به جا آورد.  
 نیابت دادن لازم و کافی نیست.

۳۸۶- نماز طواف را در همه اوقات می توان خواند مگر  
 آن که وقت نماز یومیه تنگ باشد که در این صورت باید نماز  
 یومیه را مقدم داشت.

۳۸۷- صحت نماز طواف به صورت جماعت، حتی اقتدای  
 به نماز یومیه مورد اشکال است.

## سعی

- ۳۸۸ - چهارمین عمل واجب تردد بین صفا و مروه است که به آن سعی می‌گویند.
- ۳۸۹ - واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند، که به هر مرتبه شوط گویند. حرکت از صفا به مروه یک شوط، و برگشت از مروه به صفا شوط دیگر حساب می‌شود.
- ۳۹۰ - سعی باید از صفا شروع و شوط هفتم به مروه ختم شود. اگر از مروه شروع کند باطل است و باید اعاده کند.
- ۳۹۱ - سعی عبادت است و باید با نیت خالص و قصد قربت باشد و تعیین شود برای عمره یا حج است.
- ۳۹۲ - سعی به صورت سواره هرچند در حال اختیار جایز است، لکن پیاده رفتن بهتر است.
- ۳۹۳ - طهارت از حدث و خبث در سعی لازم نیست، بنابراین سعی حائض صحیح است.
- ۳۹۴ - سعی را باید بعد از طواف و نماز به‌جا آورد اگر عمداً یا سهواً یا جهلاً پیش از آن‌ها به‌جا آورد. باید آن را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.
- ۳۹۵ - واجب است سعی بین صفا و مروه از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا یا مروه برود سعیش باطل است.

۳۹۶ - سعی از طبقه فوقانی و تحتانی در صورت صدق ما بین صفا و مروه جایز است.

۳۹۷ - واجب است سعی رو به جلو باشد. پس اگر مقداری عقب عقب یا به پهلو برود باید آن را تدارک نماید. لکن نگاه کردن به چپ و راست، بلکه چرخاندن سر برای نگاه به پشت سر اشکال ندارد.

۳۹۸ - استراحت و رفع خستگی، در حین سعی بر صفا یا مروه و یا بین آنها جایز است. موالات فقط در شوط اول معتبر است.

۳۹۹ - موالات بین نماز طواف و سعی معتبر نیست. پس اگر کسی طواف و نماز را روز انجام داده باشد، تأخیر سعی تا شب جایز است هر چند عذری نداشته باشد. اگر چه بهتر است تأخیر نیندازد. همچنین اگر طواف را شب انجام داده باشد. بهتر است سعی را بدون عذر به روز بعد موکول نکند.

۴۰۰ - سعی مانند طواف رکن است و ترک عمدی آن موجب بطلان عمره تمتع می شود و برای خروج از احرام بنابر احتیاط عمره مفرده انجام دهد. هر چند بطلان احرام نیز بعید نیست. قضای آن را باید سال بعد به جا آورد.

۴۰۱ - اگر کسی بیش از هفت شوط سعی کند در صورت

عمد باطل است. ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله صحیح است.

۴۰۲ - اگر کسی به خیال این که رفت و برگشت یک شوط حساب می شود، ۱۴ شوط انجام دهد، سعی او صحیح است.

۴۰۳ - هرگاه کسی یک تا سه شوط از سعی را فراموش کرده باشد، هروقت متوجه شود باید آن را اتمام کند و اگر چهار شوط یا بیشتر را فراموش کرده باشد باید از اول شروع کند.

۴۰۴ - در فرض فوق اگر پس از مراجعت به وطن متذکر شود، در صورت عدم مشقت باید برگردد و اتمام یا اعاده کند و در صورت مشقت نائب بگیرد.

۴۰۵ - اگر در عمره تمتع مقداری از سعی را فراموش کند و به گمان تمام شدن اعمال عمره از احرام خارج شود و رابطه زناشویی برقرار کند، باید برگردد و سعی را تمام کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو برای کفاره ذبح کند، هرچند تقصیر کرده باشد.

۴۰۶ - اگر کسی در حال سعی در تعداد اشواط آن شک کند، سعی او باطل است. مگر به محض عروض شک بایستد و پس از حصول اطمینان به تعداد اشواط سعی را ادامه و تمام

کند. بعید نیست این حکم به عمره تمتع اختصاص داشته باشد.

۴۰۷ - شک در عدد اشواط (زیاده یا نقیصه) پس از تقصیر قابل اعتنا نیست. ولی اگر بعد از فراغ از سعی و قبل از تقصیر شک در زیاده کند، سعی صحیح است. اگر شک در نقیصه باشد بنابر احتیاط مقدار نقص احتمالی را تکمیل نماید. اگرچه انصراف از سعی حاصل و از سعی خارج شده باشد.

۴۰۸ - اگر پس از اتمام سعی یا اتمام شوط، در صحت آن شک کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است. همین‌طور اگر در حین تردد در صحت جزء قبل شک کند ترتیب اثر ندهد.

۴۰۹ - اگر در مروه بین هفت و نه شک کند اعتنا نکند و سعی صحیح است. ولی اگر پیش از رسیدن به مروه شک کند سعی او باطل است و فرقی بین شک در زیاده یا نقیصه نیست.

۴۱۰ - اگر کسی به هر دلیلی سعی خود را قطع کند و دوباره از اول شروع کند، اشکال ندارد.

۴۱۱ - اگر پس از انجام طواف، روز بعد شک کند سعی کرده یا نه، بنابر احتیاط سعی به‌جا آورد، مگر آن‌که شک بعد از تقصیر باشد که در این صورت اعتنا نکند.

### تقصیر

۴۱۲ - پنجمین واجب عمره تمتع تقصیر است. و آن عبارت است از این که قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند یا ناخن دست یا پای خود را بگیرد. تراشیدن سر یا کندن مو کفایت نمی کند.

۴۱۳ - تقصیر محل خاص ندارد و در هر جا می توان پس از سعی تقصیر کرد.

۴۱۴ - اگر کسی در عمره تمتع به جای تقصیر، با علم و عمد، حلق کند، باید یک گوسفند کفاره بدهد. ولی در صورت جهل و نسیان کفاره ندارد.

۴۱۵ - تقصیر عبادت است و باید با نیت خالص و قصد قربت انجام دهد. ریا موجب بطلان تقصیر و بقاء محرمات احرام است و باید تقصیر را با قصد خالص اعاده کند.

۴۱۶ - پس از تقصیر از احرام خارج می شود و تمام محرمات احرام بر او حلال می شود.

۴۱۷ - بنابر احتیاط بین عمره و حج سر نتراشد و در صورت ارتکاب از روی علم و عمد یک گوسفند کفاره بدهد.

۴۱۸ - اگر کسی پیش از تقصیر رابطه زناشویی برقرار کند، باید یک شتر قربانی کند.



۴۱۹ - اگر تقصیر را فراموش کند و پس از احرام حج متوجه شود عمره اش صحیح است، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند فدیة بدهد.

۴۲۰ - اگر عمداً یا جهلاً تقصیر را ترک کند و بخواهد حج به جا آورد، عمره او باطل می شود و حج او بدل به افراد می شود و پس از حج افراد باید عمره مفرده به جا آورد.

۴۲۱ - پس از تقصیر، اعمال عمره تمتع تمام می شود و طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست.

### تبدل حج تمتع به افراد

۴۲۲ - چند گروه (وظیفه ایشان حج تمتع است) باید از احرام عمره تمتع به حج افراد عدول کنند و پس از انجام حج افراد، عمره مفرده به جا آورند، در این صورت حج آنان صحیح و از حجة الاسلام کفایت می کند.

الف. شخصی که به واسطه عذری دیر به مکه برسد، طوری که اگر بخواهد عمره به جا آورد و قوف به عرفات را درک نمی کند.

ب. زنی که در مکه حیض باشد و تا روز عرفه پاک نشود.

- ج. کسی که عمره خود را باطل کرده است.
- ۴۲۳ - کسی که برای حج استحبایی محرم شده و پس از ورود به مکه وقت کافی برای عمره تمتع نداشته باشد باید به حج افراد عدول کند. عمره مفرده بر او واجب نیست.
- ۴۲۴ - سه گروه باید از ابتدا برای حج افراد محرم شوند و پس از انجام آن، عمره مفرده به جا آورند.
- الف. کسی که هنگام احرام می داند اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد به وقوف عرفات نمی رسد.
- ب. کسی که بدون احرام وارد مکه شود و وقت کافی برای خروج به میقات و محرم شدن و انجام عمره تمتع ندارد.
- ج. زنی که هنگام احرام حائض باشد و بداند تا آخر وقت پاک نمی شود و متمکن از طواف عمره تا روز عرفه نخواهد بود.



## اعمال حج تمتع

۴۲۵ - حج تمتع دارای ده عمل است:

- ۱- احرام داخل شهر مکه و در حرم
- ۲- وقوف در عرفات
- ۳- وقوف در مشعر
- ۴- رمی در ایام تشریق
- ۵- قربانی
- ۶- حلق یا تقصیر
- ۷- بیتوته
- ۸- طواف زیارت
- ۹- نماز طواف
- ۱۰- سعی بین صفا و مروه

## احرام

- ۴۲۶ - بر مکلف واجب است پس از تمام شدن اعمال عمره در زمان مناسب برای حج تمتع احرام ببندد.
- ۴۲۷ - اگر به قصد حج تمتع تلبیه بگویند، محرم می‌شود. قصد احرام و ترک محرمات احرام لازم نیست.
- ۴۲۸ - اعمال حج نیز باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریا موجب بطلان عمل است.
- ۴۲۹ - کیفیت احرام حج و محرمات و احکام آن مانند احرام عمره است. ارتکاب عمدی در مواردی موجب کفاره است.
- ۴۳۰ - وقت احرام حج تا زمانی است که بتواند وقوف اختیاری عرفات را درک کند. بیش از آن نباید به تأخیر بیندازد. مستحب است در روز ترویبه برای حج محرم شود.
- ۴۳۱ - کسی که عمره تمتع را در ماه ذیقعده به جا آورده است، چنانچه از مکه بیرون رود و در همان ماه برگردد، اشکال ندارد. ولی اگر بخواهد در ماه ذیحجه برگردد، باید به میقات

برود و برای عمره تمتع محرم شود و پس از انجام عمره در وقت خود برای حج تمتع احرام ببندد.

۴۳۲ - محل احرام حج تمتع، شهر مکه است، مناطق توسعه یافته و محلات تازه‌ساز کافی است. منوط به این‌که خارج از حرم نباشد. ولی مستحب است در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل محرم شود.

۴۳۳ - اگر احرام حج را فراموش کند یا به خاطر ندانستن مسأله ترک کند و در عرفات متوجه شود، باید به مکه برگردد و احرام ببندد. اگر به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر برگشت ممکن نباشد همان جا محرم شود.

۴۳۴ - اگر پس از اتمام اعمال، متوجه شود احرام نبسته است حشش صحیح است. همچنین اگر بعد از وقوف به عرفات و مشعر و قبل از تمام شدن اعمال یادش آمد، وظیفه‌اش احرام در محل تذکر و اتمام حج است.

۴۳۵ - اگر کسی از روی علم و عمد احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفات و مشعر ترک کند، حج او باطل است. هرچند بعید نیست در صورت درک وقوف رکنی عرفات حج صحیح باشد.

## وقوف در عرفات

۴۳۶ - دومین واجب حج تمتع وقوف به عرفات است که حدود آن معین و معلوم است.

۴۳۷ - مستحب است حاجی شب عرفه در منی باشد و به اطاعت الهی مشغول باشد، و نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و پس از نماز صبح به عرفات برود. بهتر است قبل از طلوع آفتاب از وادی مُحَسَّر نگذرد.

۴۳۸ - مراد از وقوف به عرفات، بودن در آن مکان است به هر صورت که باشد سواره یا پیاده، نشسته یا خوابیده، ایستاده یا در حال حرکت.

۴۳۹ - اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد، وقوف او باطل است. ولی در بخشی از مدت واجب اشکال ندارد.

۴۴۰ - مدت وقوف واجب در عرفات برای شخص مختار از ظهر روز نهم تا غروب شرعی است. تأخیر به مقدار غسل و ادای نماز ظهر و عصر اشکال ندارد.

۴۴۱ - تمام مدت وقوف رکن نیست که با ترک آن حج باطل شود، بلکه رکن مسمای وقوف است. پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است. هرچند از روی عمد و علم باشد.

۴۴۲ - اگر از روی علم وقوف رکنی را ترک کند یعنی در

هیچ جزء از بعد از ظهر تا غروب در عرفات نباشد حشش باطل است. وقوف اضطراری (وقوف در شب عید) کفایت نمی‌کند. ولی در صورت جهل و نسیان یا عذر، چنانچه وقوف اضطراری را درک کند حج صحیح است.

۴۴۳ - اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود چنانچه برگردد و تا غروب بماند چیزی بر او نیست. چنانچه برنگردد باید یک شتر به عنوان کفاره در منی بنابر احوط، یا هر جای دیگر قربانی کند. و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز در مکه یا در حین مراجعت یا در وطن روزه بگیرد.

۴۴۴ - اگر کسی جهلاً یا سهواً کوچ کند، هر وقت از روز یادش آمد باید برگردد. اگر برنگشت، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد. اگر در روز یادش نیامد چیزی بر او نیست و اعمالش صحیح است.

۴۴۵ - کسی که وقوف اختیاری عرفات را به خاطر عذری ترک کرده است، چنانچه وقوف اضطراری را بدون عذر ترک کند، حج او باطل می‌شود، هر چند وقوف به مشعر را درک کرده باشد.

۴۴۶ - اگر کسی در ترک وقوف اختیاری و اضطراری عرفات معذور باشد، چنانچه وقوف اختیاری مشعر را درک کند حج او صحیح است.

## وقوف به مشعر الحرام

- ۴۴۷ - سومین عمل واجب حج تمتع و قوف در مزدلفه یا مشعر الحرام است. حدود آن حد فاصل مازمین تا وادی محسّر است.
- ۴۴۸ - وقوف به مشعر الحرام عبادت است و باید با نیت خالص و قصد قربت باشد.
- ۴۴۹ - مقدار وقوف واجب در مشعر برای شخص مختار از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذیحجه است.
- ۴۵۰ - خروج از مشعر کمی قبل از طلوع آفتاب جایز است. ولی نباید از وادی محسّر بگذرد.
- ۴۵۱ - ترک عمدی وقوف به مشعر در تمام مدت حتی وقوف رکنی موجب بطلان حج می شود.
- ۴۵۲ - رفتن به مکه از عرفات در شب عید برای عبادت اشکال ندارد. ولی بنابر احتیاط شب عید را در مشعر بیتوته کند.
- ۴۵۳ - افراد معذور مانند زنان، خردسالان، کهنسالان، بیماران، و همراهان آنان جایز است اندکی از شب را در مشعر



بمانند و به منی بروند. احتیاط واجب آن است که قبل از نصف شب خارج نشوند. بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست.

۴۵۴ - کسی که شب عید در مشعر بوده است، اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفات را درک کرده باشد، حج او صحیح است و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۴۵۵ - اگر کسی وقوف اختیاری و وقوف اضطراری شبانه را درک نکند، چنانچه وقوف اضطراری روزانه را درک نماید، حج او صحیح است.

۴۵۶ - وقوف به مشعر سه حالت دارد:

۱) وقوف اختیاری بین طلوع فجر و طلوع آفتاب  
 ۲) وقوف اضطراری شبانه برای افراد معذور از نیمه شب تا اذان صبح

۳) وقوف اضطراری روزانه از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم.

۴۵۷ - با توجه به وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر و ملاحظه ترک عمدی یا جهلی یا نسیانی، مسأله صور مختلفی دارد که بعضی صور آن صحیح و برخی باطل است.

۴۵۸ - اگر مکلف وقوف اختیاری عرفات و وقوف اختیاری

مشعر هر دو را درک کند، حج او صحیح است.  
**۴۵۹-** اگر هیچ‌یک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری و نه اضطراری، هرچند غیر عمدی و معذور باشد، حج او باطل است.

**۴۶۰-** اگر وقوف اختیاری عرفات و اضطراری شبانه یا روزانه مشعر را درک کند، حج او صحیح است.

**۴۶۱-** اگر وقوف اضطراری عرفات و وقوف اختیاری یا اضطراری مشعر را درک کند، حج او صحیح است.

**۴۶۲-** اگر کسی فقط وقوف اختیاری عرفات یا فقط وقوف اختیاری یا اضطراری شبانه مشعر را درک کند حج او صحیح است. ولی درک اضطراری عرفات یا درک اضطراری روزانه مشعر به تنهایی کافی نیست و حج باطل خواهد بود.

**۴۶۳-** در تمام مواردی که فتوا به صحت حج داده شد، مکلف باید در ترک اختیاری موقف معذور باشد. اگر وقوف اختیاری عرفات یا مشعر را عمداً ترک کند حج باطل می‌شود.

**۴۶۴-** هر جا حج باطل باشد باید برای خروج از احرام عمره مفرده به جا آورده شود و در سال بعد نیز در صورت بقاء شرایط حج به جا آورد.

## اعمال منی

- ۴۶۵ - اعمال منی چهار چیز است: رمی، ذبح، حلق، بیتوته.
- ۴۶۶ - در روز عید جمره عقبه، و در روزهای یازدهم و دوازدهم هر سه جمره باید رمی شود. احکام رمی جمرات سه‌گانه پس از بیان احکام بیتوته خواهد بود.
- ۴۶۷ - سه عمل باید در روز عید قربان در منی انجام شود: رمی جمره عقبه، ذبح و قربانی، حلق یا تقصیر.
- ۴۶۸ - رعایت ترتیب فوق واجب است. اگر کسی جهلاً یا سهواً خلاف ترتیب عمل نمود، اعاده لازم نیست. ولی در صورت علم و عمد باید اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

## رمی جمره عقبه

- ۴۶۹ - نخستین عمل واجب روز عید و چهارمین عمل حج تمتع سنگ انداختن به سوی جمره عقبه است.
- ۴۷۰ - سنگی که به سوی جمره انداخته می‌شود باید واجد شرایط زیر باشد:
- ۱) سنگ باشد. رمی به کلوخ و سفال کافی نیست.
  - ۲) به اندازه سرانگشت باشد. خیلی ریز یا خیلی بزرگ نباشد.
  - ۳) از حرم باشد. از مشعر بهتر است.

۴) مورد استفاده دیگری برای رمی قرار نگرفته باشد.

۵) مباح باشد، غصبی و متعلق به غیر نباشد.

۴۷۱ - وقت رمی از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است.

چنانچه روز عید انجام ندهد تا روز سیزدهم باید به نیت قضا رمی کند.

۴۷۲ - رعایت چند امر در رمی جمرات لازم است:

۱) رمی باید با قصد خالص و بدون ریا انجام گیرد.

۲) سنگ را پرتاب کند، گذاشتن در محل جمره یا چسباندن به جمره کافی نیست.

۳) پرتاب سنگ با دست باشد. اگرچه به هر وسیله متعارف

نیز صحیح است.

۴) هفت سنگ باشد.

۵) ریگ‌ها یکی یکی پرتاب شود.

۴۷۳ - چنانچه سنگ‌ها جداگانه پرتاب شود و با هم به

جمره بخورد مانع ندارد. ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیاندازد کافی نیست، اگرچه با هم به جمره نرسد، در این صورت یک رمی حساب می‌شود.

۴۷۴ - چنانچه طول یا ارتفاع جمرات افزایش یابد، رمی

تمام قسمت‌های آن مجزی است. ولی اگر قسمتی از دیوار

توسعه یافته جمره عقبه خارج از منی قرار گرفته باشد رمی آن کافی نیست.

۴۷۵ - اگر در بکر بودن سنگ شک کند رمی با آن جایز است.

۴۷۶ - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند اعتنا نکند.

۴۷۷ - اگر در حین رمی در تعداد آن شک کند باید آن قدر بیاندازد تا علم پیدا کند.

۴۷۸ - اگر سنگ پرتاب شده به جمره برخورد نکند اشکال ندارد. فرود آمدن سنگ در حوضچه و نزدیک محل جمره کافی است.

۴۷۹ - رمی به صورت سواره و پیاده جایز است.

۴۸۰ - اگر پس از انصراف از رمی و خروج از محل جمرات، در عدد سنگ‌های پرتاب شده شک کند اعتنا نکند. هرچند شک در نقیصه باشد و قبل از ذبح و حلق عارض شود.

۴۸۱ - اگر بعد از فارغ شدن از رمی، در صحت آن شک کند نباید ترتیب اثر بدهد.

۴۸۲ - ظن به رسیدن سنگ به محل جمره و عدد آن اعتبار ندارد. بلکه باید علم پیدا کرد.

۴۸۳ - پاک بودن ریگ‌ها و طهارت از حدث و خبث در رمی معتبر نیست.

۴۸۴ - افراد معذور چنانچه نتوانند در شب عید رمی کنند، باید به دیگری نیابت بدهند تا در روز عید از طرف ایشان رمی کند.

۴۸۵ - اگر پس از رمی نائِب، بیمار بهبود یافت یا بیهوش بیهوش آمد، اعاده لازم نیست. ولی اگر در حین رمی نائِب، عذر منوب عنہ برطرف شد، باید خودش به طور کامل رمی کند.

۴۸۶ - زنان، افراد خردسال و کهنسال، بیمار و ناتوان و همراهان آنان می‌توانند رمی جمره عقبه را در شب عید انجام بدهند.

## قربانی

۴۸۷ - دومین عمل واجب روز عید در منی و پنجمین عمل حج تمتع ذبح گاو یا گوسفند یا نحر شتر است و ذبح حیوان دیگر کافی نیست.

۴۸۸ - هر نفر باید حداقل یک قربانی بکند. یک قربانی برای چند نفر به صورت شراکت در حال اختیار کفایت نمی‌کند. بلکه در حال ضرورت نیز مورد اشکال است، و احتیاط

واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است.  
۴۸۹ - قربانی باید در منی انجام شود. ولی در صورت عدم تمکن، ذبح در مسلخ موجود هرچند بیرون از منی باشد مجزی است.

- ۴۹۰ - قربانی باید دارای شرایط زیر باشد:
- (۱) شتر کمتر از پنج سال، گاو و بز کمتر از دو سال و گوسفند و میش کمتر از هفت ماه نباشد.
  - (۲) سالم باشد، حیوان مریض کافی نیست حتی مثل کچلی.
  - (۳) خیلی پیر نباشد.
  - (۴) تام‌الاجزاء باشد و ناقص کافی نیست. کور، لنگ، گوش بریده، دم بریده، شاخ شکسته یا بریده نباشد.
  - (۵) لاغر نباشد. اگر در گرده او پیه باشد کافی است.
  - (۶) بنابر احتیاط بیضه آن سالم باشد و اخته نباشد.

۴۹۱ - اگر حیوان شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد. شاخ خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ سفید داخل است.

۴۹۲ - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن به عنوان علامت مانع ندارد.

۴۹۳ - ذبح باید بعد از رمی جمره عقبه انجام شود. اگر

جهلاً یا سهواً قبل از رمی، ذبح کند، اعاده لازم نیست.  
 ۴۹۴- اگر حیوان سالم یافت نشود، ذبح ناقص کافی است.  
 اگر ناقص نیز یافت نشود قیمت آن را نزد امینی بگذارد که او  
 تا آخر ماه گوسفندی خریداری و در منی ذبح کند. در صورت  
 عدم امکان سال بعد این کار را انجام دهد.

۴۹۵- تأخیر قربانی از روز عید در صورت امکان جایز  
 نیست.

۴۹۶- اگر کسی عمداً یا سهواً در روز عید ذبح نکند، ذبح  
 در شب کافی است و گرنه در ایام تشریق ذبح کند. اگر ممکن  
 نشد تا آخر ماه ذی‌الحجه باید اقدام به ذبح نماید.

۴۹۷- اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم و چاق  
 است ذبح کند، بعد معلوم شد مریض یا ناقص یا لاغر بوده  
 اشکال ندارد.

۴۹۸- اگر کسی به خاطر ندانستن مسأله، حیوانی را که به  
 گمان او لاغر و ناقص است خریداری و برای اطاعت خداوند  
 ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق و سالم بوده است کفایت می‌کند.

۴۹۹- مستحب است ذبیحه سه قسمت شود. قسمتی را به  
 دوستان اهل ایمان هدیه کند، قسمت دیگر را به مستمندان مسلمان  
 صدقه بدهد و یک قسمت هم برای خوردن خودش باشد.



۵۰۰ - انتقال گوشت قربانی به خارج منی، بلکه خارج از حجاز برای توزیع میان نیازمندان جایز است. در صورت نبود مستحق در منطقه لازم است.

۵۰۱ - نیابت دادن در ذبح در حال اختیار نیز جایز است. نیت نائب یا حاجی کافی است.

۵۰۲ - مسلمان بودن ذابح در قربانی و کفارات کافی است. پس اگر قربانی توسط غیر شیعه انجام گیرد کفایت می‌کند.

۵۰۳ - ذبح با هر فلزی از جمله کارد استیل که تیزی و سختی آن مانند آهن باشد صحیح است.

۵۰۴ - ذبح به صورت صنعتی و خودکار با رعایت شرائط از قبیل بسمله و استقبال مجزی است.

۵۰۵ - ذبح عبادت است و باید با نیت خالص و قصد اطاعت خداوند انجام شود.

۵۰۶ - اگر پس از ذبح در فقد بعضی از شرایط معتبر در قربانی شک کند، اعتنا نکند.

۵۰۷ - اگر پس از این که نائب گوسفندی خریده و ذبح کرده، شخص محرم احتمال بدهد نائب شرایط لازم را رعایت نکرده باشد، به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

۵۰۸ - انسان باید علم یا اطمینان پیدا کند که نائب با رعایت

شرایط برایش قربانی کرده است، و گمان کفایت نمی‌کند.  
**۵۰۹ -** اگر نائب عمداً یا سهواً بر خلاف شرایط معتبر در  
 قربانی اقدام نماید ضامن است، هرچند برای ذبح اجیر نشده  
 باشد و باید دوباره قربانی انجام شود.

## روزه بدل قربانی

- ۵۱۱ -** اگر کسی قادر بر ذبح نباشد باید سه روز در حج و  
 هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.
- ۵۱۲ -** اگر قرض کردن یا فروش اشیاء زائد بر مؤنه سفر  
 برایش میسر باشد بدون این که به مشقت بیفتد، حتی اگر  
 لباسی مورد حاجت او نباشد باید اقدام کند و حیوان واجد  
 شرایط بخرد و قربانی کند.
- ۵۱۳ -** این سه روز روزه باید به طور متوالی در ماه ذی‌الحجه  
 باشد. احتیاط مستحب از هفتم تا نهم است.
- ۵۱۴ -** روزه ایام تشریق در منی جایز نیست.
- ۵۱۵ -** اگر موفق به سه روز روزه پیش از عید نشود، باید  
 پس از مراجعت از منی تا آخر ذی‌الحجه آن سه روز را به طور  
 متوالی روزه بگیرد.
- ۵۱۶ -** روزه این سه روز در سفر نیز جایز است و قصد

اقامت در مکه لازم نیست. اگر سه روز در مکه نمی ماند، می تواند بین راه بگیرد.

۵۱۷ - اگر پس از این که سه روز روزه گرفت متمکن از قربانی شد ذبح لازم نیست. ولی اگر تمکن در روز اول و دوم حاصل شود، باید قربانی کند.

۵۱۸ - اگر این سه روز را تا آخر ماه ذی الحججه روزه نگرفت، باید سال آینده خودش یا نائیش در منی قربانی کند.

۵۱۹ - سه روز روزه باید بعد از احرام عمره تمتع باشد.

۵۲۰ - هفت روز دیگر را باید بعد از مراجعت از سفر حج و بنا بر احتیاط مستحب به طور متوالی روزه بگیرد.

۵۲۱ - روزه این هفت روز در مکه یا بین راه جایز نیست، مگر کسی که قصد اقامت در مکه داشته باشد. در این صورت کافی است یک روز فاصله بیاندازد و روزه بگیرد.

۵۲۲ - اگر در غیر مکه و غیر از وطن خودش اقامت گزیند می تواند هفت روز روزه را در آن جا بگیرد.

۵۲۳ - اگر در مکه نتواند سه روز روزه بگیرد، و به محل خود برگردد، چنانچه ماه ذی الحججه باقی است می تواند در محل بگیرد، لکن با هفت روز روزه فاصله بدهد. و چنانچه ذیحجه تمام شده باشد وظیفه اش قربانی در منی در ذی الحججه سال بعد است.

## حلق یا تقصیر

- ۵۲۴ - سومین عمل واجب روز عید در منی و ششمین عمل حج تمتع حلق یا تقصیر است.
- ۵۲۵ - مرد مخیر است پس از قربانی حلق کند و سر بتراشد یا تقصیر کند و مقداری از ناخن یا موی سر خود را کوتاه کند.
- ۵۲۶ - ضروره یعنی کسی که سفر اول حج او است بنا بر احتیاط واجب باید حلق کند..
- ۵۲۷ - زن باید تقصیر کند و از مو یا ناخن خود قدری بگیرد. حلق برای آن‌ها کافی، بلکه جایز نیست.
- ۵۲۸ - کسی که موهای خود را در هم پیچیده و بافته یا با موادی به هم چسبانده است، بنا بر احتیاط واجب باید سر بتراشد.
- ۵۲۹ - کسی که وظیفه‌اش حلق است جایز نیست ابتدا موی را با ماشین کوتاه کند و بعد سر بتراشد.
- ۵۳۰ - تراشیدن موی سر با ماشین به قصد حلق چنانچه به گونه‌ای باشد که موی سر باقی نماند و از نظر عرف سر تراشیدن صدق کند، کافی است.
- ۵۳۱ - برای حلق باید تمام سر را بتراشد.
- ۵۳۲ - برای تقصیر کوتاه کردن مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب یا ناخن به هر وسیله باشد، کافی است.

۵۳۳ - حلق و تقصیر از عبادات است و باید با نیت خالص به قصد اطاعت خداوند باشد. در صورت ریا در احرام باقی می ماند.

۵۳۴ - جایز است انسان از دیگری بخواهد سر او را بتراشد یا مویش را کوتاه کند، ولی باید خودش نیت کند.

۵۳۵ - محرم نمی تواند دیگری را حلق یا تقصیر کند.

۵۳۶ - کسانی که بنا بر احتیاط واجب باید سر بتراشند، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را به سر بکشند و تقصیر نیز بکنند.

۵۳۷ - کسانی که مخیر در حلق و تقصیر هستند، چنانچه سرشان مو نداشته باشد باید تقصیر کنند.

۵۳۸ - تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی کند.

۵۳۹ - مکان حلق و تقصیر برای حج منی است، و در حال اختیار در غیر منی کافی نیست. در صورت جهل یا غفلت مجزی است.

۵۴۰ - زمان آن روز عید است. در صورت عدم امکان تأخیر آن تا روز سیزدهم جایز است. حلق در شب نیز صحیح است.

۵۴۱ - اگر کسی عمداً یا سهواً یا جهلاً در منی سر نتراشد و تقصیر نکند و از آن جا خارج شود، باید برگردد و در منی

حلق یا تقصیر کند. اگر نتواند برگردد، هر جا هست حلق یا تقصیر کند، و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد و مستحب است مو را در منی دفن کنند.

**۵۴۲ -** پس از انجام حلق یا تقصیر، از احرام بیرون می‌آید و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود. مگر زن و بوی خوش و صید در حرم. با انجام سعی استشمام و استعمال بوی خوش جایز خواهد شد و با انجام طواف نساء زن حلال می‌شود. اما صید تا زمانی که در حرم باشد هر چند محرم نباشد، جایز نخواهد بود.

**۵۴۳ -** رعایت ترتیب بین قربانی و حلق در روز عید لازم است. ولی چنانچه قربانی در روز عید میسور نشود، می‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و قربانی را روز بعد انجام دهد.

**۵۴۴ -** اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند. اگر با اعتقاد به انجام قربانی توسط وکیل حلق یا تقصیر کند بعد کشف خلاف شود حلق مزبور کافی است. چنانچه پس از حلق اعمال مکه را نیز انجام داده باشد کفایت می‌کند، و اعاده لازم نیست.

## بیتوته به منی

۵۴۵ - چهارمین عمل واجب منی بیتوته است. حاجی باید به قصد قربت شب یازدهم و شب دوازدهم ذی‌الحجه را در منی باشد. خروج در روز از منی اشکال ندارد.

۵۴۶ - لازم نیست تمام شب را در منی بماند. بلکه بین نیمه اول و دوم شب مخیر است. پس اگر از اول غروب تا نیمه شب بیتوته کند، جایز است پس از نیمه شب از منی خارج شود. اگر در روز از منی خارج شده باشد و اول شب به منی نرسد، کافی است از نیمه شب تا طلوع فجر بیتوته کند.

۵۴۷ - ترک عمدی بیتوته منی موجب ثبوت کفاره است و باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کند. ولی ترک آن جهلاً یا سهواً بنا بر احتیاط کفاره دارد.

۵۴۸ - اگر هیچ کدام از دو نیمه شب را به طور کامل در منی نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد هر چند معذور باشد.

۵۴۹ - سه گروه باید شب سیزدهم را نیز در منی بمانند:

(الف) در حال احرام شکار کرده باشد.

(ب) آمیزش جنسی کرده باشد.

(ج) روز دوازدهم تا غروب از منی خارج نشود.

۵۵۰ - بیتوته در منی بر چند گروه واجب نیست:

(الف) سالمندان، بیماران، پرستاران و کسانی که ماندن در منی برایشان مشقت داشته باشد.

(ب) کسانی که بر جان و مال و ناموس خود می‌ترسند.

(ج) کسانی که شب را در مکه به عبادت مشغول باشند و تا سپیده دم بیدار باشند.

۵۵۱ - کسانی که بیتوته بر آنها واجب نیست، چنانچه شب

را در منی نباشند کفاره ندارد، هرچند نسبت به گروه الف، احتیاط مستحب است.

۵۵۲ - در قربانی کردن گوسفند به عنوان کفاره، هیچ یک از

شرایط قربانی حج معتبر نیست و هر جا حتی وطن خود قربانی کند کافی است.

۵۵۳ - خروج از منی در روز دوازدهم باید بعد از زوال ظهر

باشد. در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست، ولی کسی که پیش از ظهر خارج شده باشد برای صدق نذر بعد زوال، لازم



نیست به منی برگردد.

۵۵۴ - افراد معذور از رمی جمرات می‌توانند برای رمی خود نیابت بدهند و پس از نیمه شب از منی خارج شوند.

۵۵۵ - کسانی که شب سیزدهم در منی باشند، روز سیزدهم می‌توانند پس از رمی پیش از ظهر خارج شوند.

۵۵۶ - کسانی که در زمین‌های متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند، هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آن‌جا از منی است، یا به گفته اشخاص محلی مطمئن شده باشند.

۵۵۷ - اگر حاجی بعد از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود، و بعد از غروب یا قبل از آن به منی برگردد، بیتوته شب سیزدهم در منی و رمی روز آن بر او واجب نمی‌شود.

\*\*\*

## رمی جمرات

۵۵۸ - حاجی باید به قصد قربت روزهای یازدهم و دوازدهم به هریک از جمرات سه‌گانه (جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه) هفت سنگ بزند.

- ۵۵۹ - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند رمی جمرات روز سیزدهم بر آنان واجب است.
- ۵۶۰ - اگر کسی رمی جمرات را ترک کند حج او باطل نمی‌شود، حتی اگر عمدی باشد. کفاره نیز ندارد.
- ۵۶۱ - تعداد و احکام رمی جمرات مانند رمی جمره عقبه در روز عید است.
- ۵۶۲ - وقت رمی جمرات از اول طلوع آفتاب تا غروب است. چنانچه قادر بر رمی در روز نباشند، باید در شب رمی کنند.
- ۵۶۳ - زنان و افراد سالمند، خردسال، ناتوان و بیمار اگر از رمی در شب نیز عاجز و خائف باشند، باید نایب بگیرند و نایب باید در روز رمی کند.
- ۵۶۴ - رعایت ترتیب در رمی جمرات لازم است و باید ابتدا جمره اولی، بعد وسطی، سپس جمره عقبه رمی شود.
- ۵۶۵ - اگر کسی به جمره اولی و وسطی چهار سنگ و به جمره عقبه هفت سنگ بزند، کافی است سه سنگ باقی مانده را به جمره اولی و وسطی به ترتیب بزند در صورت علم و عمد احتیاطاً اعاده نماید.
- ۵۶۶ - اگر کسی رمی جمره وسطی را بر جمره اولی مقدم بدارد اعاده رمی جمره وسطی برای حصول ترتیب کافی است.

اعاده جمره اولی لازم نیست. در این حکم فرقی بین علم و جهل و نسیان وجود ندارد.

۵۶۷ - اگر کسی رمی را عمدتاً یا سهواً ترک کند، واجب است روز بعد آن را قضا نماید. ولی کفاره ندارد.

۵۶۸ - زنان و افراد معذور از رمی جمرات در روز می‌توانند در شب دوازدهم رمی روز قبل و بعد را با رعایت ترتیب انجام دهند.

۵۶۹ - تقدیم قضا بر اداء در رمی واجب است. پس اگر کسی رمی روز یازدهم را انجام نداده باشد و بخواهد قضای آن را در روز دوازدهم به‌جا آورد. باید ابتدا قضای رمی روز یازدهم را با رعایت ترتیب انجام دهد و سپس رمی روز دوازدهم را ادا نماید.

۵۷۰ - اگر کسی رمی بعضی جمرات را ترک کرده باشد، روز بعد باید قضای آن را به‌جا آورد و ترتیب را رعایت نماید. پس اگر جمره وسطی را رمی نکرده باشد، باید پس از قضای آن، رمی جمره عقبه را اعاده کند.

۵۷۱ - اگر در روز بعد متوجه شود در رمی جمرات روز قبل ترتیب را رعایت نکرده است، باید آن را با رعایت ترتیب قضا نماید.

۵۷۲ - اگر به هریک از جمرات یا بعض آن‌ها چهار سنگ انداخته باشد و روز بعد یادش بیاید بنا بر احتیاط واجب بقیه را روز بعد قضا کند، سپس به وظیفه آن روز عمل نماید.

۵۷۳ - اگر کسی رمی هر سه جمره یا بعضی از آن‌ها را فراموش کند و از منی به مکه بیاید، چنانچه در ایام تشریق یادش آمد باید برگردد و رمی کند. اگر ممکن نیست نائب بگیرد. اگر بعد از ایام تشریق متوجه شود خودش یا نائیش در سال آینده در ایام تشریق قضا کند. چنانچه پس از خروج از مکه یادش آمد همین حکم را دارد.

۵۷۴ - اگر شخص معذور پس از انجام رمی توسط نائب، عذرش برطرف شود اعاده لازم نیست.

۵۷۵ - اگر کسی به قصد نیابت و تبرع از طرف معذور رمی کند، صحیح است و اذن معذور در صحت رمی لازم نیست.

۵۷۶ - اگر روز بعد شک کند که روز قبل جمرات را رمی کرده یا نه اعتنا نکند.

۵۷۷ - اگر پس از پرتاب سنگ و رسیدن به جمره در صحت رمی شک کند، اعتنا نکند.

۵۷۸ - اگر بعد از شروع در رمی جمره وسطی در اصل رمی جمره اولی یا صحت آن شک کند، اعتنا نکند.

۵۷۹ - اگر در تعداد رمی بین هفت و کمتر شک کند،

چنانچه هنوز به رمی جمره بعدی مشغول نشده باشد لازم است نقص احتمالی را جبران کند تا یقین به هفت پیدا شود. در صورت اشتغال به رمی جمره بعدی به شک خود اعتنا نکند. ۵۸۰ - اگر در حین رمی جمره وسطی یا پس از آن در تعداد رمی جمره اولی شک کند، چنانچه بداند چهار سنگ زده است، بقیه را تکمیل کند و اگر نداند باید بنا بر رمی چهار سنگ بگذارد و سه سنگ دیگر بزند.

۵۸۱ - اگر روز دوازدهم علم پیدا کند یکی از سه جمره را روز قبل رمی نکرده، ولی نداند کدام یک بوده است، چنانچه جمره عقبه را به عنوان قضا رمی کند، کافی است.

۵۸۲ - اگر پس از رمی جمرات سه گانه یقین کند یک یا دو یا سه سنگ به یکی از سه جمره کمتر انداخته، باید به مقدار نقصان احتمالی هر سه جمره را رمی کند.

۵۸۳ - اگر روز سیزدهم متوجه شود یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، قضای یک روز کافی است. هر چند احتیاط در قضای هر سه روز با رعایت ترتیب است.

۵۸۴ - رمی در تمامی طبقات تحتانی و فوقانی جایز است.

۵۸۵ - اگر کسی در رمی بیش از هفت سنگ پرتاب کند، چنانچه از اول قصد زیاده داشته، باید اعاده کند، ولی اگر در ابتدا قصد هفت سنگ داشته و پس از اتمام عدد، اضافه بزند مانعی ندارد.

## اعمال مکه

۵۸۶ - پس از تمام شدن اعمال منی، واجب است برای انجام بقیه اعمال حج به مکه بازگردد.

۵۸۷ - تأخیر اعمال مکه تا آخر ذی‌الحجه جایز است. ولی مستحب است در روز عید و ایام تشریق انجام شود.

۵۸۸ - اعمال واجب مکه پنج چیز است:

(۱) طواف حج (طواف زیارت)

(۲) نماز طواف

(۳) سعی بین صفا و مروه

(۴) طواف نساء

(۵) نماز طواف نساء.

۵۸۹ - سه عمل اول جزء مناسک حج است که در مجموع

حج تمتع مشتمل بر ده عمل خواهد بود.

۵۹۰ - کیفیت طواف و نماز و سعی و احکام آنها در حج

نیز مانند عمره تمتع است و تفاوتی ندارد. مگر در نیت که باید به قصد حج تمتع به جا آورد.

۵۹۱ - رعایت ترتیب در اعمال مکه لازم است. پس تقدیم سعی بر طواف زیارت جایز نیست. در صورت تقدیم باید اعاده شود.

۵۹۲ - تقدیم اعمال مکه بر وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منی در حال اختیار جایز نیست.

۵۹۳ - برای چند گروه جایز است اعمال مکه را پس از احرام حج و پیش از رفتن به عرفات به جا آورند.

(۱) خانم‌هایی که می‌ترسند پس از مراجعت از منی حیض شوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

(۲) سالمندان و بیمارانی که می‌ترسند هنگام مراجعت نتوانند به خاطر ازدحام جمعیت طواف و سعی خود را انجام دهند.

(۳) کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی‌الحجه به جهتی غیر از بیماری و کهولت سن مانند جاری شدن سیل قادر بر انجام اعمال نخواهند بود.

۵۹۴ - در زنان، سالمندان و بیماران چنانچه کشف خلاف شود اعاده اعمال مکه لازم نیست. ولی در مورد اخیر لازم است پس از مراجعت از منی اعاده نماید.

۵۹۵ - پس از انجام طواف زیارت و نماز آن و سعی، استعمال بوی خوش، جایز خواهد بود. ولی صید در حرم

همچنان حرام است، هر چند محل باشد.

**۵۹۶ -** کسانی که به واسطه عذری اعمال مکه را بر وقوف به عرفات مقدم داشتند استعمال بوی خوش و رابطه زناشویی برای آنان جایز نیست و تمام محرّمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

**۵۹۷ -** انجام طواف و سعی قبل از تقصیر یا حلق جایز نیست. در صورت ارتکاب جهلاً و سهواً باید پس از حلق یا تقصیر در منی، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و در صورت ارتکاب عمدی باید یک گوسفند نیز قربانی کند.

**۵۹۸ -** اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم بدارد کفاره گوسفند لازم است. اگر فقط سعی را مقدم بدارد کفاره لازم نیست. ولی در هر دو صورت پس از حلق یا تقصیر باید آن را اعاده کند.

**۵۹۹ -** اگر کسی طواف حج را به خاطر ندانستن مسأله ترک کند و به وطن برگردد، باید یک شتر قربانی کند و حشش را در سال آینده اعاده نماید. اگرچه بعید نیست نیابت دادن برای طواف به ضمیمه کفاره کافی باشد.



## طواف نساء

۶۰۰ - طواف نساء و نماز آن اگرچه برای حلیت زن و مرد واجب است. ولی جزء اعمال حج نیست و ترک عمدی آن موجب بطلان حج نمی‌شود. لیکن تا زمانی که طواف نساء انجام نداده، باید از آمیزش خودداری کند.

۶۰۱ - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد، بلکه بر مرد و زن، متأهل و مجرد، پیر و جوان، بلکه بر بچه غیر ممیز نیز واجب است.

۶۰۲ - نایب باید طواف نساء را به نیت خودش انجام بدهد، بنابر احتیاط مستحب قصد ما فی الذمه کند.

۶۰۳ - اگر پس از بازگشت از مکه در انجام طواف نساء شک کند، چنانچه مسأله را می‌دانسته و ملتفت بوده، اعتنا نکند. در غیر این صورت باید طواف نساء به جا آورد.

۶۰۴ - تقدیم طواف نساء بر سعی در حال ضرورت، مثل ترس از حیض جایز است. ولی در حال اختیار جایز نیست. چنانچه جهلاً یا سهواً مقدم بدارد، صحیح است و اعاده لازم نیست. ولی

چنانچه تقدیم از روی علم و عمد باشد باید اعاده کند.  
**۶۰۵-** اگر طواف نساء زرا سهواً یا عمداً ترک کند و از مکه خارج شود، چنانچه بتواند باید برگردد و به جا بیاورد، و اگر نتواند یا مشقت دارد نائب بگیرد. پس از این که نائب انجام بدهد، حلیت حاصل می شود.

**۶۰۶-** اگر کسی هریک از طواف های واجب عمره یا حج را فراموش کند و به وطن برگردد، در صورت آمیزش باید یک گوسفند در مکه قربانی کند و در صورت امکان برگردد و طواف و نماز آن را به جا آورد. احتیاطاً در غیر طواف نساء، سعی را نیز انجام دهد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد.

**۶۰۷-** اگر کسی عمره مفرده به جا آورد و طواف نساء را ترک کند. بعد برای عمره تمتع محرم شود می تواند طواف نساء را پس از تقصیر عمره تمتع انجام دهد و اگر تأخیر بیندازد جایز است برای حج تمتع محرم شود. در این صورت طواف نساء حج کفایت از طواف نساء عمره مفرده می کند.

**۶۰۸-** اگر کسی بخواهد پس از اتمام اعمال حج تمتع، عمره مفرده به جا آورد، می تواند به طواف نساء عمره مفرده اکتفا نماید.

## احکام محصور و مصدود

۶۰۹ - مصدود به کسی گفته می شود که دشمن یا دولت او را پس از احرام از انجام اعمال عمره یا حج منع کند. محصور کسی است که به جهت ابتلاء به بیماری نتواند اعمال را تمام کند.

۶۱۰ - شخصی که به احرام عمره یا حج محرم شود، واجب است اعمال عمره و حج را تمام کند. اگر نکند در حال احرام باقی خواهد ماند.

۶۱۱ - مصدود در عمره باید در همان محل که ممنوع شده قربانی کند و از احرام خارج شود. احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، حلق یا تقصیر هم انجام دهد. اگر متمکن از قربانی نباشد، ده روز به جای آن روزه بگیرد.

۶۱۲ - اگر از یک راه مصدود باشد، ولی راه دیگر برایش باز باشد و هزینه رفتن از آن راه را دارد، باید از راه باز برود، هرچند احتمال بدهد نتواند به حج برسد. در صورت فوت حج، عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود.

۶۱۳ - مصدود بودن در حج به یکی از موارد زیر محقق می‌شود:

(۱) منع از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر.  
 (۲) منع از مجموع اعمال منی و اعمال مکه پس از انجام وقوفین، و عدم تمکن از نیابت.

(۳) منع از اعمال منی یا اعمال مکه، با عدم امکان نیابت.  
 ۶۱۴ - چنانچه تمام اعمال منی و مکه را به‌جا آورد و فقط از بیتوته در منی و رمی جمرات در ایام تشریق ممنوع شود، مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید برای اعمالی که از انجام آن‌ها منع شده در همان سال، و در صورت عدم امکان در سال آینده نایب بگیرد.

۶۱۵ - شخصی که از عمره یا حج مصدود شود چنانچه حج بر او مستقر بوده یا استطاعت او تا سال بعد باقی باشد، واجب است حج را در سال آینده انجام دهد و تحلیلی که به جهت مصدود بودن با انجام قربانی و حلق حاصل شده است کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

۶۱۶ - مصدود از اعمال منی یا مکه در صورت تمکن از استنابه باید فرد مورد وثوقی را برای انجام اعمال خود نایب بگیرد.

۶۱۷ - مصدود در صورتی می‌تواند با انجام قربانی و حلق از احرام خارج شود که امیدی به رفع صد نداشته باشد.

۶۱۸ - محصور در عمره مفرده باید در مکان حصر ذبح کند و پس از آن تقصیر نماید و از احرام خارج شود.

۶۱۹ - محصور در عمره تمتع بنا بر احتیاط واجب باید قربانی یا پول آن را به وسیله امینی به مکه بفرستد، پس از اطلاع یافتن از انجام قربانی در مکه، در محل خود تقصیر کند و از احرام بیرون آید و همه محرمات احرام حتی زن بر او حلال می‌شود.

۶۲۰ - محصور در حج تمتع چنانچه نتواند وقوف به عرفات و مشعر را درک کند، برای تحلل باید قربانی یا پول آن را به وسیله امینی به منی بفرستد تا در روز عید یا ایام تشریق برایش ذبح کنند. سپس در موعد مقرر تقصیر کند و از احرام خارج شود. بنا بر احتیاط برای حلیت زن اعمال مکه و طواف نساء را انجام دهد. هر چند به طور اطافه یا نیابت باشد.

۶۲۱ - اگر مصدود یا محصور در عمره با اعتقاد به انجام قربانی توسط نائب و محل شدن، با همسر خود رابطه زناشویی برقرار کند و بعد کشف خلاف شود کفاره ندارد، ولی باید در همان مکان قربانی را خودش انجام دهد.

**۶۲۲-** اگر مصدود یا محصور پس از فرستادن قربانی و قبل از تحلل به هدی و تقصیر، رفع صد و حصر شود و بتواند به مکه برود، اگر محرم به عمره تمتع باشد باید اعمال عمره و سپس حج تمتع را انجام دهد. اگر وقت تنگ باشد باید نیت عدول به حج افراد کند و پس از انجام حج، عمره مفرده انجام دهد و این عمل از حجة الاسلام کفایت می‌کند. اگر وقت حج نیز گذشته باشد به طوری که وقوف اختیاری یا اضطراری شبانه مشعر را نتواند درک کند، عمره تمتع او بدل به عمره مفرده و در صورت استقرار حج، سال آینده حج به جا آورد.

### چند مسأله مورد ابتلاء

**۶۲۳-** مکلف باید اعمالی که انجام می‌دهد مطابق با فتوای مجتهد باشد چنانچه مرجع تقلید انسان از دنیا رفته باشد در صورتی که قبلاً در زمان حیات او به مکه مشرف شده یا مسائل حج را طبق نظر او یاد گرفته باشد، می‌تواند نوبت جدید را نیز طبق فتوای مجتهد متوفی عمل نماید. در غیر این صورت باید از مجتهد حی تقلید کند.

**۶۲۴-** اگر مرجع تقلید انسان در موردی احتیاط واجب داشته باشد. مقلد می‌تواند به هر مجتهد دیگری که در آن مورد احتیاط ندارد رجوع نماید.

۶۲۵ - اگر مکلف پس از انجام عمل بفهمد که مرجع تقلید او در آن مورد احتیاط واجب داشته است، چنانچه عمل او مطابق با فتوای مجتهد دیگر باشد، صحیح و مجزی است.

۶۲۶ - فرد نائب باید اعمال حج را مطابق نظر مرجع تقلید خود انجام دهد مگر رعایت فتوای مرجع تقلید منوب عنه در ضمن نیابت و اجیر شدن شرط شده باشد.

۶۲۷ - شرکت در نماز جماعت اهل سنت مستحب است. نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی فضیلت بسیار دارد و هنگام اقامه نماز جماعت خروج از مسجد جایز نیست.

۶۲۸ - اقامه نماز جماعت در محل استقرار زائرین و برخی مساجد پس از اتمام نماز جماعت اهل تسنن چنانچه موجب وهن تشیع و اتهام اعراض از جماعت مسلمین نباشد، اشکال ندارد. بلکه در بعضی موارد اگر سبب معرفی و ترویج مکتب اهل بیت باشد رجحان نیز دارد. مع الوصف سیاست ابلاغ شده از سوی ولی امر برای همه شیعیان اعم از روحانیون و حجاج محترم به منظور حفظ وحدت لازم الاتباع است.

۶۲۹ - اقتداء به امام جماعت اهل سنت در حجاز صحیح است و چنانچه بدون تکتف و گفتن آمین با آنان نماز بخواند مجزی است و اعاده لازم نیست. رعایت وظیفه منفرد و قرائت و لو به نحو حدیث نفس لازم نیست.

۶۳۰ - صحت اقتداء به نماز جماعت اهل سنت اختصاص به نماز ادا دارد. در نماز قضا باید تمام شرائط مطابق معمول رعایت شود.

۶۳۱ - انسان در مسجد الحرام و مسجد النبی هر چند توسعه یافته باشد بین قصر و اتمام نماز مخیر است. بلکه تا هر جا صف نماز جماعت ادامه داشته باشد هر چند بیرون مسجد باشد. بنابر احتیاط در غیر این دو مسجد نماز قصر است.

۶۳۲ - کسی که در مکه قصد ماندن ده روز کرده، باید نمازش را در تمام مکه و لو مناطق توسعه یافته و مسجد الحرام تمام بخواند.

۶۳۳ - کسی که در مکه نمازش را به خاطر قصد عشرة تمام بخواند در عرفات و مشعر و منی نیز باید تمام بخواند. زیرا از مکه موجود تا عرفات به اندازه مسافت شرعی نیست.

۶۳۴ - در مسجد الحرام که نماز جماعت به صورت استداره‌ای برگزار می‌شود باید جایی بایستد که عرفاً پشت سر امام قرار بگیرد و فاصله مأموم تا کعبه نزدیکتر از امام نباشد.

۶۳۵ - نماز جماعت در طبقات فوقانی مسجد الحرام و مسجد النبی در صورت برقراری اتصال صحیح است، هر چند اتصال مورد نظر اهل تسنن باشد.



۶۳۶ - اگر امام جماعت در نماز سوره سجده دار بخواند، مأوموم باید چنانچه ترک سجده بر خلاف تقیه و موجب وهن باشد در سجده تبعیت کند.

۶۳۷ - کسی که قادر نیست بر زمین بنشیند و به طور معمول سجده نماید، باید در حال ایستاده یا نشستن بر صندلی با اشاره سر یا چشم سجده کند. این حکم اختصاص به مناطق اهل تسنن ندارد.

۶۳۸ - سجده بر انواع سنگ‌ها که در مسجد الحرام و مسجد النبی به کار رفته است، جایز است.

۶۳۹ - سجده بر فرش مسجد النبی اشکال ندارد، در صورتی که سجده بر سنگ میسور نباشد یا موجب وهن و هتک شود. ولی در مسجد الحرام سجده بر فرش جایز نیست. چون در همه جا امکان سجده بر سنگ وجود دارد.

۶۴۰ - اگر کسی بخواهد نماز قضا یا ادا به صورت فرادی در مسجد الحرام یا مسجد النبی بخواند باید تمام شرایط صحت نماز (سجده بر سنگ یا حصیر) را رعایت نماید.

۶۴۱ - اگر کسی موظف به تقیه باشد و عبادتی بر خلاف تقیه انجام بدهد باطل است. بنابراین سجده بر مهر، حصیر، بادبزن، کاغذ و امثال آن در مساجد مکه و مدینه چنانچه موجب وهن شیعه باشد جایز نیست.

۶۴۲ - حکم تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه استمراری است. بنابراین می‌تواند نماز ظهر را تمام و نماز عصر را قصر بخواند.

۶۴۳ - نافله ظهر و عصر از مسافر ساقط است. هر چند در مکه و مدینه تمام را اختیار کند.

۶۴۴ - سه روز روزه در مدینه برای گرفتن حاجت مستحب است هر چند مسافر باشد و روزه قضای واجب بر عهده داشته باشد.

۶۴۵ - نماز در هواپیما به نحو معمول با رعایت جهت قبله صحیح است و اعاده لازم نیست هر چند هواپیما در وقت نماز بر زمین بنشیند. برای رعایت جهت قبله کافی است هنگام رفتن به مکه در جهت حرکت هواپیما قرار بگیرد و هنگام برگشت به ایران در جهت خلاف بایستد.

۶۴۶ - هزینه حج باید از مال حلال باشد صرف مالی که متعلق خمس و زکات است جایز نیست.

۶۴۷ - هزینه سفر حج اگر از درآمد همان سال تشریف باشد خمس ندارد. ولی اگر از درآمد سال‌های قبل باشد باید خمس آن را پردازد.

۶۴۸ - چنانچه تشریف به حج مستلزم ثبت نام از طریق

ودیعه‌گذاری در قالب مضاربه با نهاد خاصی باشد چنانچه در همان سال مشرف نشود به اصل پول چنانچه غیر مخمس بوده خمس تعلق می‌گیرد. ولی سود آن اگر در سال تشریف دریافت و هزینه شود خمس ندارد.

**۶۴۹-** اگر انسان نتواند به حساب تمام اموال خود برسد و خمس بدهد، می‌تواند بخشی از مال خود را جدا کند و خمس آن را بپردازد و برای حج از آن هزینه کند.

**۶۵۰-** اگر کسی لباس احرام و قربانی به ذمه بخرد و پول متعلق خمس به فروشنده بدهد، طواف و قربانی او صحیح است. ولی خمس آن دو، بر ذمه او است و باید بپردازد.

**۶۵۱-** خارج کردن قرآن از مسجد الحرام و مسجد النبی جایز نیست، اگر بیرون ببرد باید برگرداند. مگر با اجازه متولی امر باشد و وقف مقید به مسجد نباشد.

**۶۵۲-** اگر انسان در حرم چیزی پیدا کند نباید آن را بردارد، و اگر برداشت چنانچه کمتر از یک درهم باشد می‌تواند تملک کند، ولی اگر صاحبش پیدا شد باید آن را به صاحبش برگرداند. اگر ارزش آن یک درهم یا بیشتر باشد باید آن را نگه دارد و اعلام کند تا صاحبش پیدا شود یا به متصدیان مربوطه تحویل دهد یا از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهد.

۶۵۳ - استفاده از کفش‌هایی که هنگام نظافت حرم توسط مأمورین به خارج مسجد انتقال داده می‌شود، در صورت احراز رضایت یا اعراض مالک، مانع ندارد.

۶۵۴ - احتراز از آنچه موجب وهن مذهب و هتک حرمت اهل بیت و شیعه می‌شود لازم است.

۶۵۵ - انجام بعضی از محرّمات احرام حج و عمره مانند پوشیدن لباس دوخته، پوشاندن سر و زیر سایه رفتن برای مردان در صورت علم و عمد یک گوسفند کفاره دارد.

۶۵۶ - مستحب است قربانی محرّمات عمره در مکه و حج در منی ذبح شود. در صورت عدم تمکن می‌تواند در وطن انجام بدهد.

۶۵۷ - گوشت گوسفند کفاره باید به مصرف فقیر مسلمان غیر سید برسد.

۶۵۸ - در کفاره حیوان را باید ذبح کرد و آن را به صورت خام یا پخته بین فقرا تقسیم نمود. دادن حیوان به صورت زنده یا پرداختن پول کفاره به فقرا یا خریدن گوشت به مقدار کفاره و توزیع آن بین فقرا کفایت نمی‌کند، مگر فقیری را وکیل در خرید و ذبح و تقسیم بین مستمندان قرار دهد.

## آداب عمره

هر یک از مناسک عمره و حج مستحبات و آداب خاصی دارد که رعایت آن در فکر و اندیشه، و روح و روان ما تأثیر مثبت خواهد داشت.

### آداب حضور در میقات

خدای متعال را حمد و ثنا گوید و برای خود و مسلمانان دعا کند و دعاهای وارده را بخواند.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لِأَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقْوِينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَهُ وَ كَتَبْتَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ انْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَحَلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمُ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عَظَامِي وَ مَخْيِي وَ عَصْبِي، مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ»

هنگام پوشیدن جامهٔ احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي، وَ  
أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتَهُ فَبَلَّغَنِي،  
وَأَرَدْتَهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَلَنِي، وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ  
حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي  
وَ عِدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي»

### تلبیه مستحب

پس از گفتن تلبیه واجب بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَاً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ  
غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ  
ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ»

گفتن این جملات خوب است:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ،  
لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ»

## آداب ورود به حرم

هنگام ورود به حرم غسل کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: (وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رَجَالًا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ). اللَّهُمَّ أَنْتَ أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنَدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَ كُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ، وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

## آداب ورود به مسجد الحرام

هنگام ورود به مکه و دخول به مسجد الحرام نیز غسل کند و با پای برهنه و آرامش گام بردارد و از باب بنی شیبه وارد شود. بر در مسجد الحرام بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

طبق روایت دیگر بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ عَلَيَّ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلِّ ثَنَاءً وَ جَهْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زَوَارِهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي، فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»



پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

آنگاه بگوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»

سپس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند کند

و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَ أَمْنًا مُبَارَكًا، وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقُدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ»

سپس خطاب به کعبه بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ، وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَ أَمْنًا مُبَارَكًا، وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ»

محاذی حجرالأسود بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ،

آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»

و هنگام مشاهده حجرالأسود بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَ أَحْزَرَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ، وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ، وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ»

در روایت معتبر وارد است وقتی نزدیک حجرالأسود رسیدی دست‌ها را بلند کن، و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبر و دعا برای قبولی حج، حجر را ببوسد و استلام نماید. و اگر ممکن نشد به آن اشاره نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَاتِنِي أَدَاتِيهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهُدَتَهُ، لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَاَفَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ، وَاللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ

كُلُّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»

در بیان بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَبْحَتِي، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

## آداب طواف

(۱) در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي خَيْرًا»

(۲) همچنین در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي»

(۳) صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

۴) هنگام رسیدن به درب خانه کعبه بگوید:  
 «سَأَلْتُكَ فَفَيْرُكَ مَسْكِينُكَ بِيَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ  
 بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ  
 بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ  
 النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ»

۵) در مقابل حجر اسماعیل سر را به سمت ناودان بلند کند و بگوید:  
 «اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ،  
 وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ  
 شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ»

۶) چون از حجر بگذرد و به پشت در کعبه برسد، بگوید:  
 «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ  
 لِي، وَ تَقَبَّلُهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

۷) نزد رکن یمانی دست خویش را بلند کند و بگوید:  
 «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعَمَ  
 بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضَّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ،  
 يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
 ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ»

۸) پس به جانب کعبه بنگرد و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا  
وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ»

۹) بین رکن یمان‌ی و حجرالاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

۱۰) در شوط هفتم، وقتی به مستجار نزدیک رکن یمان‌ی رسید، مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند آمرزش بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد. بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ  
فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، اسْتَجِيرُ  
بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»

۱۱) پس از استلام رکن یمان‌ی طواف خود را ادامه دهد و تمام نماید. آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي»

۱۲) در هر شوط ارکان کعبه و حجرالاسود را استلام نماید و هنگام استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ»

شایان ذکر است بسیاری از این آداب و امور استحبایی طواف و دیگر مناسک در حال حاضر با توجه به کثرت جمعیت امکان پذیر نیست. بلکه موجب مشقت فراوان و مزاحمت دیگران است. حتی در برخی موارد شاید خلاف شرع باشد.

### آداب نماز طواف

پس از نماز طواف مستحب است حمد و ثنای الهی بگویند، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و چنین دعا کند:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَاءِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي»

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ، وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»

طبق بعضی روایات، حضرت صادق (ع) بعد از نماز طواف به سجده

رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَ جْهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ»

لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفُرْ لِي، فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ»

## آداب سعی

- ۱) پیش از سعی مقداری آب زمزم بیاشامد و مقداری بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:
 

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»
- ۲) از محاذی حجرالاسود با آرامش به سوی صفا برود.
- ۳) در صفا رو به رکن حجرالاسود بایستد و پس از حمد و ثنای الهی، هر یک از اذکار زیر را هفت مرتبه بگوید:
 

«اللَّهُ أَكْبَرُ» - «الْحَمْدُ لِلَّهِ» - «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
- ۴) سه بار بگوید:
 

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
- ۵) صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.
- ۶) سه مرتبه بگوید:
 

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»
- ۷) همچنین سه بار بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا  
إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

سپس چنین دعا کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

(۸) پس هریک از اذکار زیر را صد مرتبه بگوید:

«الله أكبر» - «لا اله الا الله» - «الحمد لله» - «سبحان الله»

(۹) در حین سعی این ذکرها و دعاها را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ  
الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ  
وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ  
أُظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»

(۱۰) بر فراز صفا و مروه رو به کعبه این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ،  
فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي  
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمْنِي وَ إِنْ تَعَذَّبْنِي فَانْتِ غَنِيٌّ عَنِّ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى  
رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا  
أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعَذَّبْنِي، وَ لَمْ تَظْلَمْنِي، أَصَبَحْتُ أَتَقِي  
عَدْلَكَ، وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي»



سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَأَلَهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَأَجْرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ»

(۱۱) هنگام شروع حرکت از صفا بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ  
عَلَيَّ الْعَفْوَ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرَدُّدُ عَلَيَّ  
نِعْمَتِكَ، وَأَسْتَعْمِلُنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ»

(۱۲) در حال هروله بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ  
اغْفِرْ وَ أَرْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَ أَهْدِنِي لِلَّتِي  
هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعَفْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ  
سَعْيِي، وَ بَكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ»  
«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النِّعْمَاءِ وَ الْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ  
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»

(۱۳) در نزدیکی مروه نیز بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَيَّ الْعَفْوَ، يَا  
مَنْ يَعْفُو عَلَيَّ الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ»

(۱۴) در پایان بکوشد با حالت انکسار اشکی بریزد و از خدای

متعال قبولی اعمال را درخواست نماید.

## آداب حج

### احرام حج

(۱) مستحبات احرام حج همان اموری است که در احرام عمره مستحب است.

(۲) محرم پس از خروج از مکه هنگام رسیدن به وادی ابطح بلند تلبیه بگوید و تکرار کند.

(۳) هنگام حرکت به سوی منی بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَ إِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي»

(۴) با آرامش در حالی که ذکر خدا بر زبان دارد، گام بردارد.

(۵) چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ

تَمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ»

(۶) هنگام حرکت به سوی عرفات این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ

تُبَارِكْ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي

بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي»

## آداب وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- (۱) با طهارت بودن در حال وقوف.
- (۲) غسل نمودن نزدیک ظهر.
- (۳) پرهیز از تفرق حواس و توجه دل به خدای متعال.
- (۴) وقوف شخص در زمین هموار طرف چپ پایین کوه.
- (۵) خواندن نماز ظهر و عصر به یک اذان و دو اقامه.
- (۶) تکبیر و تحمید و تسبیح و سوره توحید را به ترتیب صد مرتبه بخواند.
- (۷) دعا نماید و از شیطان رحیم به خدا پناه ببرد.

(۸) این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَ لَا تَخْذَعْنِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْضُوعَةً»

سپس حاجات خود را بخواهد.

(۹) آنگاه دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَنِي وَ إِنْ

مَنْعَتَيْهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بَعْلَمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي  
 لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ  
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ  
 اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَ عَمَلُهُ وَ أَطْلَتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً»

(۱۰) این دعا را نیز بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ  
 يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ  
 الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ  
 صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تُرَاتِي وَ بَكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ  
 قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدْرِ وَ مِنَ شَتَاتِ  
 الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ  
 وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي  
 وَ بَصَرِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَتِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي  
 وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْفَاكِ إِنَّكَ عَلَى  
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

(۱۱) در این روز به خیرات و صدقات اهتمام ورزد.

(۱۲) روبه کعبه این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ،

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

(۱۳) ده آیه اول سوره بقره، سوره توحید سه مرتبه، آیه الکرسی و

این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى

عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ

مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، أَدْعُوا

رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»

(۱۴) سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را

بخواند. پس خدای متعال را ضمن یادآوری نعمات و عنایات او حمد

و سپاس نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ»

(۱۵) آنگاه آیات مشتمل بر حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل را

تلاوت نماید. مانند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»  
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»  
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ  
 يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا»  
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»  
 «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»  
 «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ»

«سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»  
 «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»  
 «سُبْحَانَ اللَّهِ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»  
 «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»  
 «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»  
 «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»  
 «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»  
 «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»  
 «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»  
 «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا»  
 بر محمد و آل محمد زیاد صلوات بفرستد. و به هر یک از اسماء

الله از جمله آنچه در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند.  
 «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ  
 الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ  
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»

(۱۶) این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ  
 قُدْرَتِكَ وَ عَزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمْعِكَ وَ بَأَرْكَانِكَ  
 كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رُسُوكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ،  
 وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَ  
 بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرُدَّهُ، وَ  
 أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ»

(۱۷) ضمن عرض حاجت خویش از خداوند متعال بخواهد در

سال‌های بعد نیز توفیق حج به او عنایت فرماید.

هفتاد مرتبه بگوید:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»

پس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ

ادراً عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»  
 (۱۸) دعای امام حسین (ع) و دعای امام سجاد (ع) را در عصر روز  
 عرفه با حالت خشوع بخواند.

(۱۹) نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْأُمُورِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا  
 يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي  
 مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي  
 مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي،  
 يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَلْتَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْبَسْتَنِي عَافِيَتِكَ،  
 وَ اصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»

(۲۰) بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِيٍّ  
 مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا  
 لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ،  
 وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ أَحَدًا  
 مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِي  
 مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ»  
 و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتِنِنِي مِنَ النَّارِ»



## آداب وقوف به مشعرالحرام

(۱) هنگام غروب خورشید همراه مردم با آرامش و وقار از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کند و استغفار نماید، وقتی به تپه سرخ (کتیب احمر) رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي»

(۲) در مسیر حال دیگران و افراد ناتوان را رعایت نماید. طوری حرکت نکند که مزاحمت برای دیگران باشد.

(۳) نماز مغرب و عشاء را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را به یک اذان و دو اقامه به صورت جمع بخواند. اگر بداند قبل از نیمه شب به مزدلفه نمی رسد، تأخیر جایز نیست.

(۴) شب را به مقدار میسور به عبادت و ذکر و دعا مشغول باشد.

و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ»

(۵) پس از نماز صبح حمد و ثنای الهی بگوید و بر محمد و آل

محمد صلوات بفرستد.

(۶) آنگاه این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا، أَنْ تَقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي»

(۷) هفتاد ریگ برای رمی جمرات از مزدلفه بردارد.

(۸) هنگام حرکت از مزدلفه به سوی منی، وادی محسّر را به اندازه

صد قدم تندتر برود و در حین عبور بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ أَجِبْ دَعْوَتِي، وَ اخْلُفْنِي فِي مَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي»

## آداب رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

(۱) با طهارت بودن در حال رمی.

(۲) هنگامی که سنگ‌ها را در دست گرفته و آماده رمی است این

دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي، وَ ارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي»

(۳) هر سنگی را که پرتاب می‌کند تکبیر بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بَكْتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا»

۴) هنگام پرتاب، پنج تا هفت متر با جمره فاصله داشته باشد.

۵) جمره عقبه را پشت به قبله و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی کند.

۶) سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده، و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۷) پس از برگشتن به خیمه در منی، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى، وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

## آداب قربانی

چند چیز در قربانی مستحب است:

۱) در صورت تمکن قربانی شتر یا گاو باشد.

۲) قربانی بسیار فربه باشد.

۳) شتر و گاو ماده، گوسفند و بز نر باشد.

۴) هنگام نحر شتر از سر دست تا زانوی او را ببندند. شخص طرف راست او بایستد، و کارد یا نیزه و خنجر را به فرورفتگی گردن او فرو برد.

۵) در وقت ذبح یا نحر این آیات و دعا خوانده شود:  
 «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»

۶) خود انسان اقدام به ذبح کند و اگر نتواند دست خود را بالای دست ذابح بگذارد.

## آداب حلق

در حلق سه چیز مستحب است:

۱) از جانب راست جلو سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۲) موی سر خود را در منی دفن نماید.

۳) پس از حلق، ریش و شارب خود را کوتاه و مرتب نماید.

همچنین ناخن هایش را بگیرد.

## آداب طواف حج و سعی

مستحبات اعمال مکه همان مستحبات طواف و سعی در عمره

است. مستحب است برای طواف حج، در روز عید قربان به مکه بیاید

و بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمهُ لِي، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، اَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ اَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ اَوْمُ طَاعَتَكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ اِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ»

پس نزد حجرالاسود بیاید. در صورت امکان استلام نماید و آن را بیوسد. اگر ممکن نشد مقابل حجر تکبیر بگوید و طواف انجام دهد.

## باسمه‌تعالی

### نگاهی گذرا به اسرار و حکم اعمال حج

عمره و حج مراسم باشکوهی است که عشق و محبت، انفاق و ایثار، معرفت و شعور، تعهد و مسؤولیت، اخلاق و ارادت و بسیاری از ارزش‌های والای انسانی در آن تجلی و تبلور یافته است. بیشتر کسانی که توفیق تشریف به مکه‌ی مکرمه جهت اعمال حج و عمره پیدا می‌کنند، بسیاری از اسرار و معارف مناسک حج و عمره را نمی‌دانند و به ظواهر اعمال بسنده می‌کنند و از حقایق و لطایف آن غافل هستند. در حالی که عمره و حج تنها انجام یک سلسله اعمال خشک بی‌روح نیست. کسی که روح حج را دریافته باشد، لذت این عبادت را نخواهد چشید.

حج با حصول استطاعت در تمام عمر یک بار واجب می‌شود. استطاعت تنها جنبه‌ی مالی ندارد که انسان از زندگی مناسب برخوردار باشد و هزینه‌ی سفر را داشته باشد و هنگام بازگشت نیز از نظر مالی تأمین باشد بلکه استطاعت و تمکن طریقی و زمانی نیز مطرح است؛ یعنی باید هم راه باز باشد و هم از نظر زمانی فرصت کافی داشته باشد تا بتواند به موقع خود را به مکه برساند و اعمال را انجام بدهد. شایان ذکر است آنچه بر مکلف مستطیع و جوب پیدا می‌کند،

عنوان حجة الاسلام دارد و دارای دو بخش می باشد:

بخش اول، عمره‌ی تمتع نام دارد که شامل احرام در میقات، طواف کعبه، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و تقصیر می باشد.

بخش دوم، حج تمتع است که از ده عمل تشکیل می شود:

- ۱- احرام در مکه، ۲- وقوف در عرفات از زوال روز نهم ذیحجه تا مغرب، ۳- وقوف در مشعر شب دهم، ۴- رمی جمرات: رمی جمره عقبه، روز دهم و رمی هر سه جمره در روز یازدهم و دوازدهم. ۵- قربانی ۶- حلق یا تقصیر در روز دهم، ۷- بیتوته در منی شب یازدهم و دوازدهم، ۸- طواف زیارت، نماز طواف، ۹- سعی، ۱۰- طواف نساء و نماز طواف.

برای هر یک از مناسک احکامی وجود دارد که در بخش اول کتاب به تفصیل بیان شد. ما در این جا تنها به بیان برخی اسرار و حکم اعمال حج اشارتی می کنیم. امید که برای خوانندگان گرامی و مشتاقان این سفر معنوی سودمند واقع شود. چنانچه علاقمند به آشنایی بیشتر باشید می توانید به کتاب معارف و اسرار حج از تألیفات مؤلف مراجعه نمایید.

## احرام:

نخستین کاری که زائر خانه‌ی خدا باید انجام بدهد، مُحْرِم شدن از «میقات» است.

«احرام» در لغت به معنای بازداشتن خود از انجام کاری است. در اصطلاح خودداری از ارتکاب محرمات احرام است. میقات مکانی است که کسانی که قصد مکه دارند باید از آن جا محرم شوند و بدون احرام عبور از میقات جایز نیست. میقات کسانی که ابتدا به مدینه می‌روند و سپس رهسپار مکه می‌شوند مسجد شجره است و میقات ایرانیان مدینه بعد، جحفه می‌باشد. در احرام سه امر واجب است: «نیت، پوشیدن لباس مخصوص، تلبیه» در هر مورد توضیح مختصری داده خواهد شد.

## اسرار احرام

### الف) ایجاد آمادگی:

احرام نوعی آمادگی ذهنی و روحی لازم برای ورود به حریم حرم و پیدایش شور و شوق کافی برای دیدار یار می‌باشد. کسی که می‌داند باید در ضیافتی بزرگ از سوی شخصیتی برجسته که بدیل و نظیر ندارد و یکتا و بی‌همتا است شرکت نماید البته او پیش از آن نیز از نعمات و الطاف او بهره‌مند بوده است. اکنون می‌خواهد نعمت خویش را بر او تمام کند و لطف خود را در حق او به سر حد اعلیٰ برساند. چنین کسی خود را از هر جهت آماده می‌سازد، ظاهر و باطن خود را از هر آلودگی پاک می‌کند تا بیشتر مورد توجه میزبان قرار بگیرد و او را از الطاف و عنایات خویش برخوردار نماید. هم‌چنین می‌داند اگر خود را آن‌گونه که معبود می‌پسندد نیاراید،



مورد خشم واقع خواهد شد و مطرود و محروم خواهد گشت. از این روی امیدوار به لطف و ثواب الهی و ترسان از خشم و عقاب او خود را آماده‌ی دیدار می‌کند و با دو بال خوف و رجا و با حالت خشوع و خضوع به سوی او می‌رود. چنان که امام (علیه‌السلام) به این مطلب اشاره فرموده‌است: «و وفادتهم الیه راجین ثوابه، راهیین من عقابه»<sup>۱</sup>

### ب) تقویت نیروی اراده:

شخص محرم با تحریم اختیاری محرمات احرام که در غیر حال احرام، مباح بلکه ضروری است به تقویت نیروی اراده‌ی خویش می‌پردازد. بیشتر محرمات احرام از نظر شرع، عقل و عرف فی حد نفسه حرمت، قباحت و کراهتی ندارد، بلکه برخی از آنها برای زندگی بشر لازم و ضروری است. تنها سه مورد استمناء، سوگند دروغ و فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است. ولی خداوند می‌خواهد با تحریم آنها، اراده‌ی بشر را تقویت نماید تا در برابر هوی و هوس مقاوم شوند و این حقیقت را به طور عملی و تجربی به اثبات برسانند. ای انسان، تو که می‌توانی خود را از آنچه مباح است، حفظ کنی؛ به طور قطع قادر خواهی بود دست رد به سینه‌ی همه‌ی محرمات بزنی و از ارتکاب حرام در همه حال باز ایستی. خود را از خواهش‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی رها سازی و در مسیر طاعت و عبادت الهی قرار گیری.

### ج) مقام انقطاع:

انسان باید به خدا دل ببندد و از غیر او دل بکند. ریشه‌ی وابستگی به امور مادی و دنیوی را براساس آگاهی و آزادی بخشکاند. پیش از آن‌که او را به جبر و اکراه از دنیا ببرند، خود با میل و اختیار از علایق مادی برهد و با تقویت جنبه‌ی معنوی خویش از اسارت دنیا آزاد گردد. «موتوا قبل ان تموتوا؛ بمیرید پیش از این که بمیرید»<sup>۱</sup> اشاره به همین نکته دارد.

همان‌طور که نسبت انسان هنگام مرگ از همه‌ی متعلقات قطع می‌شود، در حج نیز با بریدن از مال و مقام، خانه و وطن، همسر و فرزند، قوم و خویش، زر و زیور، خود را از غیرخدا جدا می‌سازد و با خدا آشنا می‌شود، پیام او را می‌شنود و اجابت می‌کند. با احرام دل به دلدار می‌دهد و تمام محبت خود را نثار حق می‌کند. خانه‌ی دل را به روی بیگانه می‌بندد و به او اختصاص می‌دهد. زیرا در یک دل، دو محبوب نگنجد. خداوند متعال به داوود پیامبر فرمود: «انی حرّمت علی القلوب ان یدخلها حبی و حب غیری»<sup>۲</sup> من بر دل‌ها حرام کردم که محبت من و محبت دیگری در آن داخل شود. «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک»؛ خدایا، به من توفیق بده تا از همه چیز به سوی تو هجرت کنم. چنین نباشد که بدون آمادگی بخواهیم وارد حرم شویم. بدون این که کاری فراخور این راه کرده باشیم تا محبوب را از خود خشنود سازیم.

۱- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵۹

۲- مصباح الهدایه، عزیزالدین کاشانی، ص ۴۰۷

## حکمت تعویض لباس

همان‌طور که اشاره شد، وقتی انسان به میقات رسید، نخستین عمل برای عمره باید انجام پذیرد. اولین عمل عمره، احرام است. تحقق احرام به این است که به قصد عمره با خلوص نیت، لباس‌های معمولی را از تن بیرون آورد و لباس ویژه‌ی احرام بپوشد، سپس تلبیه بگوید. اکنون به بیان سه نکته در این خصوص می‌پردازیم:

### ۱- تصحیح ملاک انتخاب:

پیش از احرام و حضور در میقات، ملاک در انتخاب در وضعیت ظاهر و تعیین کمیت و کیفیت پوشش بدن، پسند خود شخص است. انتخاب رنگ و جنس، نوع دوخت، کوتاه یا بلند، گشاد یا تنگ، ملاک زیبایی لباس از هر جهت تشخیص و تمایل خود فرد است.

ولی پس از حضور در میقات و قصد کوی یار برای توفیق حضور در حرم و وصال به محبوب، ملاک، پسند خدا است. خود را باید فراموش کند. همه چیز در پسند محبوب خلاصه می‌شود، نه پسند محب. محب، مطیع محض محبوب است. اراده‌ی او فانی در اراده‌ی حق است. هر چه خدا بخواهد، محب صادق همان خواهد و پسندد.

توجه به این نکته در آغاز مناسک، تحولی عظیم و عمیق در وجود انسان و ساختار معنوی او پدید می‌آورد. بنابراین تعویض

لباس نشانه‌ی تحویل ملاک انتخاب و تصحیح معیار گزینش است. هجرت از خود به خدا است. ترک خودپسندی و اهتمام به خداخواهی است.

## ۲- کندن لباس معصیت و پوشیدن لباس طاعت:

وقتی می‌خواهید به دیدار و مهمانی شخصیت برجسته‌ای بروید، لباس‌های کثیف را از تن بیرون می‌آورید و لباس تمیز می‌پوشید ولی باید بدن را نیز از آلودگی‌ها پاک ساخت. در غیر این صورت در فاصله‌ی کوتاهی لباس تمیز کثیف می‌شود.

حاج و معتمر هنگامی که می‌خواهد برای ضیافت به سوی بیت‌الله حرکت خود را آغاز نماید، باید لباس دنیوی آلوده به گناه را بیرون آورد و لباس پاک نیالوده بپوشد. ولی میان این لباس کندن و لباس پوشیدن باید غسل کند و خود را از آلودگی نفسانی پاک سازد. زیرا اگر چنین نکند و به آب توبه خود را شستشو ندهد و تطهیر ننماید، خیلی زود آلوده خواهد شد و قذارت نفس در افعال و اخلاق او ظاهر می‌شود. استخری را ملاحظه کنید. آب کثیف آن را خالی می‌کنید، اگر کف و دیوار آن را از گل و لای پاک نسازید و تنها با آب تمیز آن را پر کنید، خیلی زود گل و لای به جای مانده به آب سرایت می‌کند و آب استخر آلوده می‌شود.

پس با این بیان به حکمت غسل احرام در میقات نیز پی می‌بریم. بنابراین تعویض لباس برای احرام، اشاره به این حقیقت دارد که

حاجی در آغاز راه با این عمل می‌خواهد اظهار نماید: «خدایا، لباس معصیت را از تن بیرون کردم و لباس طاعت پوشیدم. پس مرا در ترک معاصی و انجام طاعات، توفیق عنایت فرما.»

### ۳- ارزیابی خویش:

خود و دیگران را فریب مده. مبدا لباس ظاهر حقیقت انسانی تو را بپوشاند. از پوست خود بیرون بیا و مغز را دریاب. خواجه عبدالله انصاری گوید: «از خود بیرون آی چون مار از پوست.»<sup>۱</sup> آری، هم‌چون مار پوست بینداز و با تولد ثانوی، زندگی از سر گیر و حیاتی دوباره آغاز کن.

چشم مردم به ظاهر و لباس تو است. نوع لباس، مردم را به گروه‌های مختلف اجتماعی تقسیم می‌کند. انسان به ظاهر و لباس مشخص و متمایز می‌شود. لباس موجب می‌شود تا از حقیقت خویش و گوهر وجود خود غافل شوی و آن را با امور دنیوی و مادی ارزیابی کنی. ارزش تو به لباس گران‌قیمت تو نیست؛ به انسانیت تو است.

اگر انسان باشی، ارزش‌داری، هرچند ساده‌ترین و کم‌بهاترین لباس را بر تن داشته باشی و اگر انسان نباشی، تمام ارزش تو به اندازه‌ی قیمت لباس تو است. پس لباس، مردم را به اصناف و افراد تجزیه و تقسیم می‌کند و این برخلاف آیین توحید است. منیت‌ها را کنار بگذار تا من‌ها ما شوند و قطره‌ها دریا گردند.

## اسرار تلبیه

درباره‌ی رمز و راز لیبیک گفتن، برای تحقق احرام در میقات باید سه نکته مورد توجه قرار بگیرد.

### الف) اعلام وفاداری:

یکی از حکمت‌های گفتن لیبیک هنگام احرام این است که حاجی اعلام می‌دارد: بار اله‌ها، اگر در گذشته کسانی بودند که دعوت حق را اجابت نکردند و از اسلام اعراض نمودند و در برابر حق به ستیز برخاستند و بر کفر و شرک خود اصرار ورزیدند، اکنون ما آمدیم تا با فریادی رسا با همه‌ی وجود اعلام کنیم ما سر تسلیم و خضوع در برابر عظمت الهی فرود آوردیم.

ما دعوت الهی را لیبیک می‌گوییم. ما به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت محمد بن عبدالله و خلافت علی بن ابیطالب و امامت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت گواهی می‌دهیم و از کفر، شرک و نفاق، الحاد، ارتداد و التقاط، بیزاریم. ما بنده‌ی تو هستیم تا از بندگی غیر تو آزاد باشیم و مظاهر مادی و چهره‌های زر، زور و تزویر نتواند ما را به اسارت درآورد و برده‌ی خویش سازد.

ما پیرو ابراهیم حنیف و رسول خاتم، دو بت شکن بزرگ تاریخ، هستیم. ما زبان به ثنای ناکسان و ناهلان نمی‌گشاییم و در برابر ملحدان و مفسدان، سر کرنش فرود نمی‌آوریم. ما سلطه‌ی غیر خدا را نمی‌پذیریم و از طواغیت و شیاطین فرمان نمی‌بریم.

ما چون سربازی آماده و جان بر کف گوش به فرمان تو هستیم. آمادگی خود را تا سر حد نثار جان در راه تو اعلام می‌داریم و از هیچ قدرتی نمی‌هراسیم.

### ب) اظهار طاعت و ترک معصیت:

اگر تا این ساعت بنده‌ی خوب و فرمان‌برداری نبوده‌ایم، اکنون آمده‌ایم تا مراتب اطاعت و انقیاد خود را در برابر اوامر و نواهی تو اعلام بداریم و از تمرد و معصیت دست برداریم. تمام وجودمان در برابر عظمت تو خاضع و خاشع، تسلیم و منقاد است.

تلییه، پاسخ مثبت به ندای توحید و جواب منفی به غیر او است: خدایا! این جا با تو پیمان می‌بندم زبانم را در جهت رضای تو به حرکت درآورم و از گفتن آنچه تو راضی نیستی، باز دارم. راستی و درستی پیشه سازم. از سخنان کفرآمیز و شرک آلود، مکر و خدعه، غیبت و تهمت، دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی خودداری کنم. آمده‌ام تا در پیشگاه تو متعهد شوم اکنون که می‌خواهم به حرم امن پای گذارم و آن جا همه در امان هستند و هیچ کس حق تعرض و تعدی به کسی و چیزی ندارد، حتی گیاهان و حیوانات حرم امنیت دارند، امنیت همه‌ی اعضا را که پیوسته از من احساس خطر می‌کنند و به تو شکایت می‌آورند، تأمین نمایم و بستر را برای انجام وظیفه‌ی دیگر اعضا فراهم سازم تا همه در مسیر اطاعت و عبادت قرار بگیرند.

### ج) اجابت دعوت:

هنگامی که ابراهیم خلیل از ساختن خانه‌ی کعبه فارغ شد، خداوند متعال به او خطاب فرمود: «وَ اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا»<sup>۱</sup> به این ترتیب او مأموریت یافت مردم را برای حج دعوت کند. اظهار داشت چگونه صدایم را به گوش آنان برسانم. فرمود: «عَلَيْكَ الْاِذَانُ وَ عَلَيَّ الْبَلَاغُ» تو اعلام کن، من به گوش همگان خواهم رساند. پس ابراهیم ندا داد و پیام او به همه رسید. «فَاقْبَلِ النَّاسُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ يَلْبُؤْنَ فَلِذَلِكَ جُعِلَتِ التَّلْبِيَةُ»<sup>۲</sup> مردم از هر سوی به مکه روی آوردند در حالی که تلبیه می‌گفتند. به این خاطر تلبیه در حج، قرار داده شده است.

## محرمات احرام

### حکمت کلی

همین که حاجی به نیت عمره یا حج لبیک بگوید، محرم می‌شود و ۲۴ چیز بر او حرام می‌گردد. در بیان حکمت محرمات احرام، ۴ امر را می‌توان، مطرح نمود:

الف) التفات به خدا: انسان در حال عبادت باید تمام توجهش معطوف به معبود باشد و از هرچه او را به خود متوجه می‌سازد، روی گرداند. از این رو، از استعمال عطر، سرمه کشیدن، زینت

۱- سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۹، ح ۲۰





## اسرار طواف

درباره‌ی اسرار و حکم طواف به نکات متعدد می‌توان اشاره نمود:

### الف) یافتن حقیقت:

هرکس بر اساس شناخت خویش از جهان و انسان گمشده‌ای دارد و تلاش می‌کند، گمشده‌ی خویش را بیابد؛ ولی هنگامی که آن را می‌یابد برخلاف انتظار که باید آرام بگیرد ملاحظه می‌شود، هم‌چنان نا آرام و بی‌قرار در جست‌وجو می‌باشد. احساس می‌کند آنچه را به دست آورده، گمشده‌ی حقیقی او نیست. انسان هرچه را مطلوب خود بداند در راه تحصیل آن سر از پا نمی‌شناسد. تمام همت خود را معطوف آن می‌کند. ولی هنگامی که آن را به دست می‌آورد، می‌بیند او را ارضا نمی‌کند و بیشتر می‌خواهد.

کسانی که بینش مادی دارند، گمشده‌ی آنان ثروت و قدرت است، ولی هر اندازه بیشتر می‌یابند، حرص و طمع آنان بیشتر می‌شود و خواسته‌ی آنان حد و مرزی ندارد. گمشده‌ی برخی ممکن است، علم و معرفت باشد. طالبان حقیقی علم و معرفت نیز برای مطلوب خود نهایت و غایتی نمی‌شناسند. همه در ناآرامی به سر می‌برند و در صدد یافتن گمشده‌ی خویش هستند.

گمشده‌ی حقیقی، خداوند سبحان است که غنی مطلق، قدرت مطلق و علم مطلق است و تنها با اتصال به آن مبدأ، آرامش برای انسان حاصل می‌شود. از این رو گفته‌اند خداجویی فطری است و انسان به مقتضای فطرت پیوسته به دنبال یافتن گمشده‌ی خویش است. گمشده‌ی واقعی انسان، حقیقت است.

بنابراین باید حداقل یک طواف به جا آوری. اگر پس از آن احساس نکردی که گم‌شده‌ی خود را یافته‌ای، طواف خود را تکرار کن. هر نوبت که به مسجدالحرام می‌روی و چشمت به خانه می‌افتد، بگرد و بچرخ تا صاحب خانه را پیدا کنی. به همین خاطر مستحب است به تعداد هفته‌های سال طواف کنی. به ملاحظه‌ی این که هفته ۷ روز و طواف ۷ شوط است، این استحباب به این نکته دلالت می‌کند که هر روز باید دنبال حقیقت باشیم و تا به حقیقت نرسیم، از حرکت و جست‌وجو باز نایستیم.

### ب) مدار توحید:

تمام موجودات، از کوچک‌ترین ذره تا بزرگ‌ترین کره، حول یک محور می‌چرخند و از مسیر حرکت خود تخلف ندارند و همواره در مدار خاص معین سیر می‌کنند. تو ای انسان، باید با همه‌ی موجودات ریز و درشت، کوچک و بزرگ جهان، هماهنگ باشی. باید تمام برنامه‌های اختصاصی و اجتماعی خود را بر مدار توحید و نظم جهان هستی قرار دهی. باید خداگونه باشی. رنگ خدایی به خود بگیری. آینه‌ی تمام‌نمای صفات ربوبی شوی. اوصاف جمال و جلال حق در وجود تو تجلی یابد. با این تفاوت که دیگر موجودات به طور اضطراری و ناخودآگاه در بستر خاص خود حرکت می‌کنند ولی ما باید به صورت اختیاری و آگاهانه راه خویش را انتخاب کنیم و در صراط مستقیم قرار بگیریم و بدون انحراف و توقف به سوی مقصد بشتابیم.

### ج) طواف دل:

«طواف» صرف چرخیدن به دور کعبه نیست. زیرا بت پرستان و مشرکان نیز چنین می‌کردند. آنچه طواف یکتا پرستان را از طواف دیگران ممتاز می‌سازد، توجه به حقیقت طواف است. از این رو نباید به ظاهر بسنده کرد و از اسرار و حکم نهفته در مناسک غفلت نمود. حج ابراهیمی به این معناست که پیوسته توحید و ولایت حق مورد التفات و التزام باشد و با نفی شرک و سلطه‌ی طاغوت، بستر مناسب برای رشد و تعالی بشر فراهم آید.

آری، طواف حقیقی چرخش ظاهر بر گرد ظاهر نیست. بلکه باید باطن نیز هماهنگ با ظاهر حول باطن بیچرخد. جسم، ظاهر قلب و قلب، باطن جسم است. کعبه ظاهر بیت‌المعمور و بیت‌المعمور باطن کعبه است. نباید به طواف جسم بر گرد خانه‌ی سنگی بسنده نمود؛ بلکه باید توجه داشت طواف حج و عمره ظهوری از طواف دل برای صاحب‌خانه است.

طواف کعبه‌ی دل کن اگر دلی داری

دل است کعبه‌ی معنی، تو گل چه پنداری

\*\*\*

عارفان، اوّل طواف کعبه‌ی جان می‌کنند

پس طواف کعبه با فرمان یزدان می‌کنند

کعبه جهت و قبله است؛ ولی چون به کعبه رسیدی باید از آن

روی به سوی صاحب‌خانه کنی و دل به دلدار متوجه شود. کعبه نشانی

بیش نیست. اکنون که ره را یافتی باید احرام دیگری بربندی. لباس تقوا بپوشی و به سوی معبود اوج گیری، بالا روی تا به قرب حق واصل گردی.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

شاید رمز حرکت از طرف چپ در طواف همین نکته باشد که طواف حقیقی، طواف دل است و قلب طرف چپ واقع شده است. هرچند مراد قلب صنوبری نیست. ولی بدون تردید، آثار عشق و محبت مانند ترس و وحشت در همین قلب نیز انعکاس دارد. به علاوه باید حرکت خود را با حرکت آفرینش هماهنگ سازیم. همه‌ی ذرات درون خود حرکت دارند و حرکت الکترون بر گرد هسته از چپ به راست می‌باشد.

### اسرار نماز طواف

پس از این که طواف را تمام کردی، باید پشت مقام ابراهیم که در حال حاضر در فاصله‌ی حدود ۱۳ متری دیوار کعبه و مقابل در خانه قرار دارد، به نماز ایستی و به نیت نماز طواف با قصد قربت و خلوص نیت و صحت قرائت و حضور قلب، دو رکعت نماز به جای آوری. «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً»<sup>۱</sup>

آنچه از اسرار و حکم در نماز وجود دارد در نماز طواف نیز، مطرح

است.<sup>۱</sup> ولی نکته آن است که نمازهای دیگر در هر مکانی خوانده شود، قبول است. ولی این نماز باید در مکان خاص به جا آورده شود، در غیر این صورت مجزی نخواهد بود. از این رو اسرار مخصوص به خود دارد. به سه نکته در این باره، اشاره می‌شود:

الف) این نماز به منظور شکر نعمت توفیق زیارت بیت‌الله و اظهار مراتب سپاس و خاکساری و نهایت خضوع در برابر عظمت خداوند سبحان است. مبدا به واسطه‌ی تشرف به خانه‌ی خدا، استلام حجر، دست بیعت دادن با دست خدا در زمین و نیرو گرفتن از حضرت حق دچار غرور شوی و خود را از همه برتر و بالاتر بدانی. نه، هرگز چنین مباد. هر که هستی و هرچه هستی، حتی اگر در مقام ابراهیم خلیل الرحمن بانی کعبه و منادی توحید باشی، باز عبدی و بنده‌ی اوئی. پس باید مراتب عبودیت را در بهترین شکل آن یعنی نماز، اظهار نمایی.

ب) باید باور داشته باشی که توحید بدون امام حقیقت ندارد و حج بدون امامت شرک است. پس هیچ‌گاه در هیچ کاری بر امام خود پیشی مگیر. همواره پشت سر امام زمان خود قرار بگیر و از مقام امامت فاصله مگیر و عقب نمان؛ زیرا هرکس بر امام خود سبقت بگیرد یا عقب بیفتد و ملازم او نباشد، هلاک گردد. چنان که در صلوات شعبانیه می‌خوانیم: «المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق» یعنی: کسی که از رهبرش جلو بیفتد از دین خارج شده است. کسی که

---

۱- علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به کتاب **اسرار نماز** از آثار نویسنده مراجعه نمایند.

از رهبرش عقب بیفتد و به او پشت کند، هلاک خواهد شد. کسی که ملازم رکاب امام باشد، همواره با امام خویش خواهد بود.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای روز عرفه به پیشگاه ربوبی عرضه می‌دارد: «خدایا در هر دوره‌ای دینت را به وسیله‌ی امامی تأیید نمودی و او را پرچم و نشانه‌ای برای هدایت بندگانت قرار دادی و اطاعت او را بر مردم واجب ساختی و از معصیت او برحذر داشتی. «وَأَمَرْتُ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ وَ الْإِتِّهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ أَنْ لَا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ»<sup>۱</sup> به امتثال اوامر او و باز ایستادن در موارد نهی فرمان دادی و این که کسی بر او پیشی نگیرد و از او پس نیفتد و عقب نماند.

ج) نماز طواف نزد مقام به مفهوم گام نهادن جای پای حضرت ابراهیم است. یعنی باید چون ابراهیم مشی کنی. او بت شکن بود و آزاد از رقیت طواغیت و تبعیت شیطان. او فانی در حق بود. از فرزندش اسماعیل گذشت. برای امتثال فرمان خدا همسر گرامی و یگانه فرزند خردسالش را در بیابانی بی آب و گیاه تنها گذاشت. دل به او داد و آن دو را به او سپرد.

تو نیز مرام ابراهیم را برگزین و پشت سر ابراهیم بایست. با خدای خویش ارتباط برقرار کن و با خشوع و خضوع تمام، اظهار نما؛ من می‌خواهم مانند ابراهیم خلیل باشم و او را اسوه‌ی خویش سازم. خداوندا مرا یاری فرما تا بنده‌ی تو باشم و از بردگی غیرتو آزاد گردم و جز در برابر تو، سر تسلیم و تعظیم فروود نیاورم.

۱- صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۰

چنان که خداوند متعال حضرت ابراهیم را اسوهی اهل ایمان قرار داده است. حدود ۷۰ مرتبه بر نام او در قرآن مجید تصریح شده است. سوره‌ای نیز به نام او نام‌گذاری و در ۲۵ سوره از او یاد شده است. این بیانگر مقام و منزلت آن پیامبر بزرگ الهی است.

### اسرار سعی

پس از طواف و نماز آن باید سعی کرد. به این ترتیب که با قصد قربت ۷ بار مسیر صفا تا مروه را پیمود. سعی از صفا شروع و به مروه ختم می‌شود. برای بیان اسرار و حکمت سعی، سه نکته را یادآور می‌شویم، امید است مورد توجه خوانندگان قرار بگیرد.

۱- انسان بدون سعی و تلاش به مقصد و مطلوب نمی‌رسد. «ان لیس للانسان الا ما سعی»<sup>۱</sup> سعی بشر در دنیا در جهت توحید ضایع نمی‌شود.

«ان الله لا یضیع اجر المؤمنین»<sup>۲</sup>

«ان الله لا یضیع اجر المحسنین»<sup>۳</sup>

«انا لا نضیع اجر المصلحین»<sup>۴</sup>

خداوند منان، اجر اهل ایمان و افراد نیکوکار و صاحبان عمل صالح

۱- سورهی نجم، آیهی ۳۹

۲- سورهی توبه، آیهی ۱۲۰

۳- سورهی آل عمران، آیهی ۱۷۱

۴- سورهی اعراف، آیهی ۱۷۰



را تباه نمی‌سازد البته اگر جهتی غیرخدایی داشته باشد هر حرکت و تلاشی عبث و بیهوده است و نتیجه‌ی مطلوب در پی نخواهد داشت.

۲- سعی نشانی از عالم محشر است. ای انسان سرگردان تو که گاهی دوان دوان و شتابان گام برمی‌داری و سراسیمه برای نجات خود از مهالک به این سو و آن سو می‌روی، اندکی به یاد قیامت باش. در دنیا چنان کار کن که در آخرت، ایمن باشی و به آنچه می‌خواهی، دست‌یابی. فرمود: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مُقَامِكَ فِيهَا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا»؛ برای دنیایت به اندازه‌ای که در آن اقامت داری تلاش کن و برای آخرت به اندازه‌ای که در آن جا خواهی ماند، فعالیت داشته باش.

۳- هاجر بر فراز صفا ندا داد: «هل من انيس؟» کسی پاسخ نداد. بر فراز مروه فریاد برآورد «هل من انيس؟» پاسخ نشنید؛ آن زمان که از همه دل برید و بر خدا دل بست و توجه و توکل بر او کرد، به مقصد رسید و خواسته‌اش برآورده شد.

پس تو ای خواهر و برادر ایمانی که به حج آمده‌ای، بدان سعی تو باید در جهت توحید باشد، پس بر او توکل کن تا به خواست خویش برسی، در غیر این صورت هرگام که برداری از مقصد دورتر می‌شوی و هدف را گم می‌کنی.

چون هاجر ۷ بار فاصله‌ی بین صفا و مروه را پیمود، برای بزرگداشت آن خاطره و پاس داشتن تلاش یک مادر در راه حمایت از فرزند، باید ۷ بار این مسافت طی شود. تکرار عمل با مراقبت بیشتر

از پیش‌تر و خلوص تمام و التفات کامل به طور قطع موجب حصول نتیجه‌ی مطلوب خواهد شد؛ پس سعی کن تا به هدف برسی.

### اسرار تقصیر

پس از انجام سعی، نوبت به تقصیر می‌رسد که آخرین عمل عمره‌ی تمتع می‌باشد. «تقصیر» عبارت است از این که حاجی با قصد قربت مقداری از موی سر یا صورت یا ناخن را کوتاه کند. حاجی پس از تقصیر از احرام عمره بیرون می‌آید و آنچه بر او به واسطه‌ی احرام حرام شده بود، حلال می‌شود. مگر صید که تا هر زمان در حرم باشیم، حرمت آن به قوت خود باقی است و پس از خروج از محدوده‌ی حرم مباح خواهد بود.»

الف) هر خیال باطلی در سر داری، از سر بیرون کن. فقط اندیشه‌ی توحید در سر داشته باش و جز او به چیزی میندیش. از آنچه دلت می‌خواهد و نفس تو را به آن سوی می‌کشاند و از هدف اصلی و حقیقت دور می‌سازد، دست بردار. به هوی و هوس‌ها پایان بده، جز آنچه خدا می‌خواهد چیزی نخواه که سعادت تو، در این راه است.

ب) آرزوهای دور و دراز، تو را به دنیا سرگرم می‌سازد و از پیمودن راه حق، باز می‌دارد. آمال طولانی دنیوی، منشأ فساد و تباهی، شقاوت و هلاکت است. پس با «تقصیر» آرزوهای خود را کوتاه کن، زیرا عمر سفر کوتاه است و به زودی باید از دنیا به سرای دیگر بروی و از همه‌ی خواسته‌ها و داشته‌های خود، درگذری و قادر نخواهی بود

چیزی با خود همراه ببری.

ج) زواید بی مصرف را از زندگی حذف کن. لوازم اضافی را رها کن. از تجملات بپرهیز. از همه‌ی علایق دل برکن. سبک‌بال شو و خود را از آنچه آدمی را به زنجیر اسارت می‌کشد، خلاص کن. اندیشه و محبت دنیا را از سر و دل بیرون کن تا محبت خدا در آن جای گیرد که دو محبت در یک دل ننگند.

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ أَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا؛ اگر خدا را دوست دارید، محبت دنیا را از دل‌هایتان، بیرون کنید.»<sup>۱</sup>

### حج تمتع

حاجی پس از چند روز اقامت در مکه بار دیگر به قصد حج تمتع در مکه محرم می‌شود. زمان احرام باید به گونه‌ای باشد که بتواند زوال روز نهم ذی‌الحجه در سرزمین عرفات حضور یابد. به طور معمول از روز هشتم ذی‌الحجه، مرحله‌ی دوم اعمال شروع می‌شود و مجموع این اعمال را حج تمتع می‌گویند و مرکب از ده عمل است.

برای احرام حج تمتع، نیازی به میقات رفتن نیست. زیرا با طی مراحل در عمره، آمادگی لازم و کافی را پیدا کرده است. در مکه هر جا منزل کرده است، میقات او به شمار می‌آید و می‌تواند از همان‌جا، محرم شود. لباس احرام بپوشد و به قصد حج تمتع، لبیک بگوید. البته

۱- غرر و درر، ج ۱، ف ۱۰

بهبتر است در صورت امکان از مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل یا هر جای مسجدالحرام محرم شود.

در هر حال، باید فرصت را مغتنم شمرد. شاید در تمام عمر یک بار توفیق تشرف نصیب کسی بشود. یک روز عرفات، یک شب مشعر، سه روز و دو شب منی، یکی دو هفته مکه و مدینه. گام در محیطی گذاشته‌ایم که محل تردد فرشتگان، فضای تنفس بندگان برگزیده‌ی خدا، انبیا و اولیا، خوبان و پاکان است. این فرصت به لحاظ زمان و مکان بسیار ارزشمند است. باید قدر بدانیم و اوقات خود را به بطلات نگذرانیم.

### اسرار عرفات

الف) این‌جا سرزمینی است که آدم در این‌جا به گناه خویش اعتراف کرد و خدا او را بخشید و مشمول رحمت خویش قرار داد. باید دانست نخستین گام توبه، اعتراف به گناه است. پس روز عرفه در عرفات در حالی که کفن پوشیده‌ایم و خود را مهیای سفر آخرت ساخته‌ایم و گویی آخرین لحظات عمر ماست و فرصت دیگری برایمان باقی نمانده است و تا ساعتی دیگر باید به سرای باقی شتافت، باید ضمن اعتراف به گناهان خود، به پیشگاه الهی توبه و استغفار کنیم و به رحمت پروردگار، امیدوار باشیم که ما را ببخشاید و توفیق اطاعت عارفانه و عبادت خالصانه به ما مرحمت فرماید.

امام صادق(علیه‌السلام) فرمود: «وَأَعْتَرَفَ بِالْخَطَاءِ بِالْعَرَفَاتِ وَ جَدِّدَ

عَهْدَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ تَقَرَّبَ إِلَيْهِ»<sup>۱</sup>

در عرفات به گناهان و خطاهای اعتراف کن و پیمان خود را مبنی بر پرستش خدای یگانه تجدید کن و به او تقرب بجوی.

امام سجاد (علیه السلام) آرزوی حضور در این سرزمین مقدس را دارد: «وَلَا تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ»<sup>۲</sup>

ب) این جا محل تجمع انبوه حاجیان کفن پوش است. این جا اردوگاه سربازان بی نام و نشان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. این جا محل استقرار موقت سپاه توحید برای یک دوره‌ی آموزشی فشرده به منظور آمادگی کامل ذهنی و روحی در انجام فرمان الهی به نحو احسن است.

این جا با ایجاد ارتباطات سالم میان افراد، قطع نظر از خصوصیات فردی و قومی، همبستگی مسلمانان متجلی می شود و تسلیم بودن در برابر قانون بدون هرگونه تبعیض تمرین می شود. تا همه بدانند همگان در برابر قانون الهی برابر هستند و حسب و نسب و درجه و منصب نقشی ندارد؛ هر کس بیشتر تسلیم باشد و بهتر به وظیفه‌ی خود عمل نماید، نزد خدا والاتر و گرامی تر است.

خطبه‌ی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در عرفات و صدور اعلامیه‌ی حقوق بشر در ۱۴ ماده بسیاری از موارد را روشن می سازد. (ج) کسی که می داند روز دهم در چه میدانی و در برابر چه دشمنی

۱- مصباح الشریعه، باب ۲۱

۲- دعای ابو حمزه ثمالی

باید حضور پیدا کند، باید به اصلاح خویش پردازد. با اعتراف به لغزش‌ها و شناخت وظیفه، خود را از گرد و غبار معصیت پاک سازد. باید با زدودن آثار سوء گناهان، روح خود را آزاد سازد. بار سنگین گناه را زمین بگذارد و خود را سبک‌بال کند و از هر جهت آماده شود. باید صلاحیت حضور در میدان نبرد را در خود ایجاد نماید. ذره‌ای شک و تردید در حقانیت راه و هدف خود به دل راه ندهد. دل را از تمنیات نفسانی و وسائس شیطانی، پاک سازد. دل به خدا بندد و از غیر او دل برکند و خود را به او سپارد.

### اسرار مشعر

درباره‌ی اسرار وقوف به مشعر نیز سه نکته را یادآور می‌شویم:  
 ۱- آنچه را در روز دیده و شنیده و دانسته است، بازیافت می‌کند و به صورت باور در می‌آید و از ذهن به قلب منتقل می‌شود. آن‌گاه احساس تکلیف می‌کند و خود را شبانه برای انجام وظیفه آماده می‌سازد.

اکنون او حقیقت را با تمام وجود شناخته و یافته است و عشق به حق در قلبش جای گرفته و جز به محبوب نمی‌اندیشد و چیزی در سر نمی‌پروراند. پیوسته متذکر محبوب است و نام او را بر زبان دارد. از فکر و ذکر او لحظه‌ای غفلت ندارد. چگونه می‌تواند به دربار دوست راه یابد. همه چیز فراهم است.

تنها دو مانع اساسی وجود دارد که باید از سر راه برداشته شود.

یکی دشمن درونی یعنی نفس اماره بالسوء و دیگری دشمنی بیرونی یعنی شیطان و طاغوت زمان. پس خود را شبانه آماده می‌سازد و به سلاح مناسب مجهز می‌نماید. از ساده‌ترین سلاح ممکن، بهره می‌گیرد و به جمع‌آوری سنگریزه‌های بیابان در تاریکی شب با یاد خدا و امید به وصال محبوب، اقدام می‌ورزد.

۲ - اکنون حاجی با شناختی که پیدا کرده است و به عرفان و شعور رسیده است، تنها در آرزوی باریافتن به درگاه خداوند سبحان است. به این خاطر در تمام طول شب با اصرار و الحاح از او می‌خواهد که او را به حضور بپذیرد و اجازه‌ی ورود به حرم داده شود تا در کنار محبوب آرام گیرد.

ولی محبوب می‌گوید: ای عزیز، برای این که توفیق حضور شامل حال تو شود و اذن دخول به تو داده شود، باید برخی حجاب‌ها را کنار بزنی. دشمن مرا از خود برانی و نسبت به او در قول و عمل برائت بجویی و خود را با قربانی کردن و بریدن رگ حیات هوای نفس به من نزدیک سازی و با «حلق» خود را عبد محض من گردانی و با «تقصیر» آرزوی غیر مرا از سر بیرون کنی. چون به مقام بلند بندگی نایل گشتی، تو را می‌پذیرم و هرچه خواهی به تو عطا می‌کنم. کنار سفره‌ی گسترده‌ی خویش می‌نشام و لطف و کرم را بر تو تمام می‌گردانم.

۳ - فردا روز مبارزه است. پیکاری سخت پیش‌رو داریم. صبح روز دهم، سپاه توحید به طور منسجم در صفوف فشرده و مستحکم

به سوی میدان نبرد با دشمن در سرزمین منی حرکت می‌کند و توان رزمی و نیروی میلیونی و قدرت و عظمت خویش را در برابر دیدگان مردم جهان به نمایش می‌گذارد و از هیچ فداکاری دریغ نمی‌ورزد. پیروزی بر دشمن درون (نفس) و بر خصم برون (شیطان) به شناخت عمیق، باور قلبی و ایمان راسخ احتیاج دارد. بدون معرفت و ایمان نمی‌توان در این میدان پرخطر پای گذاشت. اگر حریف دشمن نشوی او برای همیشه بر تو تسلط خواهد یافت و طوق بندگی او را باید به گردن آویزی و تا پایان عمر با خواری و ذلت به سربری. پس در عرفات و مشعر شب و روز باید در اندیشه‌ی دشمن باشی. باید با یاد خدا و شناخت و اتکال به قدرت لایزال وارد میدان مبارزه شد و موانع را از سر راه توحید برداشت و در صراط مستقیم قرار گرفت.

### اسرار رمی

نخستین عمل در روز دهم، رمی جمره عقبه است. «رمی» عبارت است از این که هفت سنگ ریز به سوی ستون مورد نظر پرتاب کند. باید دانست در حال حاضر سه ستون و اخیراً سه دیوار سنگی در فاصله‌ی حدود ۲۰۰ متر از یک‌دیگر در قسمت آخر منی وجود دارد که به ترتیب از جنوب به شمال: «جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبی» نام گرفته است.

در روز دهم باید از اولی و دومی گذشت و سومی و آخری را رمی



کرد. ولی در روز یازدهم و دوازدهم هر سه باید رمی شود. ما در این جا اسرار رمی را به طور کلی بیان می‌کنیم.

شایان ذکر است این سه ستون و دیوار در سه محلی قرار دارد که شیطان آن‌جا برای ابراهیم خلیل تمثل پیدا کرد و خواست او را وسوسه کند تا از اجرای فرمان الهی مبنی بر ذبح اسماعیل امتناع ورزد. حضرت ابراهیم هر بار شیطان را با پرتاب سنگ‌ریزه از خود راند و دور ساخت و به بشر آموخت انسان با ایمان همواره باید تابع تکلیف باشد و هیچ چیز او را از انجام وظیفه باز ندارد.

الف) حب و بغض، دو بال مؤمن است که با یکی به تنهایی نمی‌توان پرواز کرد و به مقصد رسید. اثبات محبت و ابراز عشق به ذاتی جز با اظهار نفرت و اعلام انزجار نسبت به دشمن او ممکن نیست. تولی دوست مستلزم تبری از دشمن است.

رمی شیطان تجلی برائت از دشمن عنود جهول است. بیزاری از شیطان به صورت سنگسار کردن او، ظهور پیدا می‌کند. اگرچه شیطان نامرئی است و سنگ‌ها به ستونی سنگی اصابت می‌کند؛ ولی باید توجه داشت اغوای انسان و استیلای شیطان از طریق مظاهر مادی می‌باشد. پس رمی جمرات به این خاطر است که شیطان در این سه جا برای ابراهیم خلیل تمثل یافت و خواست او را از امتثال فرمان خدا مبنی بر ذبح اسماعیل باز دارد.<sup>۱</sup>

ب) نفس، محل تاخت و تاز جنود ابلیس است. گاهی به خانهای

دل نیز تعرض می‌کند و آن را به اشغال خود در می‌آورد؛ در حالی که خانه‌ی دل، خانه‌ی خدا است و از لوث وجود هر بیگانه و دشمنی باید پاک باشد و دیگری در آن جای نگیرد. فرمود: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

رمی جمرات تاختن و تهاجم آوردن بر لشکر شیطان است تا او را از خانه‌ی دل بیرون براند و کشور دل را از لوث وجود دشمن متجاوز اشغالگر پاک سازد و دل را به صاحب دل اختصاص دهد و به خدا بسپارد.

کعبه بیت‌الله و قلب خانه‌ی خدا است. مشعر و منی حرم‌الله و قلب نیز حرم خدا است. ابلیس را از حرم و خانه‌ی خدا بران، شیطان را از قلب خود بیرون کن زیرا قلب مؤمن، به خدا اختصاص دارد.

ج) رمی جمرات اظهار تنفر و انزجار قلبی و عملی از همه‌ی کسانی است که پیروی شیطان و تابعیت طاغوت را پذیرفته‌اند و پیشه‌ی خود ساخته‌اند و به جامعه‌ی اسلامی و احکام قرآن خیانت می‌کنند زیرا سزای هر خائنی سنگسار است.

امام عزیز راحل در پیامی خطاب به حجاج بیت‌الله الحرام فرمودند: «مسلمانان باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمین‌های اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاه‌های شرق و غرب از کشورهای خود تلاش کنند.»<sup>۲</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۴۳۷

۲- صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ۱۱۴

مسعودی در مروج الذهب گوید: «در جریان حمله‌ی ابرهه به مکه‌ی مکرمه، سه نفر به رهبری ابورقال که عناصر جاه‌طلبی بودند و با سران مکه اختلاف داشتند با لشکر ابرهه همکاری کردند. پس از هلاکت سپاه ابرهه مردم از خیانت و همکاری آنان با دشمن آگاه شدند و آن‌ها را در این سه نقطه به دار مجازات آویختند و سنگسار کردند و از پای درآوردند. تا درس عبرتی باشد که دیگر هیچ مسلمانی به خود اجازه‌ی همکاری با دشمنان دین و بشریت را ندهد.» البته این داستان با تمثیل شیطان برای حضرت ابراهیم برای امتناع از امتثال فرمان الهی در خصوص ذبح اسماعیل منافات ندارد.

### اسرار قربانی

دومین عمل روز دهم در منی، قربانی کردن است. در باب اسرار قربانی نیز به سه وجه اشاره می‌شود. امید است مورد توجه قرار بگیرد.

۱- قربانی نشانه‌ی ذبح نفس حیوانی و نیل به مقام انسانی است. کسی که قربانی کرد و نفس خود را در مذبح قربان نمود، دیگر آنچه نماد انانیت و نفسانیت است، نباید در او ظهور کند. ستم نمی‌کند. حق‌کشی نمی‌کند. بهتان نمی‌زند. غیبت روا نمی‌دارد. حب سیم و زر ندارد. خواهان ثروت و قدرت نیست.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

«وَ اذْبَحْ حَنْجَرَتِي الْهُوَى وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ»<sup>۱</sup>

هنگام قربانی، حنجره‌ی هوای نفس و طمع را قطع کن.

۲- قربانی موجب تقرب انسان به خدا می‌شود. زیرا قربانی نشانه‌ی صداقت مدعی در اظهارات او است. قربانی وسیله‌ای برای نزدیک شدن به رحمت خاص پروردگار است. از این جهت به نماز که مایه‌ی تقرب است، قربان اطلاق شده است: «الصلاه قربان کل تقی». قربانی تنها سر بریدن حیوان نیست؛ بلکه گذشتن از مال و جان است که برخی مال را از جان بیشتر دوست دارند.

۳- قربانی یادآور خاطره‌ی پیروزی ابراهیم خلیل در مورد ذبح فرزندش اسماعیل و رسیدن به مقام تسلیم است. پس ای حاجی، اکنون که به قربانگاه آمده‌ای و می‌خواهی قربانی کنی، اندکی با خود بیندیش. این گوسفند فدیه‌ی اسماعیل است. اسماعیل تو کیست؟ عزیز تو کیست؟ قرب حق تنها با گذشتن از عزیزترین افراد و اشیاء، امکان‌پذیر است.

## اسرار حلق

«حلق» به معنای تراشیدن موی سر می‌باشد و اختصاص به مردان دارد و وظیفه‌ی زنان، تقصیر است. برخی از فقها مردان را در حج تمتع بین حلق و تقصیر منخیر دانسته‌اند.

در هر حال با حلق یا تقصیر در منی حاجی از احرام بیرون می‌آید و می‌تواند لباس مخصوص احرام را از تن، بیرون آورد. هر چند حرمت زن و مرد و استعمال عطر به قوت خود، باقی است.

استعمال عطر پس از سعی و زن و مرد پس از طواف نساء و نماز آن، حلال و مباح می‌شود.

۱- از زیبایی جسم و ظاهر باید دل بکنیم و به زیبایی روح و باطن، پردازیم. زیرا حقیقت آدمی، جنبه‌ی روحانی و معنوی او است و این جنبه، ماندگار است و جسم انسان زوال‌پذیر است. خدایا! من از آنچه کوچک‌ترین و کم‌ترین نقشی در زیبایی من دارد، به خاطر تو گذشتم و رضای تو را بر خشنودی خودم مقدم داشتم. من به تو تعلق دارم. هرچه تو بخواهی همان برای من نیکو است. آری، باید از جمال ظاهری نسبی خود، برای نیل به جمال حقیقی مطلق، بگذری تا باطن و دلت نیز زیبا گردد.

۲ - غلامان و بندگان را سر می‌تراشیدند و حلقه به گوش می‌کردند. اسلام حلق و سر تراشیدن را نشانه‌ی بندگی خداوند متعال دانسته و می‌خواهد به عبد تفهیم کند که تو و هرچه داری از آن خدا است. او مالک علی‌الاطلاق است و تو مملوک او هستی. همه چیز تو به او تعلق دارد. «العبد و ما فی یده لمولاه»

پس باید همواره مراتب عبودیت و اطاعت خود را به جا آوری و در برابر مولای خویش تسلیم و فرمان‌بردار باشی و با او امر و نواهی او مخالفت نوری. «فَاخْلُقْ رَأْسَكَ تَوَاضِعًا لِلَّهِ»<sup>۱</sup> تراشیدن موی سر باید به قصد تواضع و اظهار تسلیم در برابر او امر و نواهی الهی باشد. پس از نابودی بعد شیطانی از طریق رمی و بعد نفسانی

۱- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۲، ح ۲۱

از طریق هدی، جنبه‌ی رحمانی و ملکوتی در انسان ظهور و بروز می‌کند و آدمی به مقام رفیع عبداللهی نائل می‌گردد.

حلق مهر بندگی خدا و آزادی از غیر او است که انسان با آگاهی، آزادی و افتخار آن را بر مهم‌ترین عضو بدن می‌زند تا پیوسته به خاطر داشته باشد او عبدالله است و باید به مقتضای بندگی در برابر فرمان مولی تسلیم و خاضع باشد. نیل به مقام بندگی مایه‌ی عزت و افتخار است. چنان که امام علی (علیه‌السلام) اظهار داشت: «الهی کفی بی عِزًّا أَنْ تُكُونَنَّ لِي رَبًّا وَ كَفَى بِي فِخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»

۳ - همان طور که باید به زدودن آلودگی سر و ظاهر اهتمام داشت، باید به رفع عیب و نقص باطن نیز اهتمام ورزید. باید نخوت و منیت را از سر بیرون کرد. رذایل اخلاقی را از نفس خویش زایل ساخت زیرا با وجود اخلاق سیئه، اخلاق حمیده امکان ظهور نخواهد یافت. باید هرچه نشان از هواپرستی و خودخواهی دارد و آنچه در پی خواهش نفس در سر می‌پرورانی، از سر بیرون کنی. خود را از ظواهر و زواید پاک سازی.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «وَاحْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ بِحَلْقِ شَعْرِكَ»<sup>۱</sup> با تراشیدن مویت عیوب ظاهری و باطنی خود را زایل کن.

## اسرار بیتوته به منی

پس از انجام اعمال روز دهم (یعنی رمی، ذبح و حلق) باید شب‌های یازدهم و دوازدهم به قصد قربت در منی بماند. اگر بخواهد به مکه برود و شب را در مکه بماند، باید نخوابد و تمام شب را به انجام عبادت و قرائت قرآن و ذکر و دعا مشغول باشد. درباره اسرار بیتوته در منی نیز سه نکته را باید توجه داشت:

الف) حضور در منی به مدت دو شب و روز پس از فراغ از اعمال روز عید قربان، فرصت بسیار مناسبی برای برگزاری کنگره‌ای عظیم در زمینه‌ی فرهنگ و معارف، اخلاق و حکمت، سیاست و اقتصاد می‌باشد تا با تبادل نظر و تعامل فکری میان دانشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از ملیت‌ها و کشورهای مختلف به تفاهم و توافق برسند، بدون این که هزینه‌ی سنگین داشته باشد.

در طول دو روز اقامت در منی می‌توان با گردهمایی نخبگان، خبرگان و نمایندگان کشورهای اسلامی، مسائل مهم جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد و برای حل مشکلات و معضلات جوامع اسلامی، تصمیم‌های اساسی گرفته شود و با همبستگی و هماهنگی در جهت تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس اسلام، گام‌های بلندی برداشت.

آری، انسان خردمند دین‌دار باید از هر زمان و در هر مکان با توجه به موقعیت و امکانات بهره‌برداری نماید و به تعلیم و تعلم، تبیین معارف و عقاید، ترویج اخلاق و احکام، تعامل در امور فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اهتمام ورزد.

ب) چنین مپندار که تنها کارهای روزانه موجب پیشرفت است. بلکه برای انسان آگاه شب نیز می‌تواند عامل ترقی و تعالی باشد. تأکید بر عنصر شب در آیات و روایات و توصیه‌ی اهل معرفت نشانه‌ی اهمیت شب به ویژه ثلث آخر در رشد و تعالی بشر است.

ج) با انجام رمی، قربانی و حلق یا تقصیر کار را تمام شده ندانید. هرگز از دشمن غافل نباشید. به صورت آماده باش در منطقه بمانید و حداقل دو روز دیگر در میدان رزم حضور پیدا کنید و بر سر دشمن بکوبید تا اطمینان پیدا کنید، وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام داده‌اید و نتیجه‌ی مطلوب به دست آمده است. دشمن همیشه در کمین نشسته است و مترصد هر فرصتی است تا بر شما بتازد و شما را به دام اندازد و به اسارت درآورد. همواره هوشیار باشید و به دشمن فرصت سربلند کردن و یورش آوردن و غافلگیر ساختن ندهید.

پس از بیتوته‌ی شب‌های یازدهم و دوازدهم در منی و رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم، اعمال منی پایان می‌پذیرد و حاجی پس از زوال روز دوازدهم به مکه باز می‌گردد. در مکه نیز باید چند عمل انجام بدهد. طواف زیارت و نماز آن، سعی بین صفا و مروه به قصد حج تمتع و در نهایت اعمال حج تمتع با انجام طواف نساء و نماز آن تمام می‌شود.

امید است این نکات هنگام انجام مناسک مورد توجه شما زائرین بیت‌الله قرار بگیرد و با حج مقبول و سعی مشکور با زاد و توشه‌ای فراوان از نورانیت و معنویت به آغوش وطن باز گردید.

**آمین یا رب العالمین**